



امام جواد علیه السلام

«مولود پر خیر و برکت» تعبیری است که امام رضا علیه السلام در وصف فرزند خود فرموده است.^۱ زمانی که امام جواد علیه السلام به امامت رسید، مأمون بر مسند خلافت بود. این خلیفه عباسی در ادامه سیاست گذشته خود، برای زیر نظر داشتن امام جواد علیه السلام دخترش را به همسری ایشان درآورد. معتصم عباسی نیز امام را به بغداد فراخواند تا از نزدیک فعالیت‌های حضرت را زیر نظر بگیرد. درخشان‌ترین دوره امامت امام جواد علیه السلام مناظرات و گفت‌وگوهای علمی است که نقش اساسی در تثبیت امامت ایشان داشت.

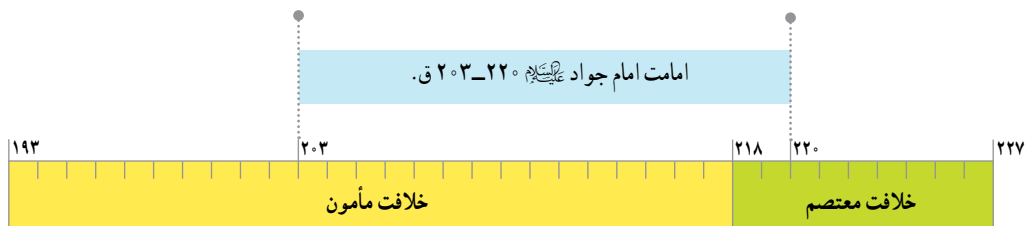
در این درس سؤال‌های زیر پاسخ داده می‌شود:

- ۱ سیاست خلفای هم عصر با امام در مقابل حضرت چه بود؟
- ۲ کدام بخش از دوره امامت امام جواد علیه السلام اهمیت ویژه دارد؟

اوضاع سیاسی عصر امام جواد علیه السلام

برای شناخت و فهم نقش امام جواد علیه السلام در رهبری جامعه اسلامی و شیعیان ناگزیر باید شناخت کافی از اوضاع آن دوره به دست آورد. دوران حدود هفده ساله امامت امام جواد علیه السلام به دو بخش مجزا قابل تقسیم است. حضرت با دو خلیفه عباسی که از جهت شیوه حکومتی با هم متفاوت بودند اما در دشمنی با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله اشتراک داشتند، معاصر بود. دوره اول: پانزده سال از دوره امامت حضرت در روزگار مأمون بود که طولانی‌ترین بخش زندگی کوتاه حضرت به شمار می‌رود. دوره دوم: دو سال از دوره امامت حضرت در زمان معتصم سپری شد.

خلفای هم عصر با امام جواد علیه السلام



۱. شیخ مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۹.

دوره نخست امامت امام جواد علیه السلام

شرایط دوران پانزده ساله نخست امام جواد علیه السلام درست همان شرایط پدر بزرگوارش بود. حضرت این دوره طولانی را هم زمان با خلیفه‌ای سپری کرد که از عالم‌ترین و زیرک‌ترین خلفا به‌شمار می‌رفت. مأمون سال ۲۰۴ ق. برای جلب نظر عباسیان و برخورداری از حمایت آنها به بغداد رفت و آنجا را مرکز حکومت خود قرار داد. پس از آن متوجه امام جواد علیه السلام شده، ایشان را به بغداد فراخواند. مأمون می‌دانست شیعیان از امام جواد علیه السلام به عنوان رهبر و پیشوای خود پیروی می‌کنند، از این رو نمی‌توانست حضرت را به حال خود رها کند. مدتی پس از ورود امام، مأمون تصمیم گرفت دختر خود - ام‌فضل - را به عقد حضرت درآورد و سیاست گذشته خود را در محدود ساختن امام رضا علیه السلام و کنترل فعالیت‌های ایشان در مورد امام جواد علیه السلام به اجرا درآورد. همچنین با اجرای این سیاست فریبکارانه در میان دوستان خانان پیامبر صلی الله علیه و آله - که همچنان او را قاتل اصلی امام رضا علیه السلام می‌دانستند - به دنبال بازایی مشروعیت خود بود. در ضمن به دنیا آمدن فرزندی از ایشان می‌توانست در آینده به عنوان محور حرکت‌های خود و بنی‌عباس قرار گیرد. البته ام‌فضل هیچ‌گاه صاحب فرزند نشد.

بنا به برخی گزارش‌های تاریخی زمانی که مأمون قصد خود را مبنی بر ازدواج دخترش با محمدبن علی علیه السلام آشکار کرد عباسیان برآشفتنند و او را مورد نکوهش قرار دادند. آنها سن کم امام را بهانه قرار داده و همچنین او را فاقد دانش کافی در دین دانستند. عباسیان بیم داشتند که امام جواد علیه السلام به منصب ولایتعهدی برسد و یا حتی زمام قدرت را به‌دست بگیرد.

در نهایت مأمون به رغم مخالفت‌های بزرگان عباسی دختر خود را در بغداد به ازدواج امام علیه السلام درآورد. امام علی‌رغم تلاش مأمون برای اظهار تمایل به تشیع و حتی موضع‌گیری‌های آشکار این خلیفه در برخی از مسائل اختلافی به نفع شیعیان نظیر تخطئه معاویه و برتری امام علی علیه السلام هیچ‌گاه در کنار مأمون قرار نگرفت و از او حمایت نکرد.

ایشان با وجود فراهم بودن تمام امکانات برای سکونت در شهر بغداد، رغبتی به ماندن در آنجا نشان نداد و زمانی که مأمون قصد عزیمت به سوی جنگ با رومیان داشت از او اجازه گرفته و به مدینه بازگشت.

دوره دوم امامت امام جواد علیه السلام

دوره دوم زندگی امام جواد علیه السلام بسیار کوتاه بود. این دوره با عصر خلافت محمدبن هارون معروف به المعتصم بالله مصادف شد. معتصم برخلاف پدر و برادرش از درایت و کاردانی لازم در امور سیاسی بی‌بهره بود. از این رو اقدامات او پس از به‌دست گرفتن قدرت، آینده خلافت عباسی را دچار مشکلات و آشوب‌های جدی نمود. از جمله اقدامات او، استخدام ترک‌ها^۱ به جای عنصر ایرانی و عرب در سپاه خلیفه بود. مادر معتصم از نژاد ترک بود و خودش هم نسبت به ایرانی‌ها و عرب‌ها بی‌اعتماد بود لذا ترجیح داد با به‌کارگیری ترک‌ها در سپاه خود از توان رزمی آنان در راستای تقویت سپاهش بهره بگیرد. پس از مدتی کوتاه شمار سربازان ترک به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. محبوبیت ترکان نزد خلیفه موجب شد تا آنان خیلی زود به مقامات بالا ارتقا یابند. کم‌کم رقابت میان آنها و اعضای قدیمی سپاه خلیفه افزایش یافت. از سوی دیگر فزون‌خواهی ترک‌ها و روحیه نظامی‌گری آنان آرامش و امنیت بغداد را برهم زد و مشکلاتی برای ساکنان آنجا ایجاد کرد. معتصم در اقدام بعدی ناگزیر شد بغداد را که تخته‌گاه شش خلیفه عباسی بود و از حیث تجاری و اقتصادی موقعیت بی‌بدیلی در جهان اسلام پیدا کرده بود ترک کند. معتصم پس از بررسی مناطق مختلف، منطقه سامرا در صد کیلومتری شهر بغداد را شناسایی کرد و پایتخت را بدانجا انتقال داد.^۲ معتصم در کنار این فعالیت‌ها از امام جواد علیه السلام غافل نبود. علت نگرانی او از امام جواد علیه السلام به دو جهت بود: اول آنکه؛ امام از بزرگان علوی و شخص اول خاندان بنی‌هاشم بود که مورد توجه دوستان اهل بیت قرار داشت و در میان مردم نیز روز به روز نفوذ بیشتری می‌یافت و دوم؛ امام جواد علیه السلام داماد

۱. بردگان ترک از ماوراءالنهر از مناطقی همچون سمرقند و شهرهای اطراف آن خریداری شده و به بغداد آورده می‌شدند.

۲. ناظمیان‌فرد، علی، معتصم و سیاست انتقال پایتخت، ش ۱۱، مجله پژوهش‌های تاریخ ایران و اسلام.

مأمون بود و به گمان عباسیان نزدیک‌ترین فرد به خلیفه است که می‌تواند وارث تاج و تخت شده و قدرت را به دست بگیرد. معتصم نامه‌ای به کارگزار خود نوشت و از او خواست امام را به همراه ام‌فضل راهی بغداد نماید. امام جواد علیه السلام پس از اطلاع از دستور معتصم آماده سفر شد و به همراه ام‌فضل راهی بغداد شد. در این سفر امام جواد علیه السلام با شخصیتی متفاوت از مأمون روبه‌رو شد. خلیفه‌ای با روحیه نظامی و فاقد پیش علمی که دشمنی خود را نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آشکارا بیان می‌دارد. معتصم امام را در قصر خود جای داد و همواره مترصد فرصتی بود تا ایشان را از میان بردارد. در همین راستا به گروهی از نزدیکان خود دستور داد تا امام را حاضر کنند و با تند، ایشان را متهم به توطئه کرد. پس از آن شاهدان را حاضر کرد تا به دروغ علیه حضرت شهادت دهند. اقامت امام جواد علیه السلام در بغداد زمان زیادی طول نکشید و بنا به نقل برخی از مورخان^۱ حضرت به دست همسرش ام‌فضل که از طرف معتصم مأمور به این کار شده بود به شهادت رسید.

بنای شهر سامرا

در برخی منابع تاریخی درباره بنای شهر سامرا این چنین نوشته‌اند:

چون دوران معتصم فرا رسید وی از سپاهیان که در بغداد (مقر خلافت حاکمان پیش از وی) گرد آمده بودند و بنا بر دلایلی اعتمادی به ایشان نداشت در بیم بود، لذا به اطرافیان گفت: جایی را برای من برگزینید که بدانجا رفته شهری بسازم و آن را پایگاه لشکر خود کنم، تا چنانچه از طرف سپاهیان بغداد حادثه‌ای رخ داد راهی برای نجات خویش داشته باشم و بتوانم از راه آب و خشکی بدانجا رهسپار شوم، سپس سامرا را برگزیده آن را آباد کرد و به آنجا شتافت. همچنین یکی از دلایل این اقدام معتصم را اعتراض فراوان مردم به ستم‌های فراوان سپاهیان که در بغداد ساکن بودند بر شمرده‌اند.^۲

اوضاع فکری زمانه امام جواد علیه السلام

جنبش علمی گسترده

زمانه امام جواد علیه السلام به جهت جنبش علمی و فرهنگی از باشکوه‌ترین دوره‌های تاریخ اسلامی به شمار می‌رود. در شکل‌گیری نهضت علمی عوامل مختلفی تأثیر داشت از جمله تأکید فراوان قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله به علم‌آموزی، تلاش‌های گسترده امامان پیشین و تشکیل جلسات متعدد و تربیت شاگردان برجسته که هر یک در مناطق مختلف، محوری برای گسترش علم و دانش اهل بیت علیهم السلام بودند.

علاقه و تلاش برخی از خلفای عباسی به رونق علم و دانش، تأسیس مدرسه و کتابخانه و تجهیز کتابخانه‌ها نیز تأثیر قابل توجهی بر این جنبش علمی داشت؛ به‌طور مثال مأمون مکاتباتی با پادشاه روم انجام داد و از او خواست اجازه دهد فردی را به روم بفرستد تا از میان کتاب‌های قدیمی موجود در خزانه پادشاهی نسخه‌هایی را انتخاب کند. پادشاه روم ابتدا نپذیرفت اما سرانجام تن به این خواسته داد.

برخی از مراکز مهم علمی آن دوره عبارت‌اند از:

مدینه: شهر مدینه پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به سبب توجه فراوان حضرت به امر آموزش و فراگیری علم به تدریج به‌عنوان یکی از مراکز علمی در جهان اسلام مطرح شد. مسجد این شهر همواره محل درس اهل بیت علیهم السلام بود و بزرگان، فقیهان و روایان از مناطق دور و نزدیک برای کسب علم بدانجا می‌رفتند.

کوفه: پس از مدینه، شهر کوفه در مرتبه بعدی قرار داشت. مسجد بزرگ این شهر به‌عنوان یکی دیگر از مراکز علمی مورد توجه

۱. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة، ص ۲۲۷.

۲. ابن طقطقی، الفخری فی الآداب السلطانیة و الدول الاسلامیة، ص ۳۲۱.

قرار گرفت. از آنجا که تفکر و اندیشه علوی کوفه را دربر گرفته بود مسجد کوفه توجه خود را به علوم اهل بیت علیهم‌السلام معطوف کرد. حسن بن علی و شاء^۱ در توصیف کوفه چنین گفته است: «در این مدرسه (مسجد کوفه) نهصد شیخ (عالم) را دیدم که همگی آنان می‌گفتند جعفر بن محمد (امام صادق علیه‌السلام) چنین حدیث گفت».^۲

بغداد: این شهر در سایه توجّه و اهتمام خلفا به صورت بزرگ‌ترین مرکز علمی آن دوره درآمد. جویندگان علم از مناطق مختلف آهنگ بغداد می‌کردند. حرکت‌های علمی و فرهنگی در این شهر موجب شکوفایی روزافزون آن شد. مدارس متعدّدی در این شهر بنا شد و به تمام علوم عقلی و نقلی توجه می‌شد. حضور عالمان و اندیشمندان از سایر ملت‌ها و فرهنگ‌ها بر رونق علمی این شهر افزود.

بصره: بصره یکی دیگر از کانون‌های علم به‌شمار می‌رفت. دستور زبان عربی در آنجا پدید آمد؛ همچنین حضور برخی از بزرگان معتزله^۳ در این شهر موجب تکامل اندیشه‌های معتزلی گردید.^۴

رونق مکتب فکری معتزله

در دوران امام جواد علیه‌السلام جریان فکری معتزله با حمایت و پشتیبانی مأمون رشد چشمگیری یافت. مأمون عقیده آنان درباره مخلوق بودن قرآن را به سبب اغراضی که داشت پذیرفت. او فرمان داد کارگزاران، امیران لشکر و قاضیان در مورد این موضوع، مورد آزمایش قرار گیرند و کسانی که این عقیده را قبول ندارند از کار برکنار و مجازات شوند. این ماجرا در تاریخ اسلام به «ماجرای محنة» شهرت یافت.

به نظر می‌رسد که مأمون به جهت درگیر شدن آشکار با اهل حدیث (که عقیده‌ای خلاف خلق قرآن معتزله داشتند) به سبب نفوذشان در عاقله مردم و همچنین گرایش اموی برخی از آنها مانند احمد بن حنبل این عقیده را بهانه‌ای برای سرکوبشان قرار داد. بنابراین قضیه محنة که حدود بیست سال طول کشید یک مانور سیاسی از سوی بنی‌عباس برای سرکوب مخالفان بوده است و معتزله نقش مهمی در آن نداشته‌اند. آنچه هست معتزله این فرصت را برای تبلیغ آزادانه عقایدشان غنیمت شمرند؛ چنان که جاحظ، نویسنده بزرگ معتزلی بهترین و مهم‌ترین آثارش را در همین دوران پدید آورده است.^۵

مناظرات علمی

یکی از بخش‌های مهم زندگی امام جواد علیه‌السلام مناظرات علمی حضرت است. امام از دو سو به این مناظرات دعوت می‌شد: نخست از سوی دستگاه خلافت که با دعوت از دانشمندان آن دوره و برگزاری مجالس علمی امید داشت حضرت در پاسخ به سؤالات فروماند و در نتیجه جایگاه علمی و اجتماعی وی در میان شیعیان که قائل به علم الهی امامان بودند، خدشه‌دار شود. جهت دوم، خود شیعیان بودند. از آنجا که سن امام جواد علیه‌السلام هنگام احراز مقام امامت کم بود، تردیدهایی برای برخی از شیعیان ایجاد شد. آنان برای اطمینان و زدودن هرگونه ابهامی در این زمینه به حضور امام می‌رفتند و سؤالات خود را در موضوعات گوناگون می‌پرسیدند. امام در تمام

۱. از شاگردان امام رضا علیه‌السلام و از روایان حدیث.

۲. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۴۱، این مطلب کنایه از رواج نقل احادیث و علوم اهل بیت علیهم‌السلام در آن مکان است.

۳. معتزله فرقه‌ای کلامی است که در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم شکل گرفت. نخستین رهبر مشهور این مکتب واصل بن عطاء (۱۳۱-۸۰ ق.) نام داشت. در اندیشه بیرون این جریان عقل - با وجود محدودیت‌ها و ناتوانی در کشف تمام حقایق - نقش تعیین‌کننده دارد. معتزلیان هر موضوعی را با عقل و خرد می‌سنجند و تنها با یافتن توجیه عقلانی آن را قابل پذیرش می‌دانند. از عقاید مشهور آنها این است که مرتکب گناه کبیره نه مؤمن است نه کافر، بلکه در منزلی است میان دو منزل. (برنجکار، رضا، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، ص ۱۱۷)

۴. افرادی همچون واصل بن عطاء، عمرو بن عبید، ابوالهدیل.

۵. ذکاوته قره‌گزلو، علیرضا، جاحظ، ص ۵۳-۵۲.

مناظرات پیشنهادی شرکت کرد و با توانایی شگرف علمی و معنوی خود چنان درخشید که دوست و دشمن را به تعجب واداشت. با توجه به اهمیت این مناظرات به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱ در اولین اجتماع شیعیان پس از شهادت امام رضا علیه السلام، یکی از آنان موضوع سن کم امام را مطرح کرده و از حاضران خواست تا راه حلی برای شرایط جدید پیش آمده تا بلوغ حضرت ارائه دهند. این سخن با عکس‌العمل شدید حاضران مواجه شد. آنان در پاسخ گفتند: «امامت امری از جانب خداوند است و ربطی به سن ندارد». پس از این ماجرا هنگام فرارسیدن موسم حج و حرکت کاروان‌ها به سوی مکه، هشتاد نفر از دانشمندان و فقهای شیعه بغداد برای ملاقات با امام از مکه به مدینه رفتند. در جلسه‌ای که این عده با امام داشتند سؤال‌های زیادی طرح گردید و امام با استدلال‌های منطقی و مبتنی بر آیات قرآن به تمام آنها پاسخ داد.

مولود پر خیر و برکت

امام رضا علیه السلام بارها در زمان حیات، فرزندش امام جواد علیه السلام را به عنوان مولود پر خیر و برکت معرفی می‌کرد. این تعبیر امام از آن جهت بود که حضرت خیلی دیر صاحب فرزند شد. این موضوع دستاویزی برای مخالفان از جمله واقفی‌ها گردید تا بدین وسیله هم امامت امام رضا علیه السلام و هم تداوم امامت را انکار کنند. تولد امام جواد علیه السلام در چنین شرایطی به این گونه سخنان پایان داد.

۲ همان‌طور که گفته شد زمانی که مأمون قصد خود مبنی بر ازدواج دخترش با امام جواد علیه السلام را مطرح کرد عباسیان به سن کم امام علیه السلام و در نتیجه علم ایشان در آن سن اعتراض کردند. مأمون جلسه علمی برگزار کرد و از یحیی بن اکثم - قاضی القضاة، فقیه و محدث بغداد - دعوت کرد. در این جلسه تنها دو سؤال مطرح شد. سؤال اول را یحیی بن اکثم پرسید. او که امام علیه السلام را نوجوانی ناآشنا به فقه و فروع آن تصور می‌کرد، سؤال کلی از احکام حج پرسید. امام در پاسخ فروعات مسئله را با مهارت کامل مطرح کرد به گونه‌ای که توانمندی و احاطه علمی ایشان بر اصول و مبانی دانش فقه آشکار شد. اوضاع چنان بر یحیی دشوار شد که نه تنها زمام بحث از دست او خارج شد بلکه با وجود توانایی بسیار، ظاهر خود را نیز نتوانست کنترل کند. بنابر گزارش‌های تاریخی، یحیی حیران شد و سردرگمی و ناتوانی در صورتش آشکار گشت و آن چنان به لکنت افتاد و دست و پای خود را گم کرد که تمام اهل مجلس به عمق ناتوانی‌اش بی‌بردند.^۱

سؤال بعدی را امام علیه السلام پرسید و یحیی از پاسخ درماند. مأمون که نمی‌خواست بیش از این امام علیه السلام فرصت داشته باشد به ظاهر از پیروزی ایشان اظهار خوشحالی کرد. پس از متفرق شدن حاضران، مأمون پاسخ سؤال پیچیده‌ای که امام جواد علیه السلام آن را طرح کرده بود پرسید و امام به تک‌تک موارد پاسخ داد.

۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ص ۵۱۲.

مأمون پس از شنیدن اعتراض بزرگان عباسی دستور داد تا مناظره‌ای با حضور امام جواد علیه السلام برگزار شود. فردی که برای مناظره در مقابل امام انتخاب شد، یحیی بن اکثم بود. در یک روز معین همه بزرگان و کارگزاران دستگاه خلافت و همچنین خود مأمون حاضر شدند. ابتدا یحیی بن اکثم از مأمون اجازه خواست تا سؤال را مطرح کند. مأمون گفت: از خود او - منظور امام جواد علیه السلام - اجازه بگیر. یحیی از امام جواد علیه السلام اجازه گرفت و امام فرمود: هرچه می‌خواهی پرس. یحیی گفت: حکم شخص مُحرّم که در حال احرام حیوانی را شکار کرده است، چیست؟ امام جواد علیه السلام فرمود: «آیا این شخص شکار را در محدوده‌ای خارج از محدوده حرم کشته است یا در حرم؟ عالم به حکم حرمت شکار در حال احرام بوده یا جاهل؟ عمدتاً کشته یا به خطا؟ آزاد بوده یا برده؟ صغیر بوده یا کبیر؟ برای اولین بار چنین کاری کرده یا برای چندمین بار؟ شکار او از پرندگان بوده یا غیر پرنده؟ از حیوانات کوچک بوده یا بزرگ؟ از کار خود پشیمان است یا خیر؟ در شب شکار کرده است یا روز؟ در احرام عمره بوده یا احرام حج؟»^۱ ایشان با این سؤالات احاطه‌اش بر فروع را برای همگان اثبات کرد.

۲ مناظره‌ای دیگر از طرف مأمون و با حضور یحیی بن اکثم برگزار شد. قاضی القضاة این بار سؤال‌هایی از امام پرسید که مربوط به احادیث مناقشه‌برانگیز اعتقادی اهل سنت می‌شد. یحیی با این پرسش قصد داشت امام را به سکوت وا دارد زیرا اگر حضرت طبق مبانی تشیع پاسخ می‌داد بهانه‌ای به دست دشمنان داده بود تا آشکارا به مقابله با ایشان و شیعیان پردازند و اگر طبق نظر عموم پاسخ می‌داد شایع می‌شد که حضرت به اصول خود پشت کرده است.

امام جواد علیه السلام در این جلسه بدون برانگیختن احساسات اهل سنت چنین پاسخ داد که روایات جعلی زیادی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت داده شده است. همان‌طور که پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیات هشدار داده بودند؛ هر حدیثی باید بر کتاب خدا عرضه شود تا صحت آن مورد تأیید قرار گیرد.

۴ معتصم هم امام جواد علیه السلام را در برابر مناظرات علمی قرار داد تا در صورت سر زدن لغزش و اشتباه از سوی امام، آن را دستاویز خود ساخته و صلاحیت علمی حضرت را برای رهبری شیعیان زیر سؤال برد. در یکی از این مناظرات که با حضور فقهای برجسته آن دوره برگزار شد، مسئله مجازات شخصی که مرتکب دزدی شده بود، مطرح گردید. فقها هر یک نظر خود را گفتند. معتصم نظر امام را خواست. امام جواد علیه السلام با استناد به آیات قرآن پاسخ دیگری داد که مخالف نظر فقهای حاضر از جمله فردی به نام ابی داود^۲ بود. معتصم نظر امام را پذیرفت. ابن ابی داود بسیار آزرده خاطر شد. چند روز بعد نزد معتصم رفت و عواقب ناگوار ترجیح رأی یک جوان - امام جواد علیه السلام - بر آرای فقیهان را گوشزد کرد. به گزارش برخی از مورخین بدگویی ابی داود زمینه‌ساز شهادت امام جواد علیه السلام شد.^۳

شرایط خاص زمانه امام جواد علیه السلام

۱ تا پیش از امامت امام جواد علیه السلام در تفکر عمومی مردم، فرد بالغ می‌توانست به مقام امامت برسد زمانی که امام رضا علیه السلام به شهادت رسید امام جواد در حالی به امامت رسید که حدود هشت سال سن داشت. به لحاظ تاریخی احراز یک مقام الهی در سن کودکی

۱. شیخ مفید، محمد بن محمد الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۱.

۲. قاضی القضاة بغداد و از بزرگان معتزله.

۳. قرشی، باقر شریف، موسوعه سیره اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، ص ۳۱۴.

سابقه داشت اما در میان امامان معصوم امام جواد علیه السلام اولین کسی بود که در سن کم به امامت رسید. این موضوع گفت و گوها و مباحثی در میان مردم و حتی شیعیان پدید آورد. به طوری که عده‌ای دچار تردید شدند که چگونه فردی با سن کم توانایی انجام چنین مسئولیت دشواری را دارد؟ دشمنان و مخالفان نیز این شرایط را فرصت مناسبی یافتند تا به مقابله با حضرت بپردازند.

۲ از دوره امامت امام جواد علیه السلام به بعد شرایط متفاوتی برای ائمه علیهم السلام به وجود آمد. ایشان به شدت تحت نظارت خلفای عباسی قرار گرفتند و ارتباطشان با شیعیان به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت.

امام رضا علیه السلام در زمان حیات خود بارها فرزندشان را به عنوان جانشین خود معرفی نمودند. به عنوان مثال زمانی که یکی از اصحاب از امام سؤال کرد: اگر پیشامدی برای شما رخ داد به چه کسی مراجعه کنیم، امام فرمود به فرزندم ابوجعفر. وقتی آن شخص سن حضرت را کم شمرد امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام به آیاتی از قرآن همچون آیه ۱۲ و ۳۰ سوره مریم اشاره فرمودند. امام جواد علیه السلام در جای دیگر امام علی علیه السلام را به عنوان نمونه تاریخی مطرح کرد. با مراجعه به این آیات و همچنین ویژگی امام علی علیه السلام هنگام پذیرش دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله وجه استناد امام رضا و امام جواد علیهم السلام به نمونه‌های مذکور را بیان کنید.

امامت امام جواد علیه السلام زمینه‌ساز غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

امامت امام محمد تقی علیه السلام با ویژگی‌های خاص خود بستر مناسب برای امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در سن و سال کمتر فراهم آورد. این موضوع سبب شد تا در آینده شیعیان به سادگی امامت حضرت را در شرایط غیر معمول تر بپذیرند و مشکلی جدی نیز ایجاد نشود. زیرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به جهت شرایط دشوار و پیچیده دوره خود حتی فرصت آن را پیدا نکرد که در مقابل توده مردم و مخالفان قرار گیرد و با علم الهی و غیبی خود جایگاه امامت را تبیین نماید.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام جواد علیه السلام

دوران زندگی امام جواد علیه السلام چندان نپایید. اما در این مدت کوتاه، حضرت از هر فرصتی برای تبیین معارف دینی و احکام الهی بهره می‌برد. بخشی از این معارف هنگام حضور امام در مناظرات که یا از سوی شیعیان و یا از طرف مخالفان برگزار می‌شد، مطرح می‌گردید. بیش از دویست روایت در مسائل فقهی، تفسیری، اعتقادی و اخلاقی به ایشان منسوب است و همچنین چندین رساله و پاسخ‌نامه به مسائل دینی شیعیان از ایشان باقی مانده است.^۱

۱ تربیت شاگردان: امام جواد علیه السلام با تشکیل جلسات درس، شاگردانی را پرورش داد که هر یک نقش مهمی در انتقال آموزه‌های اسلامی و احادیث آن حضرت به نسل‌های بعدی داشتند.

علی بن مهزیار، نام یکی از شاگردان امام جواد علیه السلام است. وی از راویان امام رضا علیه السلام نیز بود. علی بن مهزیار احادیث بسیاری از امام جواد علیه السلام روایت کرده است. حضرت در نامه‌ای که به این شاگرد برجسته خود می‌نویسد، از خدمات وی ستایش می‌کند. او حدود ۳۵ اثر در ابواب فقه، تفسیر و عقاید داشته است.^۲

۱. باغستانی، اسماعیل، دانشنامه جهان اسلام، مدخل امام جواد علیه السلام.

۲. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۵.

۲ مکاتبه و توقیع: پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف، دسترسی آنان را به امام برای کسب معارف دینی مشکل کرده بود. سختگیری خلفا نیز برقراری ارتباط را مشکل ساخته بود. افزون بر این، پس از رحلت هر امام به دلیل مشکلاتی که پیش می‌آمد، ارتباط با امام بعدی محدود می‌شد. در زمان امام جواد علیه السلام نیز مدتی طول کشید تا شیعیان نسبت به امامت آن حضرت یقین پیدا کنند. با دشوار شدن ملاقات حضوری با امام، نگارش نامه و دریافت پاسخ آن یکی از راه‌هایی بود که ارتباط با حضرت را آسان می‌ساخت، بدین ترتیب در زمان امام جواد علیه السلام همانند زمان امام رضا علیه السلام شیعیان از راه نامه‌نگاری با امام خود ارتباط داشتند.^۱ در این نامه‌ها مسائل فقهی، کلامی، شرعی، دستورات مربوط به عزل و نصب و کیلان، نحوه عملکرد آنان و رسیدگی به حال شیعیان نیازمند مطرح می‌شد.

پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف در این گزارش تاریخی آمده است:

شخصی از اهالی بُست^۱ و سَجِسْتان^۲ در ایام حج به حضور امام جواد علیه السلام رسید و گفت: والی ما از دوستان اهل بیت بوده و به شما علاقه‌مند است، من نیز خراجی به دیوان بدهکارم. نامه‌ای به او بنویسید تا در این باره با من سختگیری نکند. امام فرمود: او را نمی‌شناسم. من گفتم: او از دوستان شما اهل بیت است. حضرت کاغذی گرفت و بر آن چنین نوشت: «آورنده این نامه عقیده مبارکی را از تو نقل کرد. هر عمل نیکویی که انجام دهی از آن تو خواهد بود، پس به برادرانت نیکی کن و بدان خداوند از تک‌تک اعمال خواهد پرسید.» نامه را از حضرت گرفتیم و به راه افتادم. پیش از آنکه به سَجِسْتان برسم، این خبر به گوش والی آنجا، حسین بن عبدالله نیشابوری رسید و او در دو فرسخی شهر به استقبالم شتافت. نوشته حضرت را به او دادم. وی آن را بوسید و بر دیده نهاد و گفت: حاجت چیست؟ گفتم: خراجی به حکومت بدهکارم. به دستور حاکم، آن خراج را بخشودند. او همچنین دستور داد تا زمانی که والی است، از من خراج نگیرند. سپس از زندگی ام سؤال کرد و بعد به کارگزارانش گفت که برای من مستمری قرار دهند.^۳

۳ تقویت شبکه و کالت: دشواری ارتباط شیعیان با امام جواد علیه السلام، به جهت پراکندگی جغرافیایی و در نتیجه عدم امکان ملاقات مستقیم و یا محدودیت های سیاسی، موجب شد تا امام جواد علیه السلام، به تقویت شبکه و کالت بپردازد، این شبکه به خوبی می‌توانست جایگزین ارتباط مستقیم باشد. حضرت، کارگزاران امینی را در سرتاسر قلمرو حکومت اسلامی، مانند خراسان بزرگ، مصر، اهواز، همدان، سیستان و... انتخاب نموده و به این طریق ارتباط خود با شیعیان را حفظ کردند و ضمن پاسخگویی به سؤالات و شبهات آنها، با دریافت وجوهات شرعی، به شیعیان نیازمند رسیدگی می‌کرد.^۴

۱. در موسوعه الامام جواد علیه السلام، نام ۶۳ تن از افرادی که حضرت با آنان مکاتبه داشتند، گردآوری شده است. (قزوینی، محمدکاظم، موسوعه الامام الجواد علیه السلام، ج ۲، ص ۵۰۸-۴۱۶)
 ۲. بُست، نام یکی از روستاهای سَجِسْتان (سیستان) بود، که امروزه جزو افغانستان است. (فرهنگ معین)
 ۳. سَجِسْتان مُعرب سیستان است.
 ۴. شیخ طوسی، محمد بن حسن، التهذیب، ج ۶، ص ۳۳۵.
 ۵. علی بن مهزیار اهوازی، زکریا بن آدم قمی، سعد بن عبدالله اشعری قمی و ابراهیم بن احمد همدانی، از جمله وکیلان امام جواد علیه السلام بودند.

زکریا بن آدم اشعری قمی یکی از وکیلان و اصحاب امام جواد و امام رضا علیهما السلام بود. زمانی که فعالیت‌های شیعیان واقفی، بسیاری از دیگر شیعیان را در عقیده‌شان به امامت امام رضا علیه السلام سست کرده بود او بر عقیده خود باقی ماند و در شهر قم با این تفکر به مبارزه پرداخت. در منابع حدیثی و رجالی گزارش‌هایی وجود دارد که در آنها امام رضا و امام جواد علیهما السلام از منزلت او نزد خود سخن گفته‌اند. دربارهٔ وکالت او در زمان امام رضا علیه السلام گزارشی وجود دارد که طبق آن، حضرت، علی بن مسیب همدانی را که از ایشان برای یافتن پرسش‌هایش به سبب دوری راه و عدم دسترسی به امام، کسب تکلیف کرده بود به زکریا بن آدم ارجاع داده و فرمود: «او در امور دین و دنیا امین و مورد اعتماد ماست.» امام جواد علیه السلام نیز پس از وفات وی، او را یاری رسان حق و اهل بیت علیهم السلام دانسته است. قبر زکریا در قبرستان شیخان شهر قم واقع شده است.

پرسش‌های نمونه

- ۱ علت اعتراض عباسیان به مأمون در ارتباط با امام جواد علیه السلام چه بود؟
- ۲ چرا معتصم عباسی از جانب امام جواد علیه السلام احساس خطر می‌کرد؟
- ۳ دو مورد از فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام جواد علیه السلام را بنویسید.
- ۴ حکومت مأمون و معتصم را از لحاظ شیوه حکومتی با یکدیگر مقایسه نموده، تفاوت و مشترکات آنها را بنویسید.
- ۵ امام جواد علیه السلام از سوی چه کسانی و چرا به مناظره علمی دعوت می‌شد؟

امام هادی علیه السلام

دوره امامت امام هادی علیه السلام با شش خلیفه عباسی هم‌زمان بود. سخت‌ترین دوره زندگی ایشان با دوران خلافت متوکل - دهمین خلیفه عباسی - مصادف شد. بنا به برخی گزارش‌های تاریخی، این خلیفه عباسی در دشمنی با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و شیعیان گوی سبقت را از دیگران روده بود. از اقدامات وی می‌توان احضار امام به سامرا، تعقیب و سرکوب معتزلیان و حمایت گسترده از اصحاب حدیث را برشمرد. امام هادی علیه السلام در چنین شرایط دشواری، مدبرانه مسیر اجداد بزرگوار خود را در هدایت و رهبری جامعه ادامه داد. در همین راستا و با توجه به شرایط موجود شبکه وکالت را تقویت و گسترش داد.

محورهای مهم این درس، پاسخ به سؤالات زیر است:

۱. اوضاع سیاسی و فکری جامعه اسلامی در زمان امام هادی علیه السلام چگونه بود؟
۲. شبکه وکالت در این دوره چه مناطقی را در برمی‌گرفت؟
۳. امام هادی علیه السلام در راستای ترویج معارف دین چه فعالیت‌هایی انجام داد؟

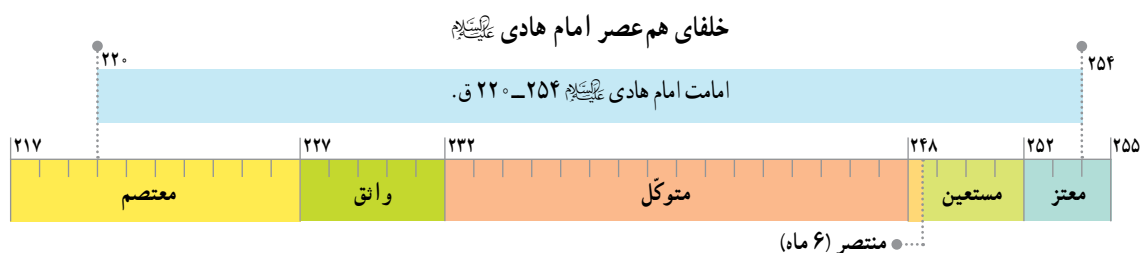
امام هادی علیه السلام در مدینه

آغاز امامت امام هادی علیه السلام هم‌زمان با خلافت معتصم بود. در این زمان حضرت در شهر مدینه اقامت داشت. معتصم که نمی‌توانست امام را به حال خود رها کند، دستور داده بود که هرگونه فعالیت ایشان را گزارش دهند. حضرت با آگاهی از این مطلب بدون برانگیختن حساسیت دستگاه خلافت، فعالیت‌های علمی و فرهنگی امامان پیشین را در شهر مدینه ادامه داد. علاقه‌مندان به کسب علوم دینی از مناطق مختلف نزد امام رفته و از ایشان بهره می‌گرفتند. ۱۳ سال از امامت امام بدین‌گونه در شهر مدینه سپری شد. حضرت در کنار فعالیت‌های علمی به امور مردم نیز رسیدگی می‌کرد. ایشان برخلاف حاکمان و والیان آن روز ارتباط زیادی با مردم به خصوص مستمندان و محرومان داشت. نیاز آنان را برآورده می‌ساخت، از بیمارانشان عیادت می‌کرد و به کوچک و بزرگشان عنایت داشت. بدین ترتیب روز به روز نفوذ و محبوبیت امام در میان اهالی مدینه بیشتر می‌شد؛ به طوری که حاکم مدینه نامه‌ای به خلیفه عباسی آن زمان - متوکل - فرستاد که چنین نوشته شده بود: «اگر احتیاج به حرمین - مکه و مدینه - داری می‌بایست علی بن محمد را از آن جداسازی زیرا او مردم را به سوی خود فرا می‌خواند و عده زیادی به او گرویده‌اند»^۱

امام علیه السلام نیز نامه‌ای به متوکل نوشت و در آن از دشمنی کارگزار وی و بدرفتاری‌هایش گله کرد و دلایلی بر نادرستی تهمت‌های او آورد.^۲

۱. شیخ مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۲۹۷.

۲. همان.



فراخواندن امام هادی علیه السلام به سامرا

متوکل، وجود امام هادی علیه السلام را خطری بزرگ برای حکومت خود می دانست، از این رو هر گزارشی مبنی بر محبوبیت و علاقه مردم به حضرت می توانست بهانه‌ای باشد تا همان سیاست نیاکان خود را نسبت به حضرت عملی سازد.

چنان که نامه فرماندار مدینه و برخی از کارگزاران عباسی، به شدت خلیفه را نگران کرد و وی را مصمم کرد تا امام را به سامرا فراخواند و از نزدیک فعالیت‌های حضرت را زیر نظر داشته باشد. متوکل نامه‌ای به امام هادی علیه السلام فرستاد و ضمن برکناری حاکم مدینه، خود را مشتاق دیدار امام توصیف کرد. ادعایی که بعدها مشخص شد واقعی نیست و متوکل هدفی جز از میان برداشتن حضرت ندارد.

متوکل همراه نامه، فردی به نام یحیی بن هرثمه را به مدینه فرستاد. این فرد به محض ورود، خانه امام را واریسی کرد و چیزی جز قرآن نیافت. سرانجام در سال ۲۳۳ ق. امام راهی سامرا شد زیرا چاره‌ای جز ترک شهر مدینه نداشت. قبول نکردن دعوت متوکل می توانست دلیلی بر درستی ادعای بدگویان باشد. امام به همراه فرزند خردسالش امام حسن عسکری علیه السلام و دیگر اعضای خانواده مدینه را به قصد اقامت اجباری در سامرا ترک کرد. یحیی رفتار محترمانه‌ای با امام داشت. ملاقات نزدیک با امام و کرامت‌هایی که در طول مسیر از ایشان دید، موجب شد تا وی مجذوب شخصیت حضرت شود.

امام و دیگر همراهان وارد شهر بغداد شدند. مردم استقبال شایسته‌ای از ایشان انجام دادند، به گونه‌ای که متوکل دستور داد تا شبانه امام را به سامرا ببرند. پس از ورود به شهر سامرا متوکل نه تنها به استقبال ایشان نرفت بلکه دستور داد تا امام را در مکانی به نام «خانه گدایان» اقامت دهند.

تک‌توضیح

نامه متوکل به امام هادی علیه السلام قبل از حرکت ایشان به سوی سامرا

متوکل نامه‌ای به ظاهر محترمانه به امام نوشت. مضمون نامه چنین بود:

«به نام خدا، پس از حمد و ثنای خداوند، امیرالمؤمنین شما را خوب می‌شناسد، شخصیت، بزرگواری و نسبت و قرابت شما را با رسول خدا صلی الله علیه و آله رعایت می‌کند و تنها هدف او جلب رضایت و خشنودی خداوند و شما است. اکنون دستور دادم که طبق درخواست شما فرمانده جنگ و امام جمعه شهر، «عبدالله بن محمد»، که مرتکب اهانت به شما شده است، برکنار و به جای او «محمد بن فضل» منصوب شود. او دستور دارد در برابر امر شما مطیع بوده در تکریم و تعظیم شما نهایت سعی و کوشش را به عمل آورد تا بدان وسیله به خدا و رسول او و امیرالمؤمنین (متوکل) تقرب جوید.

امیرالمؤمنین مشتاق دیدار شما است تا تجدید عهدی صورت گیرد، اگر مایل به زیارت خلیفه باشید و به آن علاقه دارید می‌توانید به اتفاق خانواده و دوستان و علاقه‌مندان حرکت کنید. برنامه سفر به اختیار خودتان است، هر جا خواستید توقف نمایید. در صورت تمایل، خدمتگزار خلیفه، «یحیی بن هرثمه»، ملازم رکاب خواهد بود و به خدمتگزاری شما مفتخر خواهد شد، زیرا شما نزد ما محترم هستید و ما شدیداً به شما علاقه‌مندیم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته».

۱. به این مکان خان صعالبک گفته می‌شود.

۲. شیخ مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۲۹۷.

امام هادی علیه السلام در سامرا

با انتقال امام هادی علیه السلام به مرکز خلافت عباسی، دور جدیدی از برخوردها و سیاست‌های متوکل در برابر پیشوای دهم علیه السلام آغاز گشت. متوکل در رفتار به ظاهر محترمانه تمام تلاش و کوشش خود را به کار گرفت تا مردمی‌ترین و ریشه‌دارترین رهبر مخالف حکومت خود را شکست دهد. این توطئه‌ها، شکل‌های مختلف داشت، برخی از آنها عبارت است از:

- ۱ ایجاد محدودیت برای امام علیه السلام و جلوگیری از هرگونه ارتباط و تماس با مردم و شیعیان.
- ۲ احضار مکرر امام هادی علیه السلام به کاخ سلطنتی که برخی از آنها در نیمه‌های شب اتفاق می‌افتاد. متوکل با دریافت کوچک‌ترین گزارشی دستور می‌داد به منزل امام هجوم برند و ضمن بازرسی خانه حضرت، وی را نزد متوکل ببرند.
- ۳ مخدوش ساختن چهره معنوی حضرت: در یکی از احضارهای شبانه، امام هادی علیه السلام در حالی وارد کاخ متوکل شد که وی به همراه کارگزارانش در یک بزم شبانه مشغول نوشیدن شراب بودند. متوکل امام را احترام کرد و نزد خود نشاند و از جام شراب خود به ایشان تعارف کرد. امام فرمود: مرا معاف دار که گوشت و خون من هرگز با شراب آمیخته نشده است. سپس متوکل از ایشان خواست که شعری برای او بخواند. پس از اصرار، حضرت اشعاری را خواند. مضمون اشعار چنان تکان‌دهنده بود که بزم شبانه آنها را در هم ریخت و حاضران و حتی متوکل را به شدت متأثر کرد.

تکلیف

مضمون اشعار امام علیه السلام چنین بود:

پادشاهان بر فراز قلّه کوه‌ها، عمر خویش را سپری کردند درحالی که نگهبانانی نیرومند آنها را حراست می‌کردند. اما قلعه‌های بلند سودی برای آنها نداشت و بعد از دورانی که باعزت سپری کردند، از دژها و قلعه‌های محکم خویش به پایین کشیده شدند. در گودال‌هایی (قبرهایی) جای داده شدند و چه بد مکانی است قبرهای آنان! پس از مرگ آنان، کسی رو به آنان فریاد برمی‌آورد که کجاست آن دستبندها، تاج‌ها و زیورات؟ کجاست چهره‌هایی که در ناز و نعمت بودند و در برابر آنان پرده‌های رنگارنگ آویخته می‌شد؟ در این هنگام قبر از طرف آنان با زبان گویا چنین گفت که کرم‌های زیر خاک بر آن چهره‌های نازپرورده راه می‌روند. زمان درازی آنان خوردند و نوشیدند و امروز خود خوراک و طعمه کرم‌ها هستند.

- ۴ برگزاری مناظره علمی: متوکل از یکی از دانشمندان معروف به نام ابن سکیت^۱ خواست تا مسئله پیچیده و مشکلی طرح کرده از امام سؤال کند و از این راه وسیله‌ای برای بدنامی امام فراهم آورد. ابن سکیت فرمان را اجرا کرد و در کاخ خلیفه عباسی تمام دانشمندان و فقها جمع شدند و در حضور متوکل، ابن سکیت سؤال‌های خود را پرسید. امام به تمامی سؤالات پاسخ داد. یحیی بن اکثم نیز سؤالاتی را آماده کرده و پاسخ آنها را از امام درخواست نمود. پاسخ امام به مسائل مشکل که حکایت از جایگاه علمی ایشان داشت چنان یحیی بن اکثم را متعجب ساخت که رو به متوکل کرد و گفت: «ما دوست نداریم که پس از این، چیزی از ایشان (خطاب به امام هادی علیه السلام) بپرسند، زیرا هرچه علم او آشکار می‌شود باعث قوت گرفتن رافضی‌ها^۲ خواهد شد.»^۳

۱. ابن سکیت راوی ایرانی تبار شیعی و از نزدیکان و خاصان امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام بود. پدرش اسحاق به جهت افراط در سکوت بدان ملقب گردید. ابن سکیت در علم نحو و لغت سرآمد دانشمندان زمان خود بود. وی معلم فرزندان متوکل بود. در نهایت جان خود را در دفاع از اهل بیت علیهم السلام از دست داد.

۲. رافضیه از ماده رفض به معنای ترک کردن و رها کردن است. این واژه به تدریج در مورد شیعیان به کار برده شد، زیرا آنان خلافت خلفای اول را ترک و امامت امام علی علیه السلام را پذیرفته بودند.

۳. ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۴۸۱-۴۷۷.

۵ زندانی کردن امام: متوکل که در برابر امام علیه السلام دچار عجز و ناتوانی شده بود، دستور داد امام هادی را به زندان بيفکنند تا بدین وسیله کینه درونی خود را نسبت به حضرت التیام بخشد.

فکر کنید و پاسخ دهید

به نظر شما علت برگزاری مناظره‌های علمی از سوی خلفا چه بود؟

شبکه و کالت در دوران امام هادی علیه السلام

سیستم وکالت در دوره‌های امامان پیشین پایه‌گذاری شده بود، اما در دوره امام هادی علیه السلام این شبکه گسترده علمی، فکری و سیاسی، از برجستگی و اهمیت خاصی برخوردار شد و در عصر امام حسن عسکری علیه السلام نیز همین رویه استمرار یافت. علت این امر، محدودیت و کنترل شدید امام هادی علیه السلام بود. در واقع محل اقامت حضرت، در یک پادگان نظامی قرار داشت که تحت نظارت دقیق مأموران دستگاه خلافت بود و امکان دسترسی مردم و اصحاب به ایشان و بهره گرفتن از محضر وی به سادگی امکان پذیر نبود. به همین دلیل، ارتباط میان امامان و شیعیان فراتر از ارتباط معمولی و عادی بود و از سازمان‌دهی و پیچیدگی بیشتر برخوردار بود. به طوری که افراد معمولی توانایی انجام چنین مسئولیتی را نداشتند. وکیلان حضرت نقش حساس‌تر، اختیارات بیشتر و مسئولیت سنگین‌تری پیدا کردند. در این دوره، افراد توانمندی مثل محمد بن داود قمی یا ابوعلی بن راشد، مسئولیت وکالت را بر عهده داشتند. کارگزاران و نمایندگان محلی تحت نظر این افراد به انجام وظیفه می‌پرداختند.

منابع تاریخی حاکی از آن است که قلمرو فعالیت وکلای امام به چهار منطقه اصلی و مرکزی تقسیم شده بود:

ناحیه نخست: بغداد، مدائن و کوفه

ناحیه دوم: بصره و اهواز

ناحیه سوم: قم و همدان

ناحیه چهارم: حجاز، یمن و مصر

نظارت دقیق بر عملکرد وکلا، تعیین وظایف و حدود و اختیارات و ارائه خط مشی‌های کلی از مضمون نامه‌های امام مشخص می‌شود. نمونه‌ای از این گونه سفارش‌ها در منابع تاریخی موجود است: حضرت در نامه‌ای، ابوعلی راشد را جایگزین وکیلان قبلی می‌نماید و بر اطاعت از ایشان تأکید می‌کند، فرمان‌بری از ابوعلی را همچون فرمان‌بری از خود اعلام می‌کند. حضرت در نامه‌ای دیگر، برخی از نکات امنیتی را یادآوری می‌کند. ایشان خطاب به ایوب بن نوح چنین می‌نویسد: «ایوب بن نوح، به تو دستور می‌دهم که از ارتباط و رفت‌وآمد زیاد با ابوعلی پرهیز و هر کدام از شما در قلمرو مأموریت خود، مشغول انجام امور محوله باشید؛ و حتی اگر شما بر اساس دستورالعمل تعیین شده رفتار نمایید از ارتباط (پیوسته) با من نیز بی‌نیاز خواهید بود. ای ابوعلی به تو نیز همان دستوراتی را می‌دهم که به ایوب دادم و نیز به شما دستور می‌دهم که از اهالی بغداد و مدائن چیزی که برای شما می‌آورند نپذیرید و نیز برای دیدار با من به آنان وقت ملاقات ندهید و کسانی که از خارج قلمرو مأموریتی شما برای شما چیزی می‌آورند به وکیل ناحیه مربوطه راهنمایی کنید.»^۱

۱. رفیعی، علی، زندگانی امام هادی علیه السلام، ص ۲۲.

سؤال: نقش شبکه وکالت در آماده‌سازی مردم برای غیبت صغری را توضیح دهید.

➤ اوضاع سیاسی دوران امام هادی علیه السلام

دوران امامت امام هادی علیه السلام آغاز دوره‌ای متفاوت برای حکومت عباسیان به شمار می‌آید. در این دوره از شکوه و عظمتی که دستگاه خلافت پیش‌تر از آن برخوردار بوده، خبری نیست، امنیت و آرامش از تمامی نقاط اسلامی رخت برسته و سلطه خلفای عباسی به سستی گراییده بود. علت ضعف و سستی خلافت را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱ تسلط ترک‌ها بر حکومت

پیش‌تر اشاره شد، معتصم بنا به دلایل مختلف از جمله بی‌اعتمادی به عنصر عرب و ویژگی‌های جسمانی و توانمندی نظامی ترک‌ها، تصمیم گرفت ارتش خود را از نیروهای ترک تشکیل دهد. ترک‌ها خیلی زود، مناصب حکومتی را به دست گرفتند درحالی که هیچ‌گونه آشنایی با امور حکومتی و اداری نداشتند و تمام توجهشان به جنگ و کشتار بود. آنها به تدریج چنان بر امور کشورداری مسلط شدند که برای خلیفه هیچ نفوذ و قدرتی باقی نماند. هرگاه می‌خواستند خلیفه را برکنار کرده و دیگری را بر تخت می‌نشاندند. یکی از شاعران آن زمان موقعیت یکی از خلفای عباسی به نام «مستعین» را مانند پرده‌ای در قفس توصیف می‌کند که هیچ اختیاری از خود ندارد.

رقابت امرای ترک برای به دست آوردن قدرت و ثروت بیشتر موجب شد تا سرزمین‌های اسلامی دچار بحران و آشوب شود. برخی از سرداران ترک، زمانی که قدرت بیش از حد می‌یافتند، به فکر جدایی از حکومت مرکزی و اعلام استقلال می‌افتادند، از جمله اینها، احمد بن طولون بود که از سوی خلیفه، حاکم مصر شد و سلسله طولونیان^۱ را بنیان نهاد.

۲ ظلم و فساد خلیفه و کارگزارانش

دولتمردان عباسی بیشتر زمان خود را به خوش‌گذرانی و هوس بازی سپری می‌کردند. در دارالخلافه، بزم‌های شبانه برپا می‌کردند و لباس‌های زربافت می‌پوشیدند. کاخ‌های زیبا بنا می‌کردند و بذل و بخشش‌های بسیار داشتند. در نتیجه از امور کشورداری غافل و نسبت به وضعیت مردم بی‌توجه بودند. والیان ناشایست را بر سرزمین‌های اسلامی مسلط کرده و امور مسلمانان را به آنان واگذار می‌کردند. والیان نسبت به مردم ظلم و ستم بسیار روا می‌داشتند و تمام تلاش خود را برای انباشت ثروت به کار می‌گرفتند. آنان با پرداخت رشوه مناصب حکومتی را از وزیران می‌خریدند.

اوج فساد و ظلم در زمان متوکل عباسی بود. سیاست وی، بر خشونت و بدرفتاری نسبت به علویان و شیعیان قرار داشت. وی به شدت آنان را در تنگنای اقتصادی قرار می‌داد و اگر کسی به علویان نیکی می‌کرد، مجازات می‌شد. وی در راستای ستیز با اهل بیت مبالغه زیادی را به شاعران می‌داد تا اشعار خود را در نکوهش اهل بیت بسرایند. متوکل مجازات سنگینی برای زائران امام حسین علیه السلام تعیین کرد و در اقدامی دیگر دستور داد قبر امام حسین علیه السلام در کربلا را ویران کنند، زمین آن را شخم زنند و بر آن آب بینندند. این واقعه در سال ۲۳۶ ق. رخ داد.

۱. دوره حکومت طولونیان بر مصر (۲۵۴-۲۹۲ ق.) بوده است. اوج قدرت سیاسی و شکوه تمدنی این دولت در دوران فرمانروایی احمد بن طولون، بنیانگذار آن و فرزندش بوده است.

عباسیان دیوانه‌وار، شیفته کاخ ساختن و تزیین آنها بودند و مبالغ هنگفتی صرف بنای کاخ و تزیینات آنها کردند تا آنجا که در هیچ یک از دوره‌های تاریخی چنین گرایشی به تزیین و تجمل از دیگر پادشاهان دیده نشده بود.

یکی از کاخ‌های متوکل برج نام داشت که آن را چنین توصیف می‌کنند: «برج از زیباترین بناهای متوکل بود و در آن تصویرهای بزرگی از طلا و نقره و برکه آبی که کف و کناره‌های آن از صفحه‌های زرین و سیمین پوشیده شده، قرار داشت. در کنار برکه درخت زربنی که در آن پرندگانی از طلا با تاج‌هایی جواهرنشان قرار داشتند ساخته شده بود و به آن نام طوبی - برای همانندی با درخت بهشت - داده بودند. این پرندگان به گونه‌ای طراحی شده بودند که با وزش نسیم آوازهایی از آنها برمی‌خاست. در سمت دیگر برکه، تختی بزرگ از طلا آراسته به دو شیر بزرگ طلایی و تصاویری از درندگان و عقاب و اوصاف دیگر که آن را به تخت سلیمان بن داود علیه السلام - آن چنان که نقل شد - مانند می‌کرد قرار داشت. دیوارهای قصر را نیز از داخل و خارج با مرمر کاشی کاری کرده بودند...» یکی دیگر از کاخ‌های متوکل «جعفری» نام داشت که متوکل بسیار هزینه کرد. در مراسم افتتاح آن، نوازندگان و دلقکان را فراخواند و دویست هزار درهم به آنان بخشید.^۱

۲ قیام‌ها و شورش‌ها

ضعف دستگاه خلافت، فساد خلیفه و کارگزارانش، ظلم و گسترش بی‌عدالتی و سیاست کینه جویانه خلفای عباسی نسبت به علویان؛ قلمرو خلافت اسلامی را صحنه درگیری‌ها و قیام‌ها نمود؛ به طوری که یکی از ویژگی‌های بارز در عصر امام هادی علیه السلام، گسترش قیام و جنبش‌های مخالف با حکومت است. این جنبش‌ها از حیث انگیزه دینی و غیردینی به دودسته تقسیم می‌شود: آشوب‌هایی که با اهداف قدرت‌طلبانه^۲ به وقوع پیوست و نهضت‌هایی که از سوی علویان^۳ و با انگیزه‌های عدالت‌خواهانه انجام می‌گرفت. نهضت‌های علوی اگرچه به پیروزی‌های نسبی دست یافتند، ولی به طور کلی ناکام مانده و شکست خوردند.

قیام‌های علویان

قیام‌کننده	زمان	شرح
محمد بن قاسم از نوادگان امام سجاد <small>علیه السلام</small>	۲۱۹	قیام محمد از طالقان آغاز شد. وی به دینداری و زهد شهرت داشت؛ به همین دلیل عده زیادی به او گرویدند. محمد بن قاسم در زمان متوکل در زندان به شهادت رسید.
یحیی بن عمر از نوادگان امام سجاد <small>علیه السلام</small>	متوکل	یحیی بن عمر نیز به پارسایی شهرت داشت. او قیام خود را در خراسان آغاز کرد. اما پس از مدتی دستگیر و زندانی شد. پس از آزاد شدن به بغداد رفت و با یاری مردم کوفه دوباره قیام کرد. سرانجام پس از مقاومت بسیار به شهادت رسید.
حسن بن زید از نوادگان امام مجتبی <small>علیه السلام</small>	۲۵۰	قیام حسن بن زید در ناحیه طبرستان رخ داد و حدود ۲۰ سال به طول انجامید. او توانست طبرستان را در اختیار بگیرد و سلسله علویان طبرستان را بنیان نهد.
حسین بن محمد از نوادگان امام سجاد <small>علیه السلام</small>	۲۵۱	قیام حسین بن محمد در زمان خلافت مستعین آغاز شد. در جنگ میان وی و سپاه خلیفه، حسین بن محمد شکست خورد. به علت حمایت مردم کوفه از وی، فرمانده سپاه عباسی دستور داد شهر به آتش کشیده شود.
اسماعیل بن یوسف از نوادگان امام مجتبی <small>علیه السلام</small>	خلافت معتز	قیام اسماعیل در مکه - زمان خلافت معتز - شروع شد. او حکمران مکه را از شهر بیرون و قدرت را به دست گرفت. لشکریان معتز پس از محاصره شهر به مدت طولانی، توانستند وارد شهر شوند.

۱. قرنی، باقر شریف، زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۱۹۷-۱۹۶.

۲. از جمله شورش‌ها می‌توان به شورش ناراضیان در بغداد - سال ۲۴۹ - حرکت بابک خرم دین سال ۲۲۰ - و حرکت مازیار - سال ۲۲۵ - اشاره کرد. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: دریایی، محمد رسول، امام هادی علیه السلام و نهضت علویان، ص ۲۰۹-۲۰۲.

۳. قرنی، باقر شریف، تحلیلی از زندگانی امام هادی علیه السلام، ص ۴۱۹.

➤ اوضاع فکری زمان امام هادی علیه السلام

رخداد مهم فکری زمان امام هادی علیه السلام حمایت حکومت از اصحاب حدیث^۱ بود. پیش از این واقف و معتصم سیاست مأمون را در حمایت از معتزله ادامه داده بودند. با به قدرت رسیدن متوکل، مثنی وی حمایت از اصحاب حدیث و مقابله با اعتزال و تشدید مبارزه با شیعیان و علویان قرار گرفت. متوکل در مرحله اول اعلام کرد باور به مخلوق بودن قرآن بدعت و باورمندان به آن مرتدند و سخت مجازات خواهند شد. این موضوع بهانه‌ای شد تا بسیاری از بزرگان معتزله سخت تحت تعقیب و آزار قرار گیرند. در مرحله دوم به اکرام و بزرگداشت محدثان اهل سنت پرداخت. عده‌ای را به سامرا دعوت و جوایزی برای آنان تعیین کرد.

تذکره توفیق

از ویژگی‌های سده سوم تدوین مجموعه‌های حدیثی توسط بزرگان اهل سنت بود که نزد علمای اهل سنت در مرحله بالایی از اعتبار قرار دارد و منبع آنان در شناخت احکام، وظایف دینی، عقاید و... به شمار می‌رود. این مجموعه‌ها شامل شش کتاب بود که بعدها به «صحاح سته» شهرت یافت:

- ۱ صحیح بخاری از محمد بن اسماعیل بخاری (۲۵۶-۱۹۳ ق.). وی در شهر بخارا متولد شد. پدرش از دانشمندان حدیث بود. بخاری شانزده سال وقت صرف جمع‌آوری احادیث نمود. اهل سنت این مجموعه را صحیح‌ترین کتاب بعد از قرآن می‌دانند. بخاری کتاب خود را به احمد حنبل هم عرضه کرد و مورد تأیید وی قرار گرفت.
- ۲ صحیح مسلم اثر مسلم بن حجاج نیشابوری است (۲۶۱-۲۰۶ ق.). بعد از بخاری معتبرترین کتاب حدیث از اهل سنت است. با اینکه نویسنده معاصر با امام هادی علیه السلام بوده است، اما حدیثی از حضرت نقل نکرده است.
- ۳ سنن ابن ماجه از محمد بن ماجه قزوینی (۲۷۳ ق.). نام اولیه کتاب «السنن» است که به سنن ابن ماجه شهرت یافت و شامل ۴۰۰۰ حدیث است.
- ۴ سنن ابن داود تألیف سلیمان بن اشعث سجستانی (۲۷۵-۲۰۲ ق.).
- ۵ سنن ترمذی از محمد بن عیسی ترمذی (۲۷۹-۲۰۹ ق.). ترمذی از شاگردان بخاری بوده است.
- ۶ سنن نسائی - اثر احمد بن شعیب نسائی نیشابوری (۳۰۳-۲۱۵ ق.). وی اهل نساء از شهرهای خراسان است. نسائی در نظر اهل سنت یکی از استوانه‌های دانش و از پیشوایان بزرگ علم حدیث به شمار می‌رود.

➤ فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام هادی علیه السلام

۱ تبیین معارف دین

امام هادی علیه السلام، در طول ۳۴ سال امامت خود با وجود سختگیری‌ها و مراقبت‌های دستگاه خلافت و ممانعت از ارتباط آزادانه با مردم تمام تلاش خود را برای ارشاد و رهبری جامعه مسلمانان به کار گرفت. از جمله مسائل جامعه اسلامی انتشار نظریات و آرای کلامی بود که تصورات نادرستی را ایجاد کرده بود. موضوعاتی همچون خلق قرآن، جبر یا تفویض^۲، امکان یا عدم امکان رؤیت خدا و تحریف قرآن. حضرت در مورد برخی از این موضوعات همچون خلق قرآن - که

۱. اصحاب حدیث؛ گروهی از عالمان سده‌های نخست اسلامی بودند که در روش‌های فقهی خود بر بایندی به ظاهر احادیث اعتنایی ویژه داشتند. احمد بن حنبل از جمله این عالمان است (بنگرید به: مدخل اصحاب حدیث، دائرة المعارف بزرگ اسلامی).
۲. تفویض به معنای واگذار کردن و تسلیم امری به دیگری است.

از زمان مأمون در جامعه مطرح شده بود - مصلحت را در سکوت دید و شیعیان را نیز از ورود به این بحث و جدال‌های بی حاصل منع نمود. اما در مقابل، به سؤال‌ها و ابهامات اساسی آنها به تفصیل پاسخ می‌داد؛ به عنوان مثال مردم اهواز، نامه‌ای به امام نوشتند و در مورد موضوع جبر و تفویض سؤال کردند. حضرت در پاسخ نامه‌ای مفصل برای آنها نوشت و ضمن یادآوری جایگاه قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، نظر امامیه^۱ را به تفصیل بیان فرمود.^۲

یکی دیگر از فعالیت‌های امام هادی علیه‌السلام دفاع از اصالت قرآن در مقابل کسانی بود که می‌گفتند قرآن تحریف شده است. این ادعا از طرف غالیان مطرح شد و بهانه‌ای شد تا مخالفان، شیعه را متهم کنند. امام هادی علیه‌السلام ضمن رساله مفصلی بر اصالت قرآن تأکید کرده^۳ آن را معیاری برای سنجش روایات صحیح از نادرست اعلام نمود.

۲ میراث حدیثی امام هادی علیه‌السلام

نشر حدیث در زمان امام هادی علیه‌السلام، همانند امام جواد علیه‌السلام است. در مُسند امام هادی علیه‌السلام حدود چهارصد روایت از امام علیه‌السلام نقل شده است. فزونی روایات امام هادی علیه‌السلام بیشتر به جهت مدت طولانی امامت ایشان و وجود برخی دوران آسایش در طول این مدت بوده است.^۴

۳ امام هادی علیه‌السلام و فرهنگ دعا و زیارت

یکی از ویژگی‌های شیعه، برخورداری از فرهنگ دعا و زیارت است، به گونه‌ای که هیچ‌یک از فِرَق اسلامی، از این مقدار ذخایر معرفتی بهره‌مند نیست. دعا و نیایش جایگاه ویژه‌ای نزد امامان علیهم‌السلام داشت، که در قالب آن بسیاری از معارف دینی و حتی مسائل سیاسی - اجتماعی را مطرح می‌کردند. دعا و زیارت در سیره امام هادی علیه‌السلام هم مورد توجه بوده است. یکی از آثار ارزشمند حضرت، زیارت جامعه کبیره است که یک دوره امام‌شناسی می‌باشد. طرح این زیارت، در دوره‌ای که تبلیغات غالیان تصویر نادرستی از امامان ارائه می‌داد، ضروری به نظر می‌رسد. این زیارت از نظر سند صحیح‌ترین و از جهت محتوا یکی از زیارت‌های جامع و کامل است که از فصاحت و بلاغت بالایی برخوردار است.

علت صدور این زیارت درخواست یکی از شیعیان است. وی از امام تقاضا می‌کند زیارتی به او بیاموزد که از جهت بلاغت کامل باشد و عبارات و مضامین آن برای زیارت همه معصومان علیهم‌السلام قابلیت داشته باشد. امام هادی علیه‌السلام زیارت جامعه را به او می‌آموزد. امام در این زیارت با تفکیک جایگاه توحید، نبوت و امامت را چنان که شایسته است تبیین می‌کند.

یکی دیگر از زیارت‌ها به‌جامانده از امام هادی علیه‌السلام، زیارت غدیر است که حضرت در زیارت جدش - امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام - می‌خواند. موضوع زیارت غدیر، فضایل امام علی علیه‌السلام در قرآن است. آیه ولایت، آیه ابلاغ و سایر آیاتی که در شأن امام علی علیه‌السلام نازل گردیده از جمله موضوعاتی است که در این زیارت به آن اشاره شده است.^۵

۴ روشنگری امام هادی علیه‌السلام در برابر فعالیت غلات

غلو یکی از موضوعات مشکل‌آفرین در طول تاریخ تشیع بوده است. غالیان علاوه بر انحراف فکری خود، چهره ناپسندی از مکتب تشیع را نشان می‌دادند و راه را برای دشمنان جهت ستیز با شیعه هموار می‌ساختند. امام هادی علیه‌السلام نیز همچون پدران بزرگوار خود، مبارزه

۱. امامیه همان شیعه دوازده امامی می‌باشد.

۲. لاجبر و لاتفویض بل امر بین الامرین. این موضوع از عقاید خاص شیعه است. و اشاره دارد که در کارهای اختیاری انسان هم، اراده خدا و انسان دخالت دارد.

۳. ابن شعبه خزّانی، این رساله را به تفصیل ذکر کرده است. ابن شعبه خزّانی، تحف العقول، ص ۴۷۰ - ۴۵۸.

۴. طباطبایی، سید محمد کاظم، تاریخ حدیث، ص ۸۹.

۵. پاک‌نیا، عبدالکریم، نگاهی به شیوه‌های رهبری امام هادی علیه‌السلام، ص ۲۱ - ۳۳.

با این فرقه را بی گرفت و باروشنگری و بیان مواضع خود، غالیان را بدعت‌گذارانی خارج از حوزه دین معرفی کرد، به‌عنوان مثال، یکی از یاران امام، نامه‌ای به حضرت نوشت و عقاید فردی به نام علی بن حَسَکَه را شرح داد. خلاصه نامه چنین است: «علی بن حَسَکَه معتقد است تو ولی او و همان خدای قدیم هستی و خود را پیامبری می‌داند که از جانب شما مأمور هدایت مردم شده است.» امام علیه السلام در پاسخ به نامه، علی بن حَسَکَه را فردی دروغ‌گو معرفی کرد که باید از او به خدا پناه برد. در ادامه، امام از شیعیان خواست که از این افراد دوری نمایند.^۱

۵ پرورش شاگردان

امام هادی علیه السلام در ایام سکونت در مدینه و سامرا به‌رغم محدودیت‌های بسیار موفق شد شاگردان برجسته‌ای را پرورش داده و به‌وسیله آنان معارف اهل بیت علیهم السلام را انتشار دهد. عبدالعظیم بن عبدالله حسنی از شاگردان امام هادی علیه السلام بود. وی در زمان معتز به جهت اذیت و آزار وی به شهر ری رفت و در همان جا اقامت گزید و به ترویج تشیع در آن مناطق پرداخت. در این دوران قم، یکی از مراکز مهم تجمع شیعیان بود که روابط محکمی با امام هادی علیه السلام داشتند. در میان شیعیان قم، گرایش‌های انحرافی و غلوآمیز حاکم نبود و آنان به سختگیری نسبت به غالیان شهرت داشتند.

در میان شیعیان حضرت، اندیشمندانی بودند که کتاب‌هایی در حوزه علم و حدیث و مسائل کلامی تألیف کردند. از جمله می‌توان به احمد بن محمد بن عبدالله از اشعریان^۲ قم اشاره کرد که کتابی به نام «النوادر» داشته است.^۳ احمد بن اسحاق اشعری قمی نیز پرسش‌ها و پاسخ‌های امام هادی علیه السلام را در کتابی با عنوان «مسائل الرجال لابی الحسن الثالث علیه السلام»^۴ جمع‌آوری کرد. عبدالله بن جعفر حمیری قمی نیز از علمای برجسته قم است که کتاب «قرب الإسناد» از وی به جا مانده است.



کتاب قُرب الإسناد

پرسش‌های نمونه

- ۱ متوکل عباسی به چه بهانه‌ای امام را به سامرا فراخواند؟
- ۲ اوضاع سیاسی دوران امام هادی علیه السلام را توضیح دهید.
- ۳ برخورد متوکل عباسی با معتزله چگونه بود؟
- ۴ موضع امام هادی علیه السلام در مورد موضوع خلق قرآن چگونه بود؟
- ۵ فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام هادی علیه السلام را نام ببرید.

۱. قاسم یقینبی و احمد بن محمد بسیاری از غالیان این دوره هستند. روایات زیادی در مورد تحریف قرآن توسط این شخص - احمد بن محمد بسیاری - نقل شده است. (بنگرید به: شیخ طوسی، محمد بن حسن، رجال کثی، ص ۴۳۵).

۲. اشعریان عنوان طایفه‌ای از عرب، شماری از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و گروهی از عالمان و محدثان شیعی در سده‌های ۲ و ۳ ق. اشعریان پیش از اسلام از قبایل نامدار و بانفوذ یمن بودند. پس از اسلام گروهی از آنها نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمده و مسلمان شدند. پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله عده‌ای از اشعریان در عراق و شهر کوفه اقامت گزیدند. سخت‌گیری و ستم فراوان حجاج بن یوسف موجب مهاجرت اعضای خاندان اشعری به سایر مناطق از جمله قم شد. ورود اشعریان به قم باعث نفوذ و گسترش اسلام و عقاید شیعی در این مناطق گردید. (بنگرید به: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل اشعریان).

۳. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۷۹.

۴. همان، ص ۹۱.



امام حسن عسکری علیه السلام

پیشوای یازدهم در سنین کودکی به همراه پدر به شهر سامرا رفت. دوران امامت ایشان کوتاه و اطلاعات تاریخی از زندگی حضرت اندک است. وی در تمام این مدت یا در زندان به سر می‌برد و یا به شدت تحت مراقبت بود. از این رو فعالیت‌های امام عسکری در پوشش کامل تقیه انجام می‌شد تا بهانه‌ای به دست مخالفان داده نشود. برخی از فعالیت‌های امام به آماده‌سازی شیعیان جهت پذیرش امامت فرزندش - امام مهدی علیه السلام - مربوط می‌شد.

درس پیش رو به این سؤالات پاسخ می‌دهد:

۱. موقعیت امام عسکری علیه السلام در سامرا چگونه بود؟

۲. علت محدودیت‌های اعمال شده از سوی دستگاه خلافت چه بود؟

۳. امام چگونه با شیعیان ارتباط برقرار می‌کردند؟

▶ آغاز امامت امام حسن عسکری علیه السلام

شرایط دشوار زندگانی امام هادی علیه السلام، مانع از معرفی صریح جانشینی فرزندش - امام حسن عسکری علیه السلام - شد. امام هادی علیه السلام تنها در ماه‌های آخر عمر خود، جانشین خود را به اصحاب نزدیکش معرفی کرد. پس از شهادت امام هادی علیه السلام، بیشتر اصحاب ایشان، امامت فرزند بزرگش، - حسن - را پذیرفتند. تنها برخی از شیعیان به امامت پسر دیگر امام هادی علیه السلام به نام محمد، که در زمان پدر، بدرود حیات گفته بود، معتقد شدند و او را مهدی موعود دانستند.^۱

رخداد دیگری که پس از شهادت امام هادی علیه السلام رخ داد، ادعای امامت جعفر، برادر دیگر امام حسن عسکری بود که به جعفر کذاب شهرت یافت. جعفر با طرح ادعای امامت، تنش‌هایی را میان شیعیان ایجاد کرد و آنها را به دور خود جمع کرد. البته امام حسن عسکری علیه السلام فرصت هیچ‌گونه خودنمایی به او نداد.

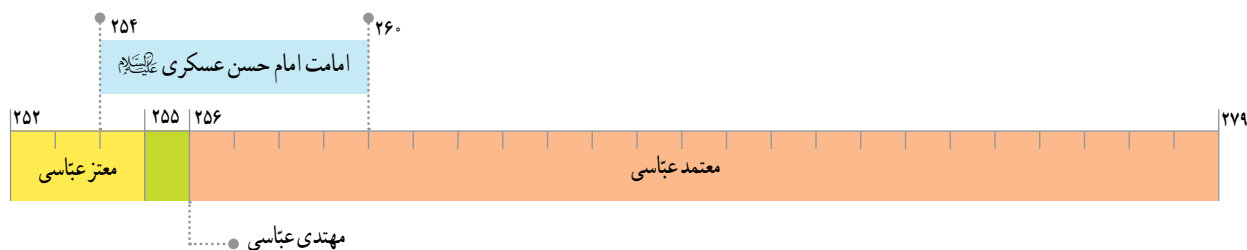
▶ موقعیت اجتماعی امام حسن عسکری علیه السلام

امام حسن عسکری علیه السلام در حالی به امامت رسید که بسیار جوان بود. ویژگی‌های علمی، اخلاقی و حسن رفتار ایشان خیلی زود مورد توجه مردم و حتی مخالفانش قرار گرفت. روایت‌های زیادی در منابع معتبر نقل شده است که از موقعیت و نفوذ امام حکایت دارد. مسیرهای منتهی به دارالخلافت در روزهایی که امام باید به آنجا می‌رفت؛ مملو از جمعیتی می‌شد که برای دیدار ایشان آمده بودند. هنگامی که امام وارد مسیر می‌شد، هیاهوی مردم خاموش می‌گردید. زمانی که امام زندانی شد، زندانبانان سخت‌گیری همچون صالح بن وُصیف برای کنترل و نظارت امام تعیین شدند.

۱. نوبختی، حسن بن موسی، فُرق الشیعه، ص ۸۳.

دیدن مکارم اخلاقی و عبادت‌های خالصانه ایشان در زندان، نگهبانان را از رفتار خود پشیمان می‌کرد. یک‌بار برخی از بزرگان عباسی از صالح خواستند بر امام سخت بگیرد، صالح در پاسخ گفت: «دو تن را که از بدترین مردم می‌دانستم، بر او مأمور کردم ولی آنان چنان تحت تأثیر قرار گرفتند که در عبادت به حد والایی رسیدند»^۱.

خلفای هم‌عصر امام حسن عسکری علیه‌السلام



یک توفیح

موقعیت سیاسی امام حسن عسکری علیه‌السلام

در منابع تاریخی روایتی طولانی از احمد بن عبیدالله بن خاقان، از دشمنان سرسخت شیعیان در مورد اکرام و تعظیم پدرش که وزیر معتمد عباسی بود، نسبت به امام عسکری علیه‌السلام، نقل شده است که بیانگر موقعیت ممتاز حضرت است، به ویژه از این حیث که وی هر ملاقات‌کننده‌ای را تحت تأثیر جذبه خود قرار می‌داد. این روایت را یکی از علمای معروف شیعه به نام سعد بن عبدالله اشعری نقل می‌کند. او می‌گوید، سال‌ها پس از رحلت امام عسکری علیه‌السلام، در مجلس احمد بن عبیدالله بن خاقان نشسته بودیم که سخن از طالبیان ساکن سامرا و مذهب و موقعیت آنان نزد سلطان به میان آمد. احمد گفت: من کسی از علویان را چون حسن بن علی عسکری علیه‌السلام در سامرا ندیده و نشنیده بودم که این چنین به وقار و عفاف، زیرکی و بزرگ‌منشی در میان اهل بیت خود شناخته شده و نزد مسلمان و بنی‌هاشم محترم باشد، چنان‌که او را بر افراد مسن، حتی امیران و وزیران برتری می‌دادند. روزی من بالای سر پدرم ایستاده بودم. آن روز پدرم برای دیدار با مردم نشسته بود که گفته شد، ابن الرضا^۲ در بیرون در ایستاده است، پدرم با صدای بلند خواست به امام اجازه ورود دهند. وقتی پدرم او را دید چند قدم به سوی او رفته و کاری را که ندیده بودم با کسی حتی امرا و والیان انجام دهد، برای او انجام داد. دست به گردنش انداخته و صورت و پیشانی او را بوسید، آنگاه او را در جای خود نشاند و بسیار تکریم کرد. پس از آنکه من از پدرم علت این همه تجلیل را سؤال کردم، پدرم در پاسخ گفت: ابن الرضا امام رافضیان است. اگر روزی خلافت از دست بنی‌عباس بیرون رود، جز وی کسی شایستگی تصدی این مقام را ندارد. او به خاطر فضل، صیانت نفس، زهد، عبادت و اخلاق نیکو، سزاوار مقام خلافت است.

۱. شیخ مفید، نعمان محمد بن محمد، الارشاد، ص ۳۳۴.

۲. «ابن الرضا» لقبی است که برای امام جواد علیه‌السلام، امام هادی علیه‌السلام و امام حسن عسکری علیه‌السلام به کار گرفته می‌شد.

➤ اوضاع سیاسی و اجتماعی دوران امام حسن عسکری علیه السلام

شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر زمان امام حسن عسکری علیه السلام مشترکات زیادی با دوره امامت پدرش - امام هادی علیه السلام - داشت. چیرگی امیران ترک بر امور حکومتی، روزه‌روزی بیشتر می‌شد، آنان خلیفه عباسی - معتز - را از سلطنت خلع کردند و پس از آزار و شکنجه‌های فراوان، او را در سردابی انداختند تا خلیفه مخلوع زنده به گور شود. ناکارآمدی عباسیان در امور حکومت‌داری و لذت‌طلبی‌های آنان موجب رواج فساد گسترده میان کارگزاران حکومتی شده بود. بی‌توجهی به امور مردم، گسترش بی‌عدالتی و ناامنی، نارضایتی و خشم مردم را برانگیخت و زمینه‌ساز قیام‌های مختلفی در گوشه و کنار سرزمین‌های اسلامی شد از جمله این قیام‌ها جنبش یعقوب بن لیث صفاری بود که از سیستان آغاز شد و به سایر مناطق هم سرایت کرد. یعقوب از اطاعت خلیفه سرباز زد و به قصد تسخیر بغداد به عراق لشکرکشی کرد اما شکست خورد. در بصره مردی به نام علی بن محمد، مشهور به صاحب‌الزنج،^۱ تعداد زیادی از غلامان و بردگان را که از شرایط دشوار اجتماعی به ستوه آمده بودند با خود همراه ساخت. قیام او بسیار گسترده شد و در چند جنگ بر سپاهیان عباسی پیروز شد. او حدود ۱۴ سال در بصره و نواحی اطراف آن حکومت کرد.^۲

سیاست عباسیان نسبت به علویان و دوستان اهل بیت علیهم السلام نیز بسیار خشونت‌آمیز بود؛ به‌عنوان مثال، موسی بن یحیی که مردی ستمکار و پلید بود، به ولایت قم گماشته شد تا اهالی آنجا را که دوستی خالصانه نسبت به ائمه علیهم السلام داشتند، در تنگنا قرار دهد. مردم وضعیت خود را به امام حسن عسکری علیه السلام نوشته و از آن حضرت درخواست دعا نمودند. امام علیه السلام در پاسخ دعایی طولانی برای آنها مرقوم کرد تا در نماز خود بخوانند.

➤ نحوه مواجهه خلفای عباسی با امام حسن عسکری علیه السلام

خلفای عباسی هم‌عصر با امام حسن عسکری علیه السلام، سیاست اجداد خود را نسبت به ایشان ادامه دادند و حضرت را ناگزیر ساختند در شهر سامرا بماند. بدین ترتیب، آمدوشدهای امام با یارانش به دقت تحت مراقبت قرار می‌گرفت و ارتباطات عادی و روزمره حضرت با مردم و دوستانش به راحتی امکان‌پذیر نبود.

عباسیان از وجود تشکیلات منظم و منسجم و کالت که از مدت‌ها قبل ایجاد شده بود، تا حدودی اطلاع داشتند و این موضوع، بر نگرانی و وحشت آنان می‌افزود. به همین دلیل از امام خواسته بودند پیوسته حضور خود را در سامرا، به آگاهی حکومت برساند از این‌رو امام هر دوشنبه و پنج‌شنبه در دارالخلافة حاضر می‌شد.^۳

خلیفه عباسی به این مقدار نیز اکتفا نکرد، بلکه بارها حضرت را زندانی کرد. در زندان نیز، جاسوسانی گمارده شدند تا سخنان امام را گزارش دهند.

بررسی منابع شیعه نشان می‌دهد، فشارها و محدودیت‌های وارد شده بر امام حسن عسکری علیه السلام به دو دلیل، نسبت به امامان گذشته بیشتر بود. آن دو دلیل عبارت‌اند از:

۱. اقتدار شیعیان

در زمان امام حسن عسکری علیه السلام، جمعیت شیعیان به‌طور چشمگیری افزایش یافته بود. آنان در سرزمین‌های پهناور اسلامی می‌زیستند. علت این پراکندگی، سیاست‌های سختگیرانه خلفای اموی و عباسی، نسبت به پیروان اهل بیت و علویان بود که موجب شد آنها به مناطق

۱. زنج کلمه زنگ است. صاحب‌الزنج به جهت رهبری زنگیان - غلامان سپاهی که برده بودند - به این نام خوانده می‌شدند.

۲. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۷.

۳. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۲۹.

امن دور از دسترس حکومت مهاجرت نمایند. از جمله مناطقی که شیعیان فراوانی را در خود جای داده بود و با امام نیز ارتباط داشتند، شرق ایران از جمله خراسان بود. گرایش‌های شیعی از گذشته در خراسان وجود داشت، به عنوان مثال در زمان امام صادق علیه السلام جمعی از اهالی خراسان به دیدار امام صادق علیه السلام رفته بودند. حضور امام رضا علیه السلام در شهر نیشابور نقطه عطفی در گرایش مردم به تشیع محسوب می‌شد. از شخصیت‌های برجسته شیعی می‌توان به فضل بن شاذان نیشابوری اشاره کرد. وی شاگرد امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام بوده است. سبزوار از شهرهای بزرگ بی‌هق تحت تأثیر مهاجرت علویان به گرایش‌های شیعی روی آورد. سابقه تشیع در قم به زمان ورود گروهی از اهالی کوفه به این شهر می‌رسد. آنها پس از سکونت در قم به نشر روایات اهل بیت علیهم السلام همت گماشتند. منابع به تمایلات شیعی در شهر ری هم اشاره کرده‌اند. در بین اصحاب امام رضا علیه السلام و امام هادی علیه السلام افرادی با لقب رازی وجود دارد که از این شهر برخاستند.^۱

پراکندگی پیروان اهل بیت، به لحاظ جغرافیایی، تنها از راه یک شبکه ارتباطی منسجم، می‌توانست پیوند شیعیان با حوزه امامت از یک سو و ارتباط آنان با همدیگر را از سوی دیگر برقرار سازد. از این رو امام حسن عسکری علیه السلام نظام و کلا را تقویت کرد و افرادی را که به لحاظ علمی و معنوی سابقه درخشانی داشتند به عنوان وکیل خود انتخاب نمود و تشکیلات شبکه و کالت را منسجم تر و منظم تر ساخت و افراد فاقد صلاحیت را کنار نهاد.

۲ ولادت امام زمان علیه السلام

عامل مهم دیگری که حساسیت و مراقبت دقیق دستگاه خلافت حاکم عباسی را نسبت به امام عسکری علیه السلام موجب شد، موضوع تولد حضرت امام زمان علیه السلام به عنوان آخرین حجت خدا بود. مسئله مهدویت از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله در میان مسلمانان به طور جدی مطرح بود و احادیث فراوانی در این باره وجود داشت. توجه به این زمینه‌ها بود که فرقه‌های گوناگون پیش از این، خود را مهدی معرفی کرده و افرادی را به دور خود جمع می‌کردند. بنی عباس و پیروان آنان هم اخبار تولد فرزندی از پیشوای یازدهم را می‌دانستند، کسی که نابودگر حکومت‌های خودکامه است، از این رو آنها به گمان خود می‌خواستند با کشتن حضرت، نسلش را نابود کرده و مانع ظهور امام زمان علیه السلام گردند.

تدابیر امام حسن عسکری علیه السلام برای ارتباط با شیعیان

حضور امام حسن عسکری علیه السلام در منطقه نظامی در حالی که به شدت تحت نظر قرار داشت، دسترسی شیعیان به ایشان را دشوار کرده بود. یکی از شیعیان به نام حلبی چنین نقل می‌کند: در یکی از روزها که قرار بود امام عسکری علیه السلام به دارالخلافت برود، ما در عسکر (محل سکونت امام) به انتظار دیدارش جمع شدیم، در این حال، از سوی آن حضرت نامه‌ای به این مضمون رسید که «کسی بر من سلام ندهد و به سویم اشاره نیز نکند؛ زیرا که در امان نیستید». این روایت به خوبی گویای آن است که امام و شیعیانش تا چه حد از سوی دستگاه خلافت تحت نظر بودند.

در چنین اوضاعی حضرت با برنامه‌ریزی دقیق و سنجیده، ارتباط خود را با اصحاب خاص خود، حفظ کرد زیرا تنها اندکی از آنها می‌توانستند به خدمت حضرت برسند و رهنمودهای لازم را دریافت نمایند.

۱. برای مطالعه بیشتر بنگرید به؛ جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی.

عثمان بن سعید عمری، از یاران نزدیک امام به‌عنوان فروشنده روغن، فعالیت می‌کرد. وی تحت این پوشش، اموال و نامه‌های ارسال‌شده از طرف اصحاب را در ظرف‌های روغن جای می‌داد و به امام می‌رساند. بدین ترتیب حضرت ضمن تقیّه شدید، از انجام هرگونه فعلیتی که بهانه به دست مخالفان دهد، اجتناب می‌ورزید.

و انتقال آموزه‌های شیعی به تمام مناطق دور و نزدیک شیعه‌نشین می‌شده است.

ابن بابویه قمی از بزرگان فقه و حدیث شیعه یکی از کسانی بود که امام به ایشان نامه می‌نویسد و ضمن ستایش از این فقیه، مطالبی را به‌عنوان توصیه و اندرز به او می‌فرماید.

نامه‌ای نیز از طرف امام به اهالی قم و آبه^۱ نگاشته شد. برخی از نامه‌های امام برای معرفی وکیل و حدود و وظایف آنها بوده است، مانند نامه‌ای که حضرت برای معرفی ابراهیم بن عبده به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری نگاشته است.

افزون بر شبکه ارتباطی وکلا، امام بیک‌ها و نمایندگانی داشت که به‌وسیله آنها، با پیروان خود ارتباط برقرار می‌ساخت، یکی از این افراد، ابوالادیان نام داشت. او نامه‌ها و پیام‌های امام را به یاران ایشان می‌رساند و سؤالات ارسالی شیعیان را به نزد امام می‌برد. نگارش نامه و مکاتبه با شیعیان هم یکی از راه‌های ارتباطی بود که به‌طور گسترده، از طرف امام علیه‌السلام مورد استفاده قرار می‌گرفت. اگرچه بیشتر این نامه‌ها از میان رفته است، اما مقداری که باقی مانده، نشان می‌دهد که نامه‌های زیادی میان حضرت و شیعیان، تبادل شده است. استفاده از چنین سیستم ارتباطی دقیق، موجب گسترش

متن نامه‌ای از امام عسکری علیه‌السلام به گروهی از شیعیان در پرهیز دادن از اختلافات، تفرقه و انحراف از دین: «به نام خداوند بخشنده مهربان، خداوند زهد در دنیا و توفیق اعمال پسندیده حق عطا کند و توانی بدهد تا او را اطاعت کنید و از گمراهی و انحراف بازدارد...»

اما بعد، از اختلافات، دوگانگی، پراکندگی و چیرگی شیطان بر دل‌هایتان که موجب تفرقه، الحاد در دین و تلاش در جهت نابود کردن آنچه پدران نیک‌رفتار شما برای استواری دین خدا و اثبات حق اولیایش انجام دادند، باخبر گشتم. ابلیس شما را از حق بازداشت و رهسپار وادی گمراهی کرد، تا آنجا که بیشتر شما عقب‌گرد کردید، گویی نه کلام خدا را خوانده‌اید و نه از امر و نهی الهی باخبرید. به جانم سوگند اگر همچنان نابخردان شما بر افسانه‌های خودباخته تکیه کنند و سخنان باطل خود را رایج سازند، عذاب الهی بر آنان فرود خواهد آمد و اگر شما آنان را با دل و زبان و دست و نیت، بازندارید، در گناهان آنان شریک خواهید بود. این نامه حجتی است بر شما - حاضر و غایبان - جز آنکه بخواند و امانت را ادا نماید. از خداوند می‌خواهم تا دل‌هایتان را بر راه هدایت گردآورد و با تقوا شما را از گناهان دور دارد.»^۲

۱. آبه یا آوه، شهری بود در حد فاصل قم و ساوه که امروزه نیز به صورت روستایی باقی مانده است؛ بنگرید به: یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۰.

۲. ابن شعبه حرانی، نُحْف العُقُول، ص ۴۸۷.

۱ فعالیت‌های علمی و فرهنگی

امام حسن عسکری علیه السلام در طول دوران زندگی خود روایات زیادی را در موضوعات مختلف فقهی، تفسیری، اعتقادی و کلامی بیان فرمود که در منابع حدیثی شیعه موجود است. عصر امام به جهت تدوین و نگارش آثار علمی و مذهبی شیعه نیز اهمیت داشت، زیرا دوره حدود دویست و شصت ساله‌ای که ائمه اطهار خود مسئولیت انتقال تعلیم دینی به مردم را برعهده داشتند، رو به پایان بود. از یک طرف لازم بود این معارف و مطالب به نسل‌های بعد انتقال یابد، همچنین عالمانی باید تربیت شوند تا بتوانند پس از رحلت حضرت، از عهده این مسئولیت برآیند. در مورد اول، شاگردان امام نگاهشده‌های ارزشمندی را تألیف نمودند، این کتاب‌ها، پایه‌های اصلی جوامع حدیثی همچون کافی، من لایحضره الفقیه و دیگر آثار حدیثی شیخ صدوق و شیخ طوسی گردید. احمد بن محمد بن خالد برقی، شاگرد امام هادی و امام عسکری علیه السلام، کتاب «المحاسن» را نگاشت که دایرةالمعارفی است مشتمل بر احادیث امامان در تمامی زمینه‌های مختلف دینی. برخی از اصحاب کتاب خود را به امام عرضه می‌کردند و نظر حضرت را جویا می‌شدند. کتاب یوم و لیلہ از جمله این تألیفات بود. از شاگردان امام می‌توان به عثمان بن سعید، هارون بن مسلم و بسیاری از بزرگان دیگر که در کتاب‌های رجال نام آنها ضبط شده است؛ اشاره نمود. این بزرگان ضمن حفظ میراث اهل بیت علیهم السلام در دوران غیبت، آن را به دست عالمان پس از خود رساندند.

۲ حمایت‌های مالی از شیعیان

سیاست خلفا ایجاد شرایط دشوار اقتصادی و معیشتی برای شیعیان بود. آنها علویان و دوستداران خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را در تنگناهای اقتصادی کشنده قرار می‌دادند. مردم نیز از بیم مجازات، جرأت کمک‌رسانی به آنان را نداشتند. از این رو یکی از برنامه‌های امام، کمک مالی به شیعیان و برطرف کردن نیازهای اقتصادی آنان بود.

۳ آماده‌سازی شیعیان برای مسئله غیبت

امام حسن عسکری علیه السلام علاوه بر امور مهم و مسئولیت‌های عمومی امامت، نقش مشخص و دشواری برعهده داشت و آن آماده‌سازی عملی مردم برای پذیرش رویداد تازه‌ای به نام غیبت بود. برخی از اقدامات امام به شرح ذیل است:

الف) پنهان کردن ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف: امام عسکری علیه السلام از بیم دشمنان ولادت فرزندش را مخفی کرد. به طوری که دوران بارداری مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای کسی آشکار نبود و دختر امام جواد علیه السلام - حکیمه - تنها هنگام فرا رسیدن زمان ولادت حضرت حجت از این موضوع اطلاع یافت.

ب) مزده ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به اصحاب خاص: امام حسن عسکری علیه السلام در ضمن نامه‌ای به برخی از یاران نزدیک خود ولادت حضرت حجت را به آنان بشارت داد. از جمله نامه‌ای که حضرت به احمد بن اسحاق نوشت و در آن به تولد فرزند خود اشاره کرد و در ضمن به او فرمان می‌دهد که این مطلب را پوشیده نگاه دارد.

ج) معرفی حضرت حجت به شیعیان نزدیک: امام حسن عسکری علیه السلام در روزهای ابتدای ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ایشان را به اصحاب نزدیک خود از جمله حسین بن ایوب بن نوح نشان داد و از آنان پیمان گرفت راز این فرزند را پنهان دارد.

د) دیدار تعدادی از یاران امام با فرزندش: به نوشته شیخ طوسی: «گروهی از شیعیان نزد امام عسکری علیه السلام رفتند تا از او در

مورد جانشین پس از خود سؤال کنند. آنها در حالی که نشسته بودند کودکی را دیدند که شبیه‌ترین افراد به امام عسکری علیه السلام بود. حضرت در آنجا فرمود پس از من او پیشوا و جانشین من بر شما است. بدانید از امروز او را نخواهید دید تا روزگاری بگذرد».

امام حسن عسکری علیه السلام شیعیان را با روش‌های گوناگون برای دوران غیبت آماده می‌کردند؛ به طور مثال، در کتاب کمال‌الدین شیخ صدوق، چند گزارش وجود دارد که طبق آنها امام عسکری علیه السلام به یاران نزدیکشان، غیبت امام دوازدهم را یادآور می‌شوند. خلاصه‌ای از جریان آن گزارش‌ها عبارت است از:

احمد بن اسحاق اشعری نقل می‌کند: بر حضرت عسکری علیه السلام وارد شدم و می‌خواستم درباره جانشین او (پس از ایشان) پرسش کنم. امام پیش از آنکه شروع به سخن نمایم، فرمود: ای احمد، خداوند تبارک و تعالی از زمان خلق آدم علیه السلام زمین را از حجت الهی خالی نگذاشته و تا قیامت هم خالی نخواهد گذاشت. به واسطه اوست که بلا یا از اهل زمین دفع شده و به خاطر اوست که باران می‌بارد و برکات زمین ظاهر می‌شود (کنایه از وساطت فیض).

به ایشان عرض کردم ای فرزند رسول خدا، امام بعد از شما و جانشینتان کیست؟ امام حسن عسکری علیه السلام فرزند خود را به آنان نشان دادند و ایشان را به عنوان قائم معرفی کردند. سپس غیبت ایشان را با خضر و ذی‌القرنین مقایسه نمودند.

احمد بن اسحاق روز بعد شادمان از معرفی امام عصر عجل الله تعالی فرجه و شناخت ایشان مجدداً به نزد امام عسکری علیه السلام رفت و پرسید: «سنتی که برای خضر و ذی‌القرنین نیز جاری شد چه بود؟ آن حضرت پاسخ داد: «طول غیبت».

در ادامه نیز احمد که گویا از این پاسخ امام تعجب کرده بود، می‌پرسد: آیا غیبت ایشان به طول می‌انجامد؟ امام فرمود: بله، به خدا سوگند اینچنین است (غیبت چنان طولانی می‌شود) که اکثر قائلین به امامت نیز از نظر خود بازگشته و جز افرادی که در ایمان و ولایت ما در دل‌هایشان رسوخ کرده بر عقیده خود باقی نخواهند ماند.^۱

امام حسن عسکری علیه السلام در اواخر عمر مبارکشان و در راستای آماده‌سازی شیعیان برای عصر غیبت، در روش پدران گرامی‌شان برای پاسخ‌گویی به سؤالات فقهی نیز تغییراتی را ایجاد فرمودند. این تغییر کاملاً در مسیر خودکفا کردن جامعه شیعه در آینده نزدیک و آشناساختن آنها با روش استدلال و اجتهاد بود. در نمونه‌های اندکی که از جواب‌های ایشان به سؤالات فقها برجای مانده، دیده می‌شود که ایشان از پاسخ دقیق نسبت به مورد، خودداری کرده‌اند و به بیان کبرای کلی حکم فقها پرداخته‌اند یا ارجاع به مفهوم می‌داده‌اند که حدود آن روشن نیست یا آنکه نیمی از سؤال را پاسخ داده و نیم دیگر را بی‌پاسخ رها کرده‌اند. به لحاظ شکلی نیز پاسخ‌های ایشان در موارد زیادی به «ان شاء الله» ختم می‌شد که بیشتر به آن جواب‌ها صورت فتوا می‌داد. به این نمونه‌ها دقت کنید:

۱ سهل بن زیاد آدمی به ابی محمد (امام حسن عسکری علیه السلام) نوشت: «مردی فرزندان مذکر و مؤثی دارد و (در وصیت) می‌گوید که فلان مال برای فرزندانم است، اما سهم آنها را آن‌گونه که خدا تعیین کرده است، مشخص نمی‌کند (به‌طور کلی می‌گوید برای فرزندانم است) و میان مذکر و مؤنث تفاوتی قائل نمی‌شود (تکلیف چیست؟)». امام در جواب فرمود: «می‌بایست وصیت پدرشان را اجرا نمایند. اگر چیزی (از سهم آنها) ذکر نکرده باشد حکم آن را به کتاب الله بازگردانید. ان شاء الله».^۲

۱. شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۴۱۵.

۲. شیخ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۰۹.

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید امام علیه‌السلام پاسخ را به صورت کلی فرموده (باید به وصیت پدر عمل کنند) و تفصیل را به قرآن کریم و استنباط از آیات آن واگذار کرده است.

۲ محمد بن حسن صفار به امام عسکری علیه‌السلام نامه‌ای نوشت و در مورد فردی سؤال کرد که مرده و نوهٔ دختری و برادرش زنده هستند. در این صورت، میراث از آن چه کسی خواهد بود؟ امام علیه‌السلام در پاسخ نوشتند: «میراث از آن «اقرَب» خواهد بود. ان شاء الله»^۱

در این مورد هم امام علیه‌السلام از پاسخ مشخص خودداری کرده و تنها کبرای کلی را بیان فرمودند تا از این رهگذر، شیعیان در امر استنباط حکم برای عصر غیبت آماده شوند.

پرسش‌های نمونه

- ۱ جعفر کذاب که بود؟ چه ادعایی داشت؟
- ۲ برخی از ویژگی‌های زمانه امام عسکری علیه‌السلام را بنویسید.
- ۳ وضعیت شیعیان در عصر امام عسکری علیه‌السلام چگونه بود؟
- ۴ نحوهٔ ارتباط حضرت با شیعیان را بنویسید.



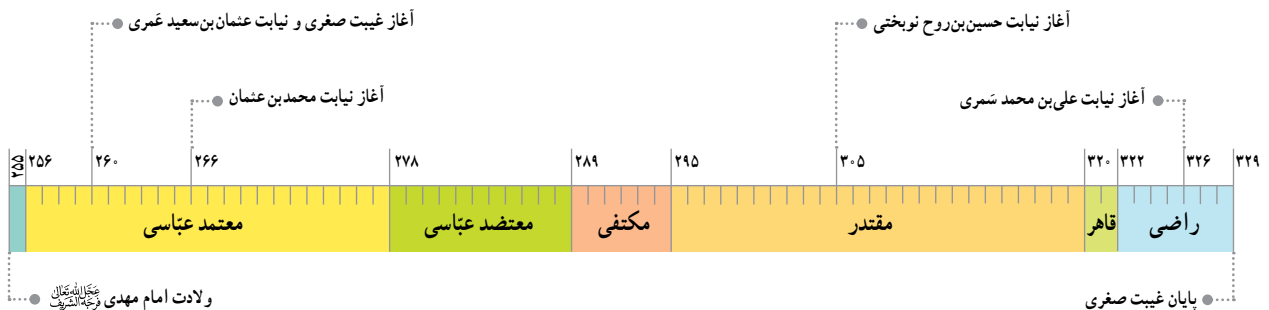
امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

پس از سپری شدن دوران کوتاه شش ساله امامت امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف، در سال ۲۶۰ ق، تنها فرزند حضرت — امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف — به امامت رسید. امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف از همان زمان از دیدگان عموم مردم پنهان شد و دوران غیبت صغری^۱ پس از ۵ سال حضور در ایام حیات پدر و در حالی که فقط بعضی از اصحاب خاص موفق به دیدار وی شدند آغاز گردید.

دوران غیبت صغری، پس از حدود ۶۹ سال، با درگذشت، چهارمین نایب خاص ایشان، پایان یافت. این دوران مقدمه و آغازی برای غیبتی طولانی بود تا شرایط پذیرش موقعیت جدید برای مردم فراهم گردد. انتظار می‌رود در پایان درس به این سؤالات پاسخ داده شود:

- ۱ وضعیت شیعه در دوران غیبت صغری چگونه بود؟
- ۲ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت صغری، چگونه شیعیان را رهبری می‌کردند؟
- ۳ نایبان خاص، چه کسانی بودند و چه وظایفی بر عهده داشتند؟

خلفای معاصر با غیبت صغری



۱. در کتاب اصول عقاید موضوع غیبت به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

ولادت پنهانی

نگرانی عباسیان از تولد فرزندی برای امام حسن عسکری علیه السلام موجب شد، تا نظارت شدیدی نسبت به امام، اعمال شود. به همین علت دوران حمل و تولد امام؛ از مردم پنهان داشته شد و جز افراد اندک، کسی امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف را ندید. این موضوع، زمینه‌ساز تردیدهایی درباره وجود آن حضرت می‌شد، اما با وجود فضای دشوار آن دوره، گریزی از آن نبود. احمد بن عبدالله خاقان از کارگزاران دستگاه خلافت در گزارشی می‌گوید: «با انتشار خبر بیماری امام حسن عسکری علیه السلام، خلیفه، فردی را به دنبال پدرم فرستاد. پدرم به تعدادی از کارکنان نزدیک خلیفه، دستور داد تا خانه امام را کنترل کرده و لحظه به لحظه از اوضاع و احوال حضرت باخبر باشند. آن‌گاه برخی از طبیبان را فراخواند و دستور داد شبانه‌روز بر بالین امام، حضور داشته باشند.» این کنترل و مراقبت تا زمان رحلت ایشان، ادامه یافت.

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام به دستور خلیفه، خانه امام به دقت بازرسی و همه چیز مهر و موم گردید. سپس میراث ایشان، میان مادر و برادرش جعفر تقسیم شد. بدون تردید حساسیت شدید دستگاه خلافت و گماردن جاسوسانی برای امام حسن عسکری علیه السلام بدان علت بود که از چگونگی و تولد فرزند ایشان اطلاع یابند و در صورت نیافتن به مردم چنین وانمود کنند که امام عسکری علیه السلام فرزندی نداشته است. در این شرایط، امام حسن عسکری علیه السلام، موضوع ولادت امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف را از مردم و حتی بیشتر شیعیان پنهان نگاه داشت و تنها در موارد خاصی برخی از اصحاب خاص خود را از این راز آگاه ساخت.^۱

توضیح

اکنون در سامرا و در صحن حرم امام دهم و یازدهم سردابی وجود دارد که به سرداب غیبت معروف شده است. بعضی این اتهام را متوجه شیعیان کرده‌اند که آنها معتقدند محل اختفای امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف این سرداب است و از همین مکان



سرداب منسوب به امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف

هم ظهور خواهد کرد. اما باید بدانیم که شیعیان هیچ‌گاه چنین باوری نداشته‌اند. آنان معتقدند که امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف در خانه محل سکونتش که همان خانه پدر و جدش بوده غایب شده و از کنار خانه کعبه ظهور خواهد کرد. اما داستان واقعی این سرداب چیست؟ براساس روایات تاریخی، خانه امام هادی و امام عسکری علیه السلام که هم‌اکنون محل دفن آن دو امام است دو قسمت داشته، قسمتی برای مردان و قسمتی مخصوص زنان و سردابی نیز زیر اتاق‌ها بوده که در روزهای گرم، اهل خانه در آن به سر می‌بردند. از نظر شیعیان، این سرداب محترم و مقدس است، زیرا محل عبادت امام دهم و یازدهم بوده است. براساس روایات، در عصر غیبت صغری، حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف دو نوبت درون این سرداب در حال نماز و عبادت مشاهده شده‌اند. بنابراین آنچه که در خصوص این سرداب گفته‌اند داستانی ساختگی بیش نیست.

۱. در درس گذشته به برخی از این موارد اشاره شد.

زمینه‌سازی برای عصر غیبت

از نکات مهم موضوع غیبت نحوه واکنش جامعه در برابر آن است. اگرچه غیبت امام معصوم و عدم ارتباط مستقیم مردم با او، در امت‌های گذشته نیز سابقه داشته است، اما غیبت ناگهانی امام برای مردمی که حدود ۲۵۰ سال شاهد حضور ایشان در میان خود بودند چندان ساده نبود. مسئله غیبت امام می‌توانست باعث حیرت و سرگردانی شگرف شیعیان شود، از این رو پیشوایان معصوم، می‌بایست نسبت به آماده‌سازی جامعه، برای ورود به عصر غیبت، تمهیدات لازم را فراهم نمایند. این کار از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آغاز شده بود. ایشان با بیان سخنانی در مورد عصر غیبت از جمله چگونگی وقوع این رخداد، مسئولیت سنگین شیعه در این زمان و ابراز نویدها و امیدها به آینده سعی کردند ذهنیت جامعه را برای پذیرش این موضوع حساس و مهم، آماده سازند. آماده‌سازی افکار عمومی در دوران هر یک از امامان شیعه به صورت پیوسته تداوم یافت. با نزدیک شدن عصر غیبت این روند وضوح بیشتری یافت. این زمینه‌سازی‌ها موجب شد، هرگونه شک و تردید، نسبت به وجود امام غایب از دل شیعیان زدوده شود و آنها دچار حیرت نشوند و نیز، وظیفه شرعی خود را در برابر حاکمان ظالم بدانند و زمینه بازگشت پیشوای معصوم به میان خویش و تشکیل حکومت حق را فراهم سازند.

اوضاع سیاسی دوران غیبت صغری

در دوران غیبت صغری شش خلیفه عباسی به قدرت رسیدند. این دوره با ضعف دولت مرکزی خلافت و تجزیه بخش‌هایی از قلمرو خلافت عباسی و شکل‌گیری چند دولت مستقل و نیمه‌مستقل توأم بود. این موضوع با افزایش قدرت امرای تُرک از یک سو و بی‌کفایتی خلفای عباسی از دیگر سو ارتباط داشت. کارگزاران تُرک چندان قدرت یافتند که گاه خلیفه را وادار می‌کردند جانشین خود را عزل کنند. چنان‌که معتمد عباسی مجبور شد پسرش را از ولایتعهدی عزل و برادرزاده‌اش را جانشین قرار دهد. گاه پاره‌پاره‌تر گذاشته خلیفه را دستگیر و از خلافت خلع می‌کردند و پس از شکنجه او را می‌کشتند. همان‌طور که مقتدر عباسی به دست سربازان تُرک خود کشته شد. یک‌روز پس از کشته‌شدن مقتدر آنها، با برادرش القاهر بالله بیعت کردند. اما سال بعد او را هم از خلافت خلع کرده و چشمانش را میل کشیدند. درگیری میان خلیفه و وابستگانش برای کسب قدرت امری عادی بود. در میان وزیران نیز رقابت سختی برای کسب قدرت وجود داشت به طوری که مبالغ سنگین برای دستیابی به مقام وزارت هزینه می‌شد. ضعف خلافت عباسی در سده سوم به تشکیل حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل انجامید که به‌طور خلاصه به آنها اشاره می‌شود:

۱ حکومت‌های سنی مذهب

نام حکومت	مؤسس	دوره حکومت	شرح
طاهریان	طاهر ذوالیمینین	۲۵۹ - ۲۰۵ ق.	مؤسس این حکومت طاهر بن حسین از فرماندهان مأمون بود. او در سال ۲۰۷ نام مأمون را از خطبه انداخت و ادعای استقلال کرد. مأمون پس از مرگ او به‌خاطر محبوبیت خاندان طاهری در خراسان و همچنین داشتن مشکلات دیگر حکومت خراسان را به فرزندان طاهر واگذار کرد. انقراض این حکومت در سال ۲۵۹ ق. توسط یعقوب بن لیث صفاری رخ داد.
صفاریان	یعقوب بن لیث صفاری	۳۹۴ - ۲۴۷ ق.	یعقوب بن لیث صفاری از اشتغال عباسیان به شورش زنگیان استفاده کرد و بر سیستان و بخش وسیعی از مناطق شرق و مرکز ایران چیره شد.
سامانیان	امیر اسماعیل سامانی	۳۹۵ - ۲۷۹ ق.	این حکومت در ماوراءالنهر ایجاد شد و به خراسان گسترش یافت. حکومت سامانی ۱۲۸ سال طول کشید و همواره به‌عنوان حکومتی فرمانبر، در خدمت خلافت عباسی با حکومت‌های صفاریان و علویان طبرستان مقابله می‌کرد.
طولونیان	احمد بن طولون	۲۹۲ - ۲۵۴ ق.	مؤسس این سلسله فردی موسوم به احمد بن طولون بود. او حکومت مصر را به دست گرفت. پس از آن قلمرو خود را تا شام و حجاز گسترش داد.

نام حکومت	مؤسس	دوره حکومت	شرح
علویان	حسین بن زید علوی	۳۱۶ – ۲۵۰ ق.	حسین بن زید علوی – از نوادگان امام حسن <small>علیه السلام</small> – در سال ۲۵۰ ق. حکومتی در منطقه طبرستان تشکیل داد. این حکومت موفق شد تشیع را در ناحیه طبرستان گسترش دهد و شعارها و نمادهای شیعی را آشکار کند.
زیدیان یمن	یحیی بن حسین – از نواده‌های امام حسن <small>علیه السلام</small>	آغاز ۲۸۴ ق.	پیش از این، به حکومت زیدیان اشاره شد. این دولت به وسیله یحیی بن حسین – از نواده‌های امام حسن <small>علیه السلام</small> – در سال ۲۸۰ ق. تأسیس شد. از آنجا که وی پیرو مذهب زیدیه بود، در آغاز حکومتش نامه‌ای به اهالی یمن نوشت و در آن مردم را به جهاد دعوت کرد.
حمدانیان	عبدالله حمدان	۳۹۴ – ۲۹۲ ق.	سلسله‌ای دارای مذهب تشیع دوازده امامی. حمدانیان توانستند حکومت خود را در دو ناحیه شمال عراق با مرکزیت شهر موصل و ناحیه شام با مرکزیت حلب استمرار ببخشند.
فاطمیان مصر	عبدالله مهدی از نوادگان اسماعیل فرزند امام صادق <small>علیه السلام</small>	۵۶۷ – ۲۹۷ ق.	سلسله‌ای اسماعیلی مذهب. ابتدا در شمال آفریقا (تونس) سپس در مصر خلافت کردند. از آنجا که خود را از نسل امام علی <small>علیه السلام</small> و حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small> می‌دانستند به آنها فاطمی گفته می‌شد.

وضعیت شیعه در دوران غیبت صغری

شناخت اوضاع شیعه در دوره غیبت صغری در سه محور به شرح ذیل می‌باشد:

الف) اختلاف میان شیعیان

در درس‌های گذشته خواندیم پس از شهادت هر امام تا شناخته شدن امام بعدی عده‌ای از شیعیان دچار تردید می‌شدند و مدتی طول می‌کشید تا جانشین امامی که از دنیا رفته است، شناخته شود. این مشکل پس از شهادت امام عسکری علیه السلام دو چندان شد: زیرا از یک سو دوران ولادت و کودکی امام کاملاً مخفیانه بود و جز تعداد محدودی از شیعیان کسی از نزدیک فرزند ایشان را ندیده بود. از سوی دیگر غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بلافاصله پس از شهادت پدر آغاز شد. عامل دیگری که به این تردیدها دامن می‌زد تلاش‌های برادر امام عسکری یعنی جعفر بود که تلاش می‌کرد خود را جانشین برادر معرفی نماید و حتی برای رسیدن به هدف خود حاضر شد با دستگاه خلافت همکاری نماید. به گزارش منابع، شیعیان در آغاز غیبت صغری به چند گروه تقسیم شدند:

- ۱ کسانی که شهادت امام عسکری علیه السلام را باور نداشتند و او را به عنوان مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله پذیرفتند که همچنان زنده است. آنها به واقفه – کسانی که بر امامت امام عسکری علیه السلام توقف کرده‌اند – شهرت یافتند.
- ۲ کسانی که امامت جعفر – برادر امام عسکری علیه السلام – را پذیرفتند، این عده جعفریه نام گرفتند.
- ۳ عده‌ای که امامت پیشوای یازدهم را نپذیرفتند و به امامت اولین فرزند امام هادی علیه السلام گرویدند و محمدیه نام گرفتند.
- ۴ شماری بر این باور بودند که امام عسکری علیه السلام جانشینی ندارد.
- ۵ گروه دیگر که بیشترین جمعیت را تشکیل می‌دادند کسانی بودند که به امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قائل شدند. البته به گفته شیخ مفید در اواخر قرن چهارم تنها امامیه بود که موجودیت خود را حفظ کرده بود.

ب) وضعیت سیاسی

در عصر غیبت صغری به لحاظ سیاسی تغییر چندانی در وضعیت شیعه رخ نداد و آنان همچون دوره‌های قبل در فشار و محدودیت‌ها به سر می‌بردند. جز در برخی دوره‌ها که وضعیت به نفع شیعیان بود و آنان تا حدودی از آزادی سیاسی و اجتماعی برخوردار می‌شدند.

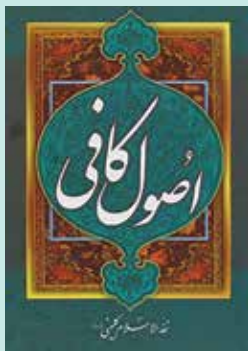
این شرایط با نفوذ برخی از شیعیان به دستگاه خلافت آغاز شد؛ از جمله افرادی از خاندان شیعه مذهب و برجسته بنی فُرات که با نفوذ در دربار و حضور در مناصب بالای حکومتی، توانستند تا حدودی از فشار بر شیعیان بکاهند.

ج) وضعیت علمی و فرهنگی

به جهت علمی و فرهنگی علما و فقهای شیعه تلاش‌های چشمگیری در گردآوری، تدوین و تألیف کتاب انجام دادند. این فعالیت‌ها در راستای اقتضات دوره غیبت صغری بود، زیرا امام معصوم علیه السلام به عنوان منبع و مرجع اصلی پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات، دیگر در میان مردم حضور نداشت. نایبان خاص نیز به جهت محدودیت‌های سیاسی اعمال شده از سوی دستگاه خلافت به شدت تقیه می‌کردند. پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف جهان اسلام و عدم دسترسی به مراکز علمی و فرهنگی بر این مشکلات می‌افزود. این‌رو علما و اندیشمندان شیعه بر آن شدند تا علوم اهل بیت را جمع‌آوری کرده به صورت مدون و مکتوب در اختیار مردم قرار دهند تا پاسخ‌گوی مسائل و رفع‌کننده مشکلات آنها باشد. از جمله مهم‌ترین تألیفات این دوره کتاب «الکافی» کلینی است. بدین ترتیب فقها و محدثان شیعه حرکت علمی امامان معصوم در زمان غیبت را استمرار بخشیدند و با حفظ و انتقال میراث علمی آن بزرگواران، زمینه شکوفایی علمی و فرهنگی شیعه را در سده‌های بعد فراهم نمودند.

از نویسندگان شیعه این دوره می‌توان به این افراد اشاره کرد :

- ۱ ابی القاسم فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، مؤلف کتاب تفسیر فرات.
- ۲ محمد بن مسعود بن عیاشی . . . کوفی سمرقندی (از علمای اواخر قرن سوم) : مؤلف کتاب تفسیر عیاشی.
- ۳ محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹) مؤلف کتاب‌هایی مانند اصول کافی - از منابع مهم و معتبر حدیث شیعه - و فروع کافی.
- ۴ احمد بن محمد بن خالد بَرَقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰) مؤلف کتاب المحاسن.
- ۵ علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، پدر شیخ صدوق (م ۳۲۸)، مؤلف کتاب‌های مهم اعتقادی و حدیثی از جمله من لایحضره الفقیه.



کتاب اصول کافی



کتاب من لایحضره الفقیه

امام مهدی علیه السلام و رهبری شیعیان در دوران غیبت صغری

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام به یک‌باره شیعیان با غیبت امام مهدی علیه السلام مواجه شدند. سؤالی که برای شیعیان مطرح می‌شد این بود که در این شرایط چگونه می‌توانند با امام خود ارتباط برقرار کنند. راه‌حل این پرسش خیلی زود آشکار شد و چگونگی ارتباط با امام به آگاهی تعدادی از شیعیان رسید. در روایتی راجع به شیعیان قم که طبق معمول برای دیدار با امام حسن عسکری علیه السلام و تقدیم هدیه‌های مالی و نامه‌ها و سؤالات خود به سامرا رفته بودند، آمده است؛ این گروه زمانی به شهر سامرا رسیدند که امام حسن عسکری علیه السلام به شهادت

رسیده و جعفر – برادر ایشان – ادعای امامت کرده بود. جعفر کذاب نتوانست دلیلی بر امامت خود ارائه دهد و شیعیان درحالی که ناامید شده بودند، راه بازگشت را در پیش گرفتند. آنان در بیرون شهر بودند که نماینده امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ایشان دیدار کرد. پس از آن شیعیان قم موفق به دیدار امام شدند. امام در همین ملاقات از آنها خواست که برای انجام امور مربوط به ایشان، به نماینده‌شان در بغداد مراجعه نمایند.^۱

سفرای چهارگانه یا نایبان خاص

وظیفه حفظ وحدت و ارتباط میان شیعیان، هدایت آنان در شرایط دشوار، مواجهه با فرقه‌ها و افکار انحرافی، همراه با توانایی بالا در پنهان کاری و تقيه، نیاز به سفیرانی زبده و مورد اطمینانی داشت که قادر به انجام چنین مسئولیت حساس و مهمی باشند. از این رو انتخاب نایبان خاص به طور مستقیم از طرف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت گرفت.

مرکز استقرار نایبان در دوران غیبت صغری، شهر بغداد بود. سفیران از میان کسانی انتخاب شدند که هیچ‌گونه حساسیتی نسبت به آنان از طرف دستگاه خلافت نباشد و از سادات و علویان نیز نبودند، زیرا عباسیان به شدت ایشان را زیر نظر داشتند.

۱ عثمان بن سعید عمری

عثمان بن سعید از شیعیان مورد اطمینان بود به طوری که راستی گفتار، تقوا و امانت‌داری او از طرف امام، مورد تأیید بود. عثمان در پوشش شغل روغن‌فروشی به دستور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در شهر بغداد اقامت گزید. او وکیل و خادم امام هادی علیه السلام بود و ریاست سازمان وکالت در زمان امام حسن عسکری علیه السلام را بر عهده داشت. عثمان در جلسه خصوصی امام حسن عسکری علیه السلام برای معرفی جانشین پس از خود، حضور داشت و مراسم غسل و دفن حضرت را نیز انجام داد. موقعیت برجسته عثمان بن سعید در زمان امام دهم و یازدهم باعث شد که وکلا و بزرگان شیعه بدون هیچ‌گونه شکی نیابت او را بپذیرند.

۲ محمد بن عثمان بن سعید عمری

محمد بن عثمان پس از درگذشت پدرش از طرف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به مقام نیابت رسید. حضرت در توقیعی به وی تسلیت گفت و پس از دعای خیر در حقیق امور نیابت را به او واگذار کرد.^۲ وی نیز از بزرگان شیعه و از نظر تقوا و عدالت مورد قبول و احترام شیعیان و از یاران مورد اعتماد امام حسن عسکری علیه السلام بود.

محمد بن عثمان طولانی‌ترین دوران نیابت – حدود ۴۰ سال – را بر عهده داشت. وی در همان شغل پدر به انجام امور مربوط به نیابت می‌پرداخت. وی توقیع‌های زیادی از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دریافت و به شیعیان می‌رساند. زمانی که محمد بن عثمان در بستر بیماری افتاد، ابوالقاسم حسین بن روح را به‌عنوان نفر سوم معرفی کرد.

۳ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

محمد بن عثمان وکلای دیگری هم در بغداد داشت که برخی از حسین بن روح به محمد بن عثمان نزدیک‌تر بودند، اما با این همه، حسین بن روح از طرف امام به این مقام منصوب شد. وی در شرایط سخت و دشوار آن روز، با هوشمندی و زیرکی بی‌نظیر در مواقع مختلف و حساس تشکیلات امامیه را به‌خوبی هدایت کرد و به جهت انتصاب به خاندان نوبختی در دستگاه خلافت عباسی از احترام برخوردار بود. موقعیت و جایگاه او در میان شیعیان به نحوی بود که نیابت وی خیلی زود مورد پذیرش قرار گرفت.

۱. شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ص ۴۷۶.

۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ص ۲۱۵.

خاندان نوبختی

خاندان مشهور ایرانی که اندیشمندانی برجسته به‌عنوان منجم، ادیب، متکلم و مؤلف، در سده ۲ تا ۵ از این خاندان، ظهور کردند. برخی از افراد نامدار این خاندان عبارت‌اند از:

نوبخت اولین فرد از نوبختیان که در زمان خلیفه عباسی به‌عنوان منجم در دستگاه خلافت عباسی، فعالیت می‌کرد. فرزندش، ابوسهل نوبخت نیز، منجم خلیفه شد و کتاب‌هایی تألیف و ترجمه کرد.

ابوسهل نوبختی، متکلم نامدار امامی، ساکن بغداد، و از افراد صاحب‌نفوذ و بنام خاندان نوبخت بود. وی فعالیت‌های علمی زیادی در مورد موضوع امامت و به‌ویژه غیبت صغری انجام داد. او با حسین بن روح نوبختی - نایب سوم - همکاری نزدیکی داشت. حسین بن موسی نوبختی، از نخستین دانشمندان شیعه است که درباره ملل و نحل کتاب نوشته است و استدلال‌های عقلی را در تحکیم مبانی اعتقادی امامیه به کار می‌گرفت. فِرَق الشَّیْعَةِ تنها اثر به‌جای مانده از اوست.

۴ علی بن محمد سمری

نایب سوم - حسین بن روح نوبختی - به فرمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف علی بن محمد سمری را به‌عنوان جانشین خود، جهت اداره امور شیعیان معرفی کرد. وی از اصحاب امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بود. در روزگار نیابت سمری وضعیت دستگاه خلافت و سرزمین‌های اسلامی به‌شدت آشفته شد. هرج و مرج و جنگ‌های داخلی همه‌جا را فراگرفته بود. سمری حدود سه سال نیابت خاص امام را بر عهده داشت و سرانجام چند روز پیش از رحلت نامه‌ای از طرف حضرت به دستش رسید که نزدیکی زمان مرگ وی را اطلاع داده بود. متن توقیع، آغاز غیبت کبری را وعده می‌داد.

متن نامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نایب آخر خود چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ای علی بن محمد سمری! خداوند به برادرانت در فقدان تو پاداش بزرگ عطا فرماید. تو تا شش روز دیگر رحلت خواهی کرد. کارهایت را جمع کن و به هیچ‌کس به‌عنوان جانشین خود وصیت نکن. اکنون زمان غیبت کبری فرارسیده و ظهور من تنها با اجازه خداوند و در زمانی خواهد بود که دل‌های مردم در نهایت قساوت و روی زمین، پر از بیداد و ستم باشند. کسانی پیش شیعیان مدعی دیدار و ارتباط با من خواهند شد. هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی - که از علائم ظهور است - چنین ادعایی کند، دروغ‌گویی بیش نخواهد بود.^۱

۱ اطمینان بخشی نسبت به وجود حضرت

یکی از وظایف مهم نایبان امام به‌ویژه سفیر اول این بود که به برخی از شیعیان که ممکن بود دچار تردید شوند ثابت کند که امام عسکری علیه السلام فرزندی دارد که اکنون غایب است. البته به جهت تقیّه شدید این کار سخت بود.

۲ نظارت و سرپرستی شبکه و کالت

پیش از این گفته شد سیاست تعیین وکیل و رهبری امور شیعیان در مناطق مختلف اسلامی، از زمان امام کاظم علیه السلام معمول شد. در دوران غیبت با قطع ارتباط مستقیم شیعیان و همچنین وکلا با امام زمان، آنها از راه نایب امام با حضرت ارتباط داشتند. این وکلا اموال و هدایا و نامه‌های ارسال شده را به سفیران امام می‌رساندند و آنها نیز وجوه دریافتی را طبق دستور امام هزینه می‌کردند. البته به ندرت امکان داشت که یکی از وکلا بتواند امام را ملاقات کند.^۱ نایبان هرکدام وکیلانی داشتند؛ به عنوان مثال نایب دوم، ده وکیل در بغداد داشت.^۲

۲ پاسخ‌گویی به پرسش‌های فقهی و اعتقادی

در دوران حضور ائمه علیهم السلام، مرجع علمی و فکری شیعیان، خود امامان معصوم بودند. شیعیان با بروز هرگونه اشکال فکری و یا مواجه شدن با پرسش به حضور امام شتافته و از محضر وی سؤال می‌کردند. آغاز غیبت صغری و عدم حضور امام علیه السلام که رکن اصلی شیعه در مسائل فکری و اعتقادی بود در میان مردم، می‌توانست به بحرانی فکری و اعتقادی در میان شیعیان منجر شود. لذا یکی از وظایف مهم نایبان امام این بود که سؤال‌ها و شبهات شیعیان را به عرض امام برسانند و پس از دریافت پاسخ، آن را به سؤال‌کننده ابلاغ نمایند. متن توقیعات و نامه‌های امام موضوعات مختلفی را شامل می‌شد^۳: برخی پاسخ به سؤالات اعتقادی بود. بخش قابل ملاحظه‌ای از محتوای نامه‌ها پاسخ به سؤالات فقهی همچون نماز، حج، خمس و... می‌باشد.

مسئله «غیبت» ولی الهی، مختص به دین اسلام نیست و در سایر امت‌ها و ادیان نیز مطرح بوده است که عالم و محدث بزرگ شیعه، شیخ صدوق رحمته الله علیه، اخبار و گزارشات مربوط به آن را در کتاب ارزشمند «کمال الدین و تمام النعمه» ذکر کرده است. مرحوم صدوق رحمته الله علیه به روایتی اشاره می‌کند که در آن مراحل غیبت حضرت ابراهیم علیه السلام از ابتدای تولد ذکر شده است و می‌نویسد: «ابراهیم همواره در غیبت به سر می‌برد تا آنکه ظهور نمود... و خداوند قدرت‌ش را در وی آشکار ساخت. پس از آن، هنگامی که طواغیت وی را نپذیرفتند و (دعوتش را) نفی کردند و او را از سرزمینش بیرون راندند برای مرتبه دوم غایب شد و گفت: وَ اعْتَرَلْكُمْ وَ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ ادْعُوا رَبِّي عَسَىٰ اَلَّا اَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا (سوره مریم: آیه ۴۸). خداوند نیز فرمود: فَلَمَّا اعْتَرَلَهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ (سوره مریم: آیه ۴۹)»^۴

۱. جعفریان، رسول، گزیده حیات فکری، سیاسی امامان شیعه، ص ۳۷.

۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ص ۲۲۵.

۳. توقیعات امام مهدی علیه السلام در دو کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» شیخ صدوق و «الغیبه» شیخ طوسی آورده شده است.

۴. شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۷۱.

۲ مقابله با مدعیان دروغین نیابت

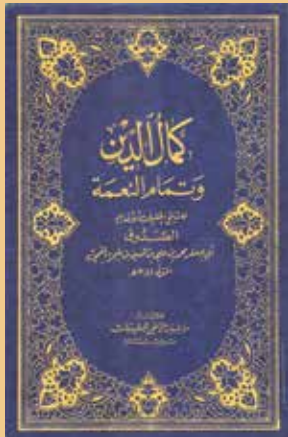
یکی از مشکلات اساسی دوران غیبت صغری، ظهور افرادی بود که به دروغ ادعای نیابت و وکالت می‌کردند. برخی از مدعیان در ابتدا افرادی صالح بوده و در زمره وکلای نایبان امام عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ به شمار می‌رفتند، اما به جهت ضعف ایمان، طمع به دست آوردن اموال، کسب شهرت و جاه‌طلبی راه انحراف را در پیش گرفتند و بدین ترتیب زمینه گمراهی مردم را فراهم ساختند. یکی از این افراد، محمد بن علی شَلَمْغَانِي نام داشت. وی یکی از افراد صالح و از وکلان نایب سوم - حسین بن روح نوبختی - به شمار می‌رفت. شَلَمْغَانِي پس از مدتی خود را نایب امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ معرفی نمود و مطالب دروغی را منتشر ساخت، در حالی که آن مطالب را به حسین بن روح، نسبت می‌داد. یکی از عقاید کفرآمیز وی، حلول روح پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در محمد بن عثمان عمری و روح امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در حسین بن روح بود. حسین بن روح تلاش زیادی برای افشای چهره شَلَمْغَانِي انجام داد و توقیعی نیز از طرف امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ مبنی بر لعن و براءت از کارها و سخنان او صادر شد. در نهایت سخنان شَلَمْغَانِي به گوش خلیفه عباسی رسید. خلیفه هم دستور قتل وی را صادر کرد.

▶ آغاز غیبت کبری

با رحلت چهارمین نایب امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ فصل جدیدی در تاریخ شیعه آغاز شد که غیبت کبری نامیده می‌شود. در غیبت کبری زمام امور دینی و سیاسی جامعه اسلامی، براساس فرموده امام دوازدهم عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ بر عهده فقیهانی نهاده شد که علاوه بر شایستگی علمی، از ویژگی عدالت، تقوا و کاردانی نیز می‌بایست برخوردار باشند. فقیهانی این چنینی، براساس ولایتی که از سوی خداوند و به واسطه امامان معصوم به آنان واگذار شده، در دوره غیبت حق زعامت سیاسی و دینی جامعه را دارا هستند. آنان در طول تاریخ میراث علمی، فکری و معنوی معصومان را نسل به نسل تا عصر حاضر انتقال داده‌اند و امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ تَعَالَى و انقلاب اسلامی ایران میراث‌دار این تلاش ارزنده است.

برخی از کتاب‌هایی که توسط عالمان گران قدر شیعه، تنها قدری پس از غیبت کبری آن حضرت به دلیل شبهاتی که در مردم به وجود می‌آمده نوشته شده‌اند عبارت‌اند از :

توضیح تک



ردیف	نام کتاب	معرفی اجمالی
۱	الغیبة	در اوایل غیبت کبری توسط محمد بن ابراهیم نعمانی نوشته شده است و عالمان بزرگ شیعه مانند شیخ مفید، علامه حلی، علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی از آن نقل مطلب کرده‌اند.
۲	کمال الدین و تمام النعمه	در قرن چهارم قمری توسط شیخ صدوق نوشته شده و در آن به مباحثی نظیر ضرورت وجود حجت الهی در هر زمان، شبهات عصر غیبت و غیبت در امت‌های پیشین پرداخته است.
۳	الغیبة	در قرن پنجم قمری توسط شیخ طوسی نوشته شده که به شبهات موجود در زمینه مهدویت پاسخ‌های عقلی و نقلی داده است. شیخ در این کتاب مانند برخی از کتب نوشته‌شده با این نام (الغیبة) بابتی را به معرفی کسانی که به دیدار و گفت‌وگو با آن امام <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ</small> نائل شده‌اند، اختصاص داده است. این کتاب نیز از آثار مرجع در این زمینه به شمار می‌رود.
۴	اربع رسالات فی الغیبة	در قرن پنجم قمری توسط شیخ مفید نوشته شده که مشتمل بر چهار رساله کوتاه در زمینه غیبت امام دوازدهم <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ</small> است. ویژگی این کتاب رویکرد کلامی و فرامذهبی در پاسخ‌گویی به شبهات موجود در این زمینه است.

- ۱ عکس‌العمل دستگاه خلافت پس از شنیدن بیماری امام حسن عسکری علیه السلام چگونه بود؟
- ۲ نقش پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم در زمینه‌سازی برای عصر غیبت را توضیح دهید.
- ۳ شیعیان پس از شهادت امام یازدهم علیه السلام چند فرقه شدند؟ کدام فرقه موجودیت خود را حفظ کرد؟
- ۴ نواب اربعه را نام برده و وظایف آنان را ذکر کنید.

نام	لقب	کنیه	سال ولادت	زادگاه	نام مادر	شهادت
علی بن حسین <small>علیه السلام</small>	سجاد زین العابدین سید الساجدین	ابوالحسن ابومحمد	۳۸ ق.	مدینه	شهربانو و ...	۹۵ ق.
محمد بن علی <small>علیه السلام</small>	باقر هادی شاکر	ابوجعفر	۵۷ ق.	مدینه	ام عبدالله (دختر امام حسن <small>علیه السلام</small>)	۱۱۴ ق.
جعفر بن محمد <small>علیه السلام</small>	صادق فاضل طاهر	ابوعبدالله	۸۳ ق.	مدینه	أم فروه (دختر قاسم بن محمد بن ابوبکر)	۱۴۸ ق.
موسی بن جعفر <small>علیه السلام</small>	کاظم عبد صالح	ابوالحسن اول	۱۲۸ ق.	آبواء (اطراف مدینه)	حمیده	۱۸۳ یا ۱۸۶ ق.
علی بن موسی <small>علیه السلام</small>	رضا رضی صدیق	ابوالحسن ثانی	۱۴۸ ق.	مدینه	نجمه یا نُکتم	۲۰۳ ق.
محمد بن علی <small>علیه السلام</small>	جواد تقی زکی	ابوجعفر ثانی	۱۹۵ ق.	مدینه	خیزران	۲۲۰ ق.
علی بن محمد <small>علیه السلام</small>	هادی نقی ناصر	ابوالحسن ثالث	۲۱۲ یا ۲۱۴ ق.	صربا (اطراف مدینه)	سمانه	۲۵۴ ق.
حسن بن علی <small>علیه السلام</small>	عسکری زکی	ابومحمد	۲۳۱ یا ۲۳۲ ق.	مدینه	حُدیثه	۲۶۰ ق.
هم نام پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	بقیه الله حجة الله مهدی قائم	همان کنیه پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	۲۵۵ ق.	سامرا	نرجس	

منابع :

- ۱ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفة الائمه، ج ۱ و ۲ و ۳.
- ۲ شیخ مفید، نعمان محمد بن محمد، الارشاد ج ۱ و ۲.
- ۳ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری با علام الهدی ج ۱ و ۲.

فرهنگ و تمدن اسلامی (۱)

ظهور دین اسلام همراه بود با بروز زمینه‌های مناسب برای پیدایش تمدنی عظیم که تعالیم اسلامی نقش اصلی را در آن ایفا کرد. از این پدیده، با عنوان تمدن اسلامی یا تمدن مسلمانان یاد می‌شود. در این درس زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری و چگونگی رشد و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی و دوره‌های آن بررسی و تحلیل می‌شود.

تعریف فرهنگ و تمدن

برای هر یک از این دو واژه، تعاریف گوناگونی ارائه شده است. اما در جمع‌بندی این تعاریف می‌توان آنها را چنین تعریف کرد: **فرهنگ**: عبارت است از «وجه تمایز انسان‌ها و حیوانات». توضیح آنکه انسان‌ها در بعضی از ویژگی‌های جسمانی با حیوانات مشترکاتی دارند، اما در چگونگی تأمین نیازهای جسمانی، معنوی و روحی با حیوانات تمایز دارند. مهم‌ترین وجوه تمایز معنوی انسان‌ها و حیوانات بدین قرار است: شناخت و باورها، احساسات و گرایش‌ها، اخلاق، هنر، شیوه‌های زندگی، آموزش و پرورش، ارزش‌ها، آداب و رسوم که همگی جزء مقوله فرهنگ به شمار می‌روند.

تمدن: به «مجموعه دستاوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی بشر که نمود بیرونی دارند» اطلاق می‌شود؛ توضیح آنکه انسان‌ها بر اساس فرهنگ خودشان این امکان را می‌یابند که نیازهای مادی و معنوی خود را تأمین کنند. به عبارت دیگر، زمینه‌های فرهنگی، چگونگی رفع نیازهای مادی و معنوی را تعیین می‌کند. بنابراین، علوم مختلف، هنرها، معماری‌ها، مشاغل و دیگر مظاهر زندگی انسان، در جهان بیرونی پدید می‌آید که از آنها با عنوان تمدن یاد می‌شود.

دوره‌های تمدن اسلامی

تمدن اسلامی از بدو پیدایش تاکنون، دوره‌هایی را پشت سر نهاده است. در سده‌های آغازین اسلامی، این تمدن همواره رو به رشد و شکوفایی داشت. اما برخی عوامل بیرونی و درونی، ضربات سهمگینی بر پیکره جهان اسلام وارد ساخت و موجب کندی حرکت تمدن اسلامی شد. پس از مدتی رکود، پیدایش چند دولت مقتدر اسلامی – همچون صفویه، عثمانی و گورکانی – خیزش مجددی برای تمدن اسلامی به دنبال آورد. اما فروپاشی این دولت‌ها، رکود مجددی را به دنبال داشت. قرن اخیر – و به ویژه بروز انقلاب اسلامی ایران – را می‌توان نقطه خیزش جدیدی برای تمدن اسلامی به شمار آورد. بنابراین، می‌توان دوره‌های تمدن اسلامی را این‌سان برشمرد^۱:

۱. در تقسیم‌بندی دوره‌های تمدن اسلامی و برخی از مباحث سه درس مربوط به فرهنگ و تمدن اسلامی به لحاظ دقت و تتبع خوب، از کتاب بویابی فرهنگ و تمدن اسلامی، اثر علی‌اکبر ولایتی استفاده شد.

۱ دوره پیدایش و شکوفایی

۲ دوره اول رکود

۳ دوره خیزش پس از رکود اولیه

۴ دوره دوم رکود

۵ دوره خیزش پس از انقلاب اسلامی.

در ادامه مباحث این درس، و نیز در دو درس آینده، دوره‌های یاد شده بررسی خواهد شد.

تمدن ایده آل

بر اساس باور ما مسلمانان و بسیاری از پیروان دیگر ادیان و مذاهب، بشریت در آینده، ظهور یک منجی جهانی و حکومت عادلانه‌اش را تجربه خواهد کرد. هرچند، در این باره که آن منجی کیست، میان پیروان ادیان و مذاهب گوناگون، اختلاف وجود دارد، اما همه آنان، بهترین نوع زندگی را در آن حکومت جست‌وجو می‌کنند. به دیگر سخن، بشریت قله‌های رفیع فرهنگ و تمدن را در حکومت عادلانه جهانی فتح خواهد کرد؛ حکومتی که در آن، عقل و دانش، رشد و عمق چشمگیری داشته و نمودهای تمدنی در راستای یک زندگی خدایی و عدالت محور بروز خواهد کرد؛ و این، همان تمدن ایده آل بشریت است. به اعتقاد شیعیان و بسیاری از مسلمانان، آن منجی محمد بن حسن عسکری علیه السلام - نهمین فرزند از نسل امام حسین علیه السلام - است.

دوره پیدایش و شکوفایی تمدن اسلامی

آغاز شکل‌گیری تمدن اسلامی را با ظهور اسلام باید هم‌زمان دانست. پیش از ظهور اسلام، هر چند برخی از دولت‌های مجاور جزیره العرب - همچون ایران و روم - از بعضی مظاهر تمدنی برخوردار بودند، اما مردم جزیره العرب بهره چندانی از آن نداشتند. با ظهور دین اسلام، عواملی، زمینه‌ساز پیدایش و شکوفایی تمدنی جدید شد که مهم‌ترین آنها بدین قرار است:

۱ آموزه‌های فرهنگی - تمدنی قرآن و سنت

با ظهور دین اسلام، مسلمانان به‌طور جدی تشویق به علم‌آموزی شدند و عالمان از جایگاهی بس رفیع برخوردار گشتند. در یکی از فراوان آیات قرآنی که درباره علم، عالم و علم‌آموزی‌اند، چنین می‌خوانیم:

«خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند [پایه‌ای] و کسانی را که به ایشان دانش داده شده پایه‌هایی رفعت مقام دهد و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است».^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سپس امامان معصوم علیهم السلام نیز - که نقش مفسر را برای آیات قرآن داشتند - در روایات متعددی، مسلمانان را به علم‌آموزی ترغیب می‌کردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «دانش را بیاموزید حتی اگر در چین باشد، چرا که فراگیری دانش بر هر مسلمانی واجب است».^۲ امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز می‌فرمود: «کسی که برای فراگیری دانش حرکت و تلاش می‌کند همچون مجاهد در راه خداست».^۳

۱. «يُزِقِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»؛ مجادله، ۱۱.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَطِيبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ، فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ»؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۱۱.

۳. همان، ص ۱۰.

به علاوه، آموزه‌های دین اسلام، بر بهره‌گیری از نعمت «عقل» برای دستیابی انسان‌ها به کمال‌های مادی و معنوی تأکید دارند؛ و می‌دانیم که بشریت با استفاده از نیروی عقل می‌تواند به اختراعات و اکتشافات بزرگ نائل شود. در آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام در این باره تأکیدات زیادی صورت گرفته است. در قرآن کریم، ضمن برشماری آیات و نشانه‌های خداوند در طبیعت، بشریت به تعقل در این نشانه‌ها فراخوانده شده، تاضمن پی بردن به خداوند خالق هستی، انسان‌ها به وسیله قدرت عقل بتوانند در طبیعت تصرف کرده و زندگی بهتری برای خود فراهم سازند؛ به یکی از این آیات توجه می‌کنیم:

«به راستی در خلقت آسمان‌ها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، و کشتی‌هایی که در دریا به نفع مردم در حرکت‌اند و آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و زمین را پس از مُردنش به وسیله آن زنده ساخته، و در آن از هر نوع جنبنده‌ای پراکنده کرده، و در تغییر دادن بادها، و ابرهای مسخّر شده میان آسمان و زمین، برای مردمی که عقل خود را به کار می‌گیرند، نشانه‌هایی [عظیم از قدرت خدا] است.»^۱

فکر کنید و پاسخ دهید

به نظر شما تأکید بسیار قرآن کریم بر نقش عقل و بهره‌گیری از آن، نشانه کدام ویژگی‌های دین اسلام است؟

۲ مراکز آموزشی

در کنار توصیه‌ها و تأکیدات موجود در آموزه‌های دینی نسبت به فراگیری علم و بهره‌گیری از عقل، پدید آمدن نهادها و مراکز آموزشی، زمینه بسیار مناسبی برای رشد دانش و پرورش دانشمندان، و در نتیجه، شکوفایی تمدن نوپای اسلامی شد. نهادها و مراکز آموزشی در جهان اسلام عبارت بودند از: مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها، خانه‌های دانشمندان، بیمارستان‌ها و برخی نقاط دیگر.



مسجد چهل ستون، کرمان

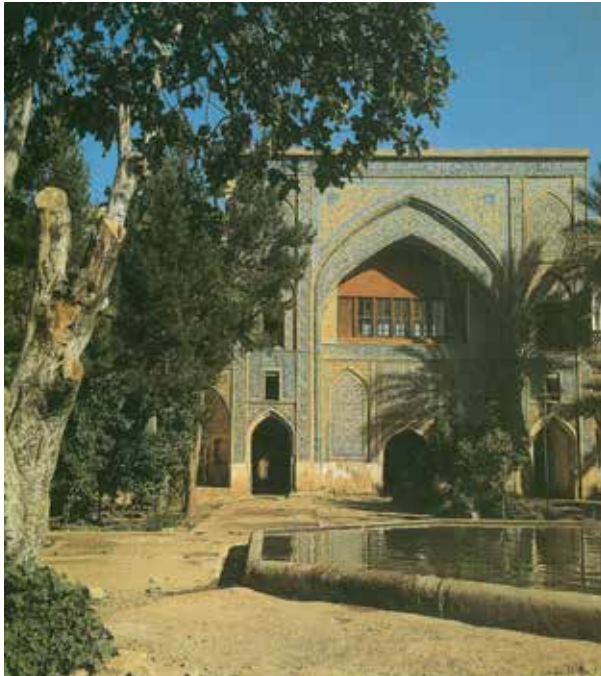
مساجد: بهره‌گیری از مسجد به عنوان یک مرکز آموزشی، برای اولین بار توسط رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به اجرا گذاشته شد. آن حضرت، پس از تأسیس مسجد نبوی در مدینه، عمده فعالیت‌های آموزشی و پرورشی را در آنجا انجام می‌داد. این امر سبب شد مسلمانان پس از آن حضرت، به مسجدهای خاصی داشته باشند و محافل آموزشی خود را در مساجد برپا نمایند. امامان معصوم علیهم‌السلام نیز مجالس و حلقه‌های درسی خود را در مساجد - به ویژه مسجد نبوی - برگزار می‌کردند. در این میان، مساجد جامع در شهرهای مختلف، از رونق بیشتری برخوردار بود.

فکر کنید و پاسخ دهید

به نظر شما در عصر حاضر، مساجد چگونه می‌توانند نقش گذشته خود را بازیابند؟

۱. سوره بقره، آیه ۱۶۴.

مساجد جامع، معمولاً بزرگ‌ترین مساجد شهرها بوده‌اند که در مرکز شهر قرار داشته و مراسم مهم عبادی و فرهنگی همچون نماز جمعه، نماز عید و محافل درسی در آن برگزار می‌شده است. این مساجد کانون فعالیت‌های فرهنگی بودند و از همان آغاز تأسیس یا چندی بعد، کتابخانه نیز در کنار آنها تأسیس می‌شده است. از مهم‌ترین مساجد جامع، به مسجد کوفه، مسجد جامع بصره، مسجد جامع دمشق، مسجدالاقصی و مسجد جامع فسطاط در مصر می‌توان اشاره کرد.



مدرسه ماصدرا، شیراز

مدارس: هر چند، مساجد همواره نقش مهم خود به عنوان یک مرکز آموزشی را حفظ کرده‌اند، اما در سده‌های اولیه پیدایش تمدن اسلامی، رفته‌رفته، مدارس نیز شکل گرفتند. در این مدارس، علوم به صورت تخصصی آموزش داده می‌شد و فراگیران علوم، از امکاناتی همچون کمک هزینه تحصیلی و خوابگاه و غذا و دیگر امکانات رفاهی برخوردار بودند. این مدارس، غالباً از معماری‌های زیبا و تزیینات و اثاثیه مرغوب برخوردار بودند. از مهم‌ترین مدارس جهان اسلام می‌توان به مدارس موجود در بغداد، ایران، شام، مصر، مغرب و اندلس اشاره کرد. مدرسه‌های مهم بغداد یکی نظامیه و دیگری مستنصریه بود که اولی را وزیر دانشمند سلجوقیان، خواجه نظام‌الملک و دومی را خلیفه عباسی تأسیس کرد. نظام‌الملک نظیر این مدرسه را در شهرهای مختلف همچون نیشابور، اصفهان و بلخ که افراد دانشمند در آنها حضور داشتند نیز بنا کرد.

کتابخانه‌ها: یکی از مهم‌ترین مراکز آموزشی در تمدن اسلامی، کتابخانه‌ها بود که از آنها با عنوان «دارالعلم» یاد می‌شده است. دارالعلم‌ها، کتابخانه‌های عمومی به شمار می‌آمده‌اند و توسط دولت‌هایی همچون عباسیان در بغداد، فاطمیان در مصر و بنی‌حَمَدان در موصل تأسیس شدند.

خانه دانشمندان: خانه‌های دانشمندان مکان مناسبی برای فراگیری دانش بود. امامان معصوم علیهم‌السلام - علاوه بر مسجد نبوی در مدینه - بسیاری از محافل درسی خود را در خانه خود برگزار می‌کردند. درباره دانشمندان بزرگی - همچون ابن‌سینا، غزالی، ابوحنیفان، ابن‌مسکویه - نیز چنین شیوه‌ای نقل شده است.



اسطرلاب (وسیله نجومی) که توسط دانشمندان مسلمان اختراع شده

بیمارستان‌ها: بیمارستان‌های جهان اسلام - که «مارستان» نامیده می‌شدند - ضمن درمان بیماران، مراکز تحقیق و مطالعه پزشکان به شمار می‌آمدند و کتابخانه‌های تخصصی نیز داشتند. برخی از مهم‌ترین بیمارستان‌های جهان اسلام عبارت بود از: بیمارستان مقتدری بغداد که به دستور خلیفه عباسی - المقتدر بالله - بنا شد. بیمارستان عَصَدی بغداد که به دستور عضدالدوله دیلمی بنا شد و بیمارستان



برج رصدخانه بسطام

منصوری قاهره که به دستور خلفای فاطمی مصر بنا شد. رصدخانه‌ها: از دیگر مراکز علمی جهان اسلام، رصدخانه‌های متعدد و بزرگی بودند که پیشرفته‌ترین پژوهش‌های ریاضی و نجومی در آنها صورت می‌گرفت و بسیاری از یافته‌های دانشمندان اسلامی در این رصدخانه‌ها، تا سده‌ها بعد، در اروپا بررسی و تحلیل می‌شد. از مهم‌ترین رصدخانه‌ها می‌توان به رصدخانه مراغه و سمرقند اشاره کرد.

فکر کنید و پاسخ دهید

از اینکه مسلمانان از امکانات ساده و – در عین حال – متنوع برای آموزش علوم بهره می‌بردند، شما به چه نتایجی می‌رسید؟

۳ ترجمه متون علمی از تمدن‌های مجاور

بر اساس آموزه‌های دین اسلام، مسلمانان برای فراگیری دانش، از هر راه ممکن می‌توانند بهره ببرند، اما مشروط به اینکه هر چیزی را نپذیرند و بتوانند دانش درست را از نادرست تشخیص دهند. قرآن کریم در این باره چنین فرموده است: «... پس به بندگانم مژده ده، همانان که به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند. اینانند که خدا هدایتشان کرده است و اینانند که صاحبان خردند»^۱.

با گسترش قلمرو اسلامی و آشنایی مسلمانان با تمدن‌های مجاور – همچون ایران، هند و روم – دستاوردهای علمی دانشمندان این مناطق به دست مسلمانان رسید؛ اما برای تحقق این امر، دو اقدام اساسی باید صورت می‌گرفت:

۱ انتقال آثار علمی دیگر ملت‌ها به قلمرو اسلامی

۲ ترجمه این آثار به زبان عربی

بدیهی است که این کار، بدون حمایت‌های حکومتی امکان‌پذیر نبود.

هرچند در اواخر دوره بنی‌امیه، اقدامات محدودی در این راستا صورت گرفت، اما اقدام اساسی در این زمینه، مربوط به اوایل عصر عباسی است. از این اقدام، در منابع تاریخ تمدن اسلامی با عنوان «نهضت ترجمه» یاد شده است.

بیشترین مطالب ترجمه شده در عهد بنی‌امیه، اسناد اداری، دیوانی، سیاسی و بازرگانی بود. اما با آغاز خلافت عباسی و تثبیت آن، خلفایی همچون منصور، مهدی، هارون و مأمون عباسی، اقداماتی جدی در این باره انجام دادند. تلاش‌های منصور و مهدی عباسی، سرانجام به تأسیس مکانی به نام «بیت‌الحکمه» در عصر هارون عباسی منجر شد که اختصاص به جمع‌آوری و ترجمه کتاب‌های دیگر ملت‌ها داشت. ویژگی علم دوستی مأمون عباسی موجب شد آثار بسیاری از نقاط گوناگون به دستور او، به بغداد آورده و ترجمه شود. این حرکت، پس از مأمون، در دوره متوکل عباسی نیز ادامه یافت. از آن پس نیز کم و بیش، ترجمه آثار ادامه داشت اما هرگز

۱. «... فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ، أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْأُولَاءُ»؛ سوره زمر، آیات ۱۷ و ۱۸.

به روتق پیشین بازنگشت. دلیل بروز رکود در نهضت ترجمه، فقدان آثار قابل اعتنا برای ترجمه، و نیز روتق کتابخانه‌ها و علم‌آموزی در قلمرو فاطمیان در مصر، سامانیان و آل بویه در ایران و دولت‌های حاکم در اندلس بود. از مهم‌ترین مترجمان بیت‌الحکمه می‌توان از نوبخت‌منجم، عبدالله بن مقفع، ابویعقوب بن اسحاق کندی، حنین بن اسحاق و خاندان خوارزمی نام برد. آثار ترجمه شده نیز به رشته‌های گوناگون علمی همچون: پزشکی، هندسه و ریاضی، نجوم و هیئت، فلسفه و ادبیات مربوط بود. از مهم‌ترین آثار ترجمه شده می‌توان از کلیله و دمنه، اصول هندسه اقلیدس و کتاب‌های مشهور فلسفی حکمای یونان نام برد.

نقش تمدنی امامان شیعه علیهم‌السلام

نویسندگان کتاب‌های تاریخ تمدن، کمتر به نقش مهم امامان شیعه علیهم‌السلام در پیشبرد تمدن اسلامی توجه کرده‌اند؛ اما باید توجه داشت که هر چند امامان معصوم – به جز امیرمؤمنان علی علیه‌السلام و امام حسن علیه‌السلام در مدتی کوتاه – عهده‌دار حکومت نبودند، اما با اقدامات فرهنگی خود، نه تنها در میان شیعیان، که در مجموع جهان اسلام، اثرگذار شدند. آنان شاگردان زیادی تربیت کردند، احادیث فراوانی را بیان کردند، قرآن را به درستی تفسیر کردند، حتی عالمان و اندیشمندان غیر شیعی را تحت تأثیر تعالیم خود قرار دادند. تعالیم امامان شیعه، مسیر تمدن درست و مطلوب اسلامی را – که بر اساس توحید و عدالت باید بنا می‌شد – ترسیم می‌کرد. در این تعالیم، آموزه‌هایی از علوم دینی و علوم غیردینی تبیین می‌شد؛ علوم هم‌چون شیمی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه، حقوق، تفسیر، کلام، ادبیات، شعر و... در میان تعالیم امامان معصوم علیهم‌السلام آموزه‌هایی جالب درباره روابط و قوانین اجتماعی مطلوب اسلام به چشم می‌خورد.

پرسش‌های نمونه

- ۱ فرهنگ و تمدن را تعریف کنید.
- ۲ دوره‌های تمدن اسلامی را ذکر کنید.
- ۳ عوامل زمینه‌ساز پیدایش و شکوفایی تمدن اسلامی را بیان کنید.
- ۴ آموزه‌های فرهنگی – تمدنی قرآن و سنت چه نقشی در ایجاد و شکوفایی تمدن اسلامی داشت؟
- ۵ مراکز آموزشی در تمدن اسلامی را نام برده و یکی از آنها را توضیح دهید.

فرهنگ و تمدن اسلامی (۲)

گسترده شدن قلمرو اسلامی، موجب پدید آمدن تشکیلات سیاسی و سازمان‌های اداری و اجتماعی شد. در این درس، وضعیت این تشکیلات و سازمان‌ها و نیز جایگاه علوم، هنر و معماری در تمدن اسلامی بررسی و تحلیل خواهد شد.

سازمان و تشکیلات

۱ تشکیلات سیاسی

رسول خدا ﷺ پس از هجرت و استقرار در مدینه، به تشکیل حکومت اسلامی اقدام کرد. به تدریج با گسترش اسلام در جزیره العرب و افزایش شمار مسلمانان، اقتضا می‌کرد که تشکیلات لازم برای اداره حکومت اسلامی فراهم آید. این تشکیلات در عصر رسول خدا ﷺ بسیار ساده بود، ولی پس از آن حضرت، به تدریج رو به تکامل نهاد و نهادهای اداری در تمدن اسلامی شکل گرفت.

شیوه حاکمیت رسول خدا ﷺ کاملاً متفاوت از حاکمیت‌های متعارف در جهان آن روز بود. آن حضرت نه امپراتور بود و نه سلطان. اطاعت مردم از آن حضرت و ریاست او بر مناطق تحت سلطه حکومت اسلامی، با عنوان «رسول خدا ﷺ» بود که خداوند اطاعتش را بر مردم واجب کرده بود.^۱ اما پس از رسول خدا ﷺ، حاکمان اسلامی با لقب «خلیفه» حکومت می‌کردند؛ سپس عنوان «ملک» و «سلطان» نیز رایج شد. درباره دستیاران حکام نیز عنوان «وزیر» مطرح گشت.

الف) خلافت و سلطنت: واژه خلافت برگرفته از متون دینی است و در قرآن و سنت به کار رفته است. در قرآن کریم، حضرت هارون علی‌ه السلام به عنوان خلیفه^۲ و وزیر برادرش^۳ - حضرت موسی علی‌ه السلام - معرفی شده است. رسول خدا ﷺ نیز همواره، امیر مؤمنان علی علی‌ه السلام را به عنوان برادر، وصی، وزیر و خلیفه خود معرفی می‌کرد.^۴ پس از رحلت رسول خدا ﷺ، کسانی که عهده‌دار حکومت شدند، عنوان «خلیفه رسول الله» را بر خود نهادند، و این عنوان جایگاه معنوی خاصی را به حاکم می‌داد. معاویه پس از رسیدن به حکومت، روش زندگی‌اش را همچون پادشاهان قرار داد. از این رو، عنوان «ملک» نیز بر او، اطلاق شده است. در طول دوره حاکمیت بنی امیه و بنی عباس، عنوان «خلیفه» همواره برای فرمانروای تمامی قلمرو مسلمانان به کار می‌رفت و برای حاکمان مناطق تحت فرمان آنان، عناوین سلطان، ملک و... به کار می‌بردند. ب) وزارت: این واژه در قرآن و سنت به کار رفته و مقصود از آن، کسی است که حاکم را در امور حکومتی یاری می‌کند و طرف مشورت اوست. در قرآن کریم، هارون به عنوان وزیر حضرت موسی علی‌ه السلام معرفی شده، و رسول خدا ﷺ نیز، امیر مؤمنان علی علی‌ه السلام را

۱. در قرآن کریم، به آیات زیادی بر می‌خوریم که با تعبیر «اطيعوا الرسول»، مردم موظف به فرمان برداری از پیامبر خدا ﷺ شده‌اند؛ مثلاً: «سورة آل عمران، آيات ۳۲ و ۱۲۲؛ سورة نساء، آية ۵۹؛ سورة مائدة، آية ۹۲؛ سورة انفال، آيات ۱ و ۲۰ و ۴۶؛ سورة نور، آيات ۵۴ و ۵۶؛ سورة محمد، آية ۳۳.

۲. «وَ قَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي...»؛ سورة اعراف، آية ۱۴۲.

۳. «وَ اجْعَلْ لِي وَزيراً مِنْ أَهْلِ هَارُونَ أَخِي»؛ سورة طه، آيات ۲۹ و ۳۰.

۴. رسول خدا ﷺ در جریان يوم الانذار درباره امام علی علی‌ه السلام فرمود:

«این، برادر، وصی و خلیفه من در میان شماست» (طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۳۲۱-۳۲۰؛ همچنین رسول خدا ﷺ در آغاز بعثت به امام علی علی‌ه السلام فرمود: «تو پیامبر نیستی، ولی وزیر [من] هستی و در مسیر خیر قرار داری»؛ نهج البلاغه، خطبة ۱۹۲.

به عنوان وزیر خود معرفی می‌کرد. پس از رسول خدا ﷺ تا زمان عباسیان، این عنوان کاربرد نداشته است. در زمان عباسیان، قلمرو اسلامی گسترش یافت. از این رو، مقام وزارت پدید آمد تا خلیفه را در اداره قلمرو حاکمیتش یاری کند. نخستین وزیر بنی عباس، «ابوسلمه حفص بن سلیمان خلیل» بود. با خاندان ایرانی برمکیان، شکوه و جلال وزارت به اوج خود رسید.

وزارت در این دوران، بر دو گونه بود: وزارت تفویض و وزارت تنفیذ.

وزارت تفویض: در این نوع از وزارت، وزیر حق داشت در همه امور دخالت کند به جز سه امر: تعیین ولیعهد، برکنار کردن گماشتگان خلیفه، کناره‌گیری از وزارت بدون اذن خلیفه.

وزارت تنفیذ: در این نوع از وزارت، وزیر از خود، اختیاری نداشت و فقط امر خلیفه را اجرا می‌کرد. وی تنها، رابط بین مردم و خلیفه بود. درخواست‌های مردم را به خلیفه می‌رساند و فرمان‌های عزل یا نصب مأموران را به آنها ابلاغ می‌کرد. خلیفه می‌توانست دو وزیر تنفیذ، یکی رابط در امور مالی، و دیگری در امور نظامی داشته باشد؛ اما وزیر تفویض، یکی بیشتر نبود.

۲ سازمان‌های اداری و اجتماعی

پیش‌تر اشاره شد که در زمان رسول خدا ﷺ، نهادهای اداری حکومت اسلامی، بسیار ساده بود و رفته‌رفته پیچیده‌تر شد. بخش‌هایی که عهده‌دار انجام امور اداری حکومت‌های پس از رسول خدا ﷺ بودند با عنوان «دیوان» شناخته می‌شدند. این واژه، نخست، برای ثبت نام سربازان به کار رفت و پس از آن، بر هر نوع ثبت‌نامی اطلاق شد. تأسیس دیوان در تمدن اسلامی به عصر خلیفه دوم - عمر بن خطاب - باز می‌گردد. در عصر رسول خدا ﷺ نیز محاسبات مربوط به شماره سربازان و مقدار بیت‌المال وجود داشت، اما گسترش قلمرو اسلامی و انجام فتوحات، چنین اقتضا می‌کرد که دفاتر مخصوصی برای ثبت اسامی سپاهیان فراهم شود. در فاصله سال‌های ۱۵ تا ۲۰ ق اولین دیوان، یعنی دیوان جُند تأسیس شد. رفته‌رفته، دیوان‌های دیگری نیز پدید آمد. مهم‌ترین دیوان‌هایی که در قرون نخستین تأسیس شدند، عبارت‌اند از:

دیوان جُند: وظیفه این دیوان، سرشماری و تهیه فهرستی از نام کسانی بود که در جنگ‌ها شرکت می‌کردند تا بتوانند سهم هر یک را از بیت‌المال معین سازند. از این دیوان با عنوان «دیوان جیش» نیز یاد شده است و بعدها وظایف دیگری نیز همچون سرپرستی امور لشکری مسلمانان و تهیه آمار کشته‌ها و زخمی‌ها برای آن مقرر شد. سرپرست این دیوان، «ناظر الجیش» نامیده می‌شد.

دیوان خراج یا استیفا: خراج، مالیاتی بود که از زمین‌های کشاورزی گرفته می‌شد. در این دیوان، مقدار خراج مربوط به هر قطعه زمین - بر اساس مساحت و میزان مرغوبیت آن - ثبت می‌شد. همچنین، ارسال خراج دریافتی به مرکز خلافت و چگونگی تقسیم آن بین مسلمانان، از وظایف دیگر این دیوان بود.

روش‌های جمع‌آوری خراج

خراج از سه روش: مساحت، مقاسمه و مقاطعه جمع‌آوری می‌شد. این روش‌ها در سده‌های نخستین هجری شناخته و تاکنون به کار برده شده‌اند.^۱ در روش مساحت، بر اساس ابعاد زمین، مالیات اخذ می‌شد. در روش مقاسمه، به میزان محصول توجه می‌شد؛ و بالاخره، در روش مقاطعه، بدون توجه به مقدار زمین یا محصول، افراد باید هر ساله میزان معینی به صورت نقدی یا جنسی می‌پرداختند. گفتنی است امیر مؤمنان علی علیه السلام در یکی از خطبه‌هایش^۲، آرزو کرده بود که بتواند روش‌های غیر عادلانه‌ای - همچون روش مساحت - را که تا زمان خلافت آن حضرت رایج شده بود، از میان بردارد، زیرا روش عادلانه، اخذ مالیات، مطابق با محصول به دست آمده است و نه مقدار زمین.

۱. بنگرید به: ولایتی، علی‌اکبر، بویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۲، ص ۱۳۴.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۸، ص ۵۸، ح ۲۱.



فرمانی از شاه اسماعیل صفوی

دیوان بیت‌المال: این دیوان محل نگهداری و ثبت اموالی بود که با عنوان خراج، غنیمت جنگی و دیگر درآمدهای دولت اسلامی به مرکز فرستاده می‌شد. پیشینه آن به عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله بازمی‌گردد و در زمان خلیفه دوم، مکان مشخصی در کنار مسجد نبوی در مدینه، برای این منظور در نظر گرفته شد و نگهدارانی نیز برای حفاظت از آن معین شدند. به مرور زمان، این دیوان، به یکی از مهم‌ترین نهادهای مالی حکومت اسلامی تبدیل شد. اموال بیت‌المال، باید صرف نیازمندی‌های مردم و بالابردن سطح زندگی مسلمانان، تأمین حقوق رزمندگان، تهیه اسلحه، آزادسازی اسیران مسلمان و مانند آن می‌شد.

دیوان برید: وظیفه این دیوان، خبررسانی، انتقال فرمان‌های حکومتی، و جمع‌آوری اخبار از نقاط مختلف و ارسال آنها به مرکز خلافت بود. این دیوان، به مرور زمان، نقش جاسوسی و امنیتی نیز پیدا کرد. دولت‌های اسلامی، همچنین، برای تسریع در امر خبررسانی، اقدام به ساخت شبکه گسترده‌ای از راه‌ها و برپایی کاروان‌سراهای بین راه کردند. در این کاروان‌سراها، آسبان تازه‌نفسی برای تعویض با آسبان خسته پیک‌ها، نگهداری می‌شد.

دیوان انشا: نام دیگرش، دیوان رسائل یا دیوان ترسل بود. مهم‌ترین وظیفه این دیوان، نگارش، تنظیم و ارسال نامه‌های حکومتی – به ویژه فرمان‌های خلیفه – به سراسر قلمرو اسلامی بود. پیشینه این دیوان، به عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله بازمی‌گردد؛ چرا که آن حضرت نیز اقدام به ارسال پیک‌هایی به نقاط مختلف کرد.

دیوان مظالم: وظیفه این دیوان، رسیدگی به شکایات طرح شده از سوی مردم بود. عالی‌ترین مرتبه در این دیوان، «قاضی القضاة» بود و در مراتب پایین‌تر «قاضی»‌هایی در خدمت این دیوان بودند. امروزه دادگستری و قوه قضائیه جایگزین این دیوان شده است. دیوان حسبه: نهادی نظارتی بوده که از دوره مهدی عباسی (۱۶۹-۱۵۸ ق.) تأسیس شد و کسی که در رأس آن بود را «محتسب» می‌نامیدند. وی باید شرایطی همچون عدالت، اجتهاد و مرد بودن را دارا می‌بود. وظایف او نیز عبارت بود از:

۱ نظارت بر امور بازار و مشاغل؛

۲ نظارت بر قیمت‌ها و درستی ترازوها؛

۳ نظارت بر امور مربوط به راه‌ها و ساختمان‌ها؛

۴ نظارت بر اخلاق عمومی و اجرای عبادات.

گفتنی است، هرچند این نهاد به شکل رسمی از زمان مهدی عباسی پدید آمد اما در حکومت کوتاه امیرمؤمنان علی علیه السلام، آن حضرت راه‌هایی برای نظارت بر امور فرهنگی و اقتصادی و حکومتی قرار داده بود.

آیا می‌توانید معادل و مشابه دیوان‌های حکومتی در تمدن اسلامی را در دستگاه‌های اداری امروزی بیابید؟

۳ علوم، هنر و معماری



کرهٔ برنجی ساخت بدر بن موسیٰ بدیع‌الزمان، سال ۵۳۵ قمری



نخستین تقویم دنده‌دار که توسط یکی از نوایغ دانشمندان ایرانی به نام محمد بن ابی‌بکر بن راشد ابری اصفهانی در حدود سال ۶۰۰ شمسی در اصفهان ساخته شد.

پیدایش و رشد تمدن اسلامی عرصه‌ای برای شکوفایی علوم در رشته‌ها و شاخه‌های گوناگون شد؛ و نیز زمینه‌ای مناسب برای بروز جلوه‌های زیبای هنری فراهم آمد. یکی از تقسیم‌بندی‌های رایج برای علوم در قلمرو تمدن اسلامی، تقسیم آن به علوم دینی و غیر دینی است. مراد از علوم غیر دینی، دانش‌هایی است که پیدایش آنها ارتباط مستقیم به معارف دینی ندارد (نظیر فیزیک یا طب)، برخلاف علوم دینی که پیدایش آنها جز از ناحیهٔ معارف دینی امکان‌پذیر نیست (نظیر تفسیر یا حدیث). در اینجا با وضعیت برخی از این علوم در تمدن اسلامی آشنا می‌شوید.

ریاضیات: در نهضت ترجمه، آثار بسیاری در موضوع ریاضیات، به عربی ترجمه شد و ریاضی‌دانان مسلمان، این دانسته‌ها را دست‌مایهٔ پیشرفت‌های علمی خود کردند. مهم‌ترین اثر ریاضی که ترجمه شد، کتاب اصول هندسه، نوشتهٔ اقلیدس بود. نقش مهم مسلمانان در عرصهٔ ریاضی، تلفیق آموخته‌های ریاضی یونان و هند و ابداع روش‌هایی تازه بود که بعدها به اروپا صادر شد. محمد بن موسیٰ خوارزمی و غیاث‌الدین جمشید کاشانی مشهورترین ریاضی‌دانان مسلمان هستند.

نجوم: این علم، نزد مسلمانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود؛ زیرا تفکر و تدبر در آسمان‌ها و ستارگان، برای پی بردن به عظمت خالق هستی، در آیات و روایات، مورد تأکید قرار گرفته است. ترجمهٔ نوشته‌های بطلمیوس کمک زیادی به افزایش دانش مسلمانان کرد؛ اما آنان نقدهایی را نیز متوجه آن کردند؛ از جمله نظریهٔ «زمین مرکزی» بطلمیوس که توسط دانشمندانی همچون خواجه نصیرالدین طوسی رد شد. از دیگر منجمان مسلمان می‌توان از ابن هیثم، خوارزمی و بنو صباح نام برد.

فیزیک و مکانیک: دانش فیزیک و مکانیک نزد مسلمانان به «علم الحیل» یعنی دانش ساخت ابزارهای مهندسی معروف بود. پیش‌تر، مصریان و رومیان، در علم مکانیک،

پیشرفت‌های بسیاری کرده بودند، اما سهم یونانیان بیشتر بود. پس از آغاز نهضت ترجمه، مهندسان زبردستی در قلمرو اسلامی پدیدار شدند که نخستین و معروف‌ترینشان، سه برادر به نام‌های احمد، محمد و حسن – فرزندان موسیٰ بن شاکر – بودند. کتاب الحیل، تألیف آنهاست که نخستین اثر تدوین شده در جهان اسلام در زمینهٔ مکانیک به شمار می‌رود. از دیگر چهره‌های بارز در علم فیزیک و مکانیک، می‌توان به بدیع‌الزمان جرّی، ابو عبدالله قرطبی، ابو الفتح خازنی و محمد بن احمد بیرونی اشاره کرد.

شیمی: پیش از پدید آمدن علم شیمی، علم کیمیا رواج داشت. دانش کیمیا وسیله‌ای برای تبدیل فلزات پست؛ همچون مس و آهن، به طلا بود. شیمی‌دانان مسلمان، علم کیمیا را از شکل مخفی و خرافی خارج کرده و شکل تجربی و آزمایشگاهی به آن دادند و به پیشرفت دانش



منجمان مسلمان اندلس

شیمی کمک شایانی کردند. از معروف‌ترین شیمی‌دانان مسلمان، می‌توان به جابر بن حیان – از شیعیان و اصحاب امام صادق علیه السلام – و محمد بن زکریای رازی اشاره کرد. مهم‌ترین اثر رازی در این زمینه، کتاب سزّالاسرار است.

طب: این دانش، در اسلام جایگاه ممتازی دارد، به گونه‌ای که علم ابدان، هم‌ردیف علم ادیان آمده است. مسلمانان به زودی توانستند آموخته‌های پزشکی خود از دیگر ملت‌ها را بومی‌سازی کرده و رشد و توسعه دهند؛ زیرا شرایط موجود در کشورهای اسلامی، گاه اختصاص به این سرزمین‌ها داشت و در کتاب‌های یونانی و غیر آن نیامده بود. از معروف‌ترین پزشکان در قلمرو تمدن اسلامی، می‌توان به محمد بن زکریای رازی و ابوعلی سینا اشاره کرد که به ترتیب، آثار بسیار ارزشمندی همچون الحاوی و قانون را تألیف کردند.

یک توفیق

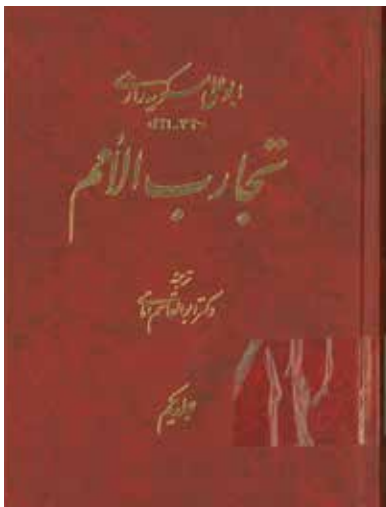
در مجموعه‌های حدیثی، به روایات بسیاری بر می‌خوریم که در زمینه طب و علوم پزشکی، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام نقل شده است. کتاب‌های متعددی نیز با عناوین طب النبی صلی الله علیه و آله و سلم، طب الائمة علیهم السلام و طب الرضا علیه السلام تدوین شده که بعضی از آنها هم‌اکنون نیز موجود است. هر چند نمی‌توان تمامی روایات نقل شده در این زمینه را دارای سند صحیح دانست، اما در مجموع، اهتمام مسلمانان به عمل بر طبق روایات معتبر طبّی و بهداشتی معصومین علیهم السلام می‌تواند نقش خوبی در تأمین سلامت جسمی آنان داشته باشد.

فلسفه: این علم به بررسی مسائل مربوط به وجود و هستی می‌پردازد. در تمدن اسلامی، ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی (۲۶۰-۱۸۵ ق.) را باید اولین فیلسوف مسلمان دانست. از این‌رو، او را «فیلسوف العرب» نامیدند. وی آثاری در موضوع فلسفه به عربی ترجمه کرد. محمد بن زکریای رازی و سپس ابونصر فارابی، از دیگر فلاسفه مشهور مسلمان‌اند. فارابی به علت نقش علمی بزرگش، به «معلم ثانی» نیز معروف شده است.^۱

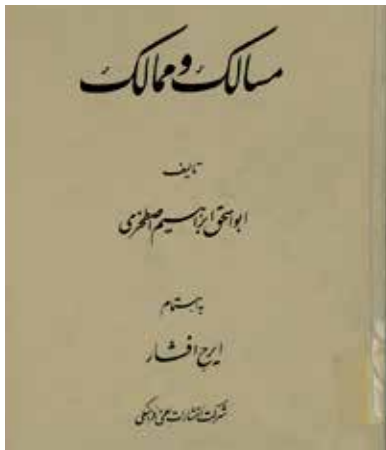
ابن سینا نیز بزرگ‌ترین فیلسوف عصر خود بود.

منطق: هدف از این علم، آموختن شیوه‌های صحیح فکر کردن و نیل به نتایج درست است. پیش از اسلام، فلاسفه یونان در این علم پیشتاز بودند. پس از نهضت ترجمه، مسلمانان با آثار یونانی‌ها – به ویژه با آثار منطقی ارسطو – آشنا شدند؛ دانشمندان مسلمان تلاش کردند نسبت به منطق ارسطویی، نگاه نقادانه داشته و آن را کمال بخشند. از مهم‌ترین دانشمندان اسلامی در علم منطق می‌توان به کندی، فارابی، ابن سینا و شاگردش بهمنیار، خواجه نصیرالدین طوسی و ملاصدرا اشاره کرد.

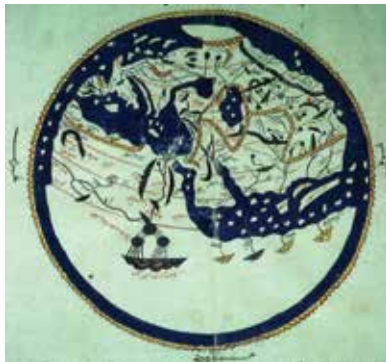
تاریخ: دانش تاریخ، نزد عرب‌های عصر جاهلی در شکل ساده‌ی نقلیات شفاهی مربوط به جنگ‌ها و حوادث مهم بود و آنان، اثر مکتوبی در این باره نداشتند. پس از ظهور اسلام، مسلمانان بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت، اهتمام جدی نسبت به علم تاریخ نشان دادند؛ زیرا تاریخ، نقش عبرت‌آموزی و تربیتی دارد. به سبب آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در قرآن



۱. ارسطو را معلم اول گفته‌اند.



به عنوان اسوه و الگو معرفی شده^۱، اولین آثار تاریخی مسلمانان در موضوع زندگی و سیره رسول خدا ﷺ تدوین شد. تاریخ‌نگاری مسلمانان رفته‌رفته، در اشکال متنوعی بروز یافت که از مهم‌ترین آنها به اشکال سال‌شماری، شرح حال‌نگاری، طبقات‌نگاری، نسب‌شناسی و تاریخ‌نگاری شهرها می‌توان اشاره کرد. از معروف‌ترین مورخان می‌توان از ابن اسحاق، یعقوبی، طبری، مسعودی، شیخ مفید و ابن مسکویه نام برد.



نقشه جغرافیایی طراحی شده توسط جغرافی دانان مسلمان

جغرافیا: در این دانش نیز مسلمانان با ترجمه آثار یونانی، ایرانی و هندی اقدامات خوبی در گسترش و تکامل آن انجام دادند. دوره شکوفایی و بالندگی این دانش در تمدن اسلامی، از سده سوم هجری آغاز شد که مسلمانان پس از ترجمه آثاری همچون کتاب‌های بطلمیوس، خودشان به تألیف کتاب‌هایی اقدام کردند. از مهم‌ترین این آثار می‌توان به حدود العالم، البلدان یعقوبی، المسالک و الممالک ابن خردادبه و اصطخری اشاره کرد.

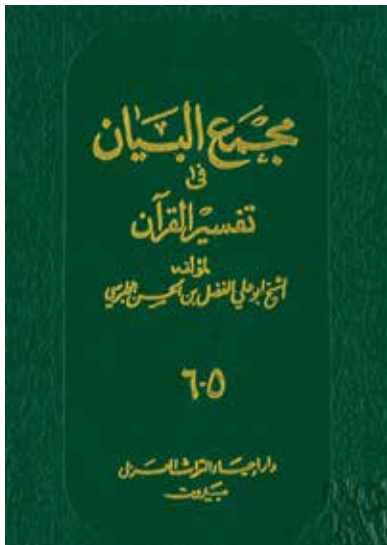
ادبیات: پیش از ظهور اسلام، عرب جاهلی، در زمینه شعر و ادبیات، تبحر زیادی داشت. پس از اسلام، والایی‌های ادبی قرآن موجب بالندگی هر چه بیشتر ادبیات عرب شد. شعرای برجسته‌ای همچون حسّان بن ثابت، اشعار بلندی سرودند. سپس خطبه‌های امیر مؤمنان علی علیه السلام - که بخشی از آنها در نهج البلاغه گرد آمده - تأثیر عمیقی در پیشرفت این علم بر جای نهاد. امامان معصوم علیهم السلام نیز شاعران برجسته‌ای همچون کُمیت اسدی، سید حمیری و دعبل خزاعی را مورد تشویق قرار می‌دادند. اینها همه، آغازی بود بر خلق آثاری فاخر در قالب نظم و نثر که به زبان عربی و فارسی و ترکی در طول سده‌های بعد از ظهور اسلام پدید آمدند.

قرائت: علم قرائت، از کهن‌ترین علوم اسلامی است و پایه‌گذار آن، شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله، مهم‌ترین شخصیت در این دانش، امام علی علیه السلام است که تمامی قرآن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرا گرفته بود. مسلمانان بعدها درباره چگونگی تلفظ برخی کلمات قرآن، دچار اختلافات جزئی شدند، اما همه دانشمندان مسلمان امروزه اتفاق نظر دارند که معتبرترین روایت درباره قرائت قرآن، همان قرائتی است که از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل شده است.^۲ این علم به مرور، پیشرفت‌های زیادی کرد و آثار فراوانی توسط شیعه و اهل سنت در این موضوع تدوین شد.

مهم‌ترین و مشهورترین قرائت متعلق به یکی از شاگردان امام علی علیه السلام به نام ابو عبد الرحمن سلمی است. وی آموخته‌هایش از آن حضرت را به شاگردانش تعلیم داد.

۱. سوره احزاب، آیه ۲۱.

۲. این قرائت را یکی از قاریان معروف قرن دوم هجری، به نام حفص، از استادش - عاصم - و او از استادش ابو عبد الرحمن سلمی، و او از استادش - امیر مؤمنان علی علیه السلام - نقل کرده است.



تفسیر: این علم ریشه در عصر رسول خدا ﷺ دارد و اولین و بالاترین مفسر قرآن خود آن حضرت بوده است. پس از رسول خدا ﷺ مفسران حقیقی کلام وحی، اهل بیت معصوم پیامبر خدا ﷺ بودند. پیدایش آثار مکتوب در این زمینه، به قرن دوم هجری باز می‌گردد؛ زیرا منع خلیفه دوم - عمر بن خطاب - از نگارش و نقل احادیث نبوی موجب شد در طول قرن اول، نوشته‌های قابل اعتنایی در این باره پدید نیاید. مهم‌ترین گام‌ها در علم تفسیر را اهل بیت معصوم پیامبر ﷺ برداشتند؛ زیرا آنان آیات را به درستی تفسیر می‌کردند و حتی دانشمندان اهل سنت نیز خود را نیازمند شاگردی اهل بیت ﷺ می‌دیدند. عبدالله بن عباس و ابو حمزه ثمالی از معروف‌ترین شاگردان ائمه ﷺ در علم تفسیر به‌شمار می‌روند. از مهم‌ترین تفاسیر موجود شیعی به تفسیر قمی، تفسیر عیاشی، تفسیر طوسی، تفسیر مجمع البیان طبرسی و از تفاسیر غیر شیعی به تفسیر طبری، تفسیر مفاتیح الغیب فخر رازی و تفسیر الدر المنثور سیوطی می‌توان اشاره کرد.

حدیث: در این دانش، سخنان و رفتارهای رسول خدا ﷺ و امامان معصوم ﷺ، و در مرتبه بعد، سخنان اصحاب و نیز وقایع تاریخی گزارش می‌شود. بر اثر ممانعت دومین خلیفه، در سده اول هجری تدوین حدیث به شکل جدی انجام نشد. اما از همان زمان، با تلاش امامان شیعه ﷺ و شاگردان آنان، برخی از آثار حدیثی تدوین شد. نخستین کتاب حدیثی را امیرالمؤمنین علی ﷺ با املاي رسول خدا ﷺ کتابت کرد. از سده دوم به بعد، تلاش‌هایی درخور در این باره صورت گرفت که حاصل آنها پدید آمدن مجموعه‌های ارزشمندی بود. در میان شیعیان، از مهم‌ترین آثار حدیثی، کُتُب اربعه، و در میان اهل سنت، صحاح سته بود.

فقه: در این دانش، تکالیف شرعی انسان‌ها نسبت به امور واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح مورد بحث قرار می‌گیرد. شیعیان معتقدند پس از رسول خدا ﷺ، این اهل بیت معصوم آن حضرت بودند که حق بیان کردن تکالیف شرعی را داشتند. از این رو، آنان بر اساس احادیثی که از پیامبر اسلام ﷺ و معصومین ﷺ در این باره نقل شده بود، کتاب‌های زیادی در علم فقه تدوین کردند که از مهم‌ترین آنها، علاوه بر کتب اربعه، می‌توان به کتاب المقنع از شیخ صدوق و المقنعه از شیخ مفید و الخلاف از شیخ طوسی اشاره کرد. اما اهل سنت بر اساس روایاتی که به واسطه صحابه رسول خدا ﷺ نقل شده، دانش فقه را پایه‌ریزی کرده و کتاب‌های متعددی تدوین کردند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کتاب الموطأ از مالک بن انس، کتاب الخراج از قاضی ابویوسف، و کتاب مسند احمد بن حنبل اشاره کرد. اصول فقه: در این دانش، معیارها و اصول و ضوابط دستیابی به تکالیف شرعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین، دانش اصول فقه، ابزار و وسیله‌ای در خدمت علم فقه است. مبادی و پایه‌های اصلی این دانش را امام باقر ﷺ و امام صادق ﷺ پی‌ریزی کردند و در ادامه، دانشمندی همچون هشام بن حکم - از اصحاب امام صادق ﷺ - و شیخ مفید و شیخ طوسی و علامه حلی و در دوران متأخرتر شیخ انصاری به پیشرفت و توسعه این دانش، کمک‌های شایانی کردند.

کلام: در این دانش، مسائل اعتقادی همچون وجود و صفات خداوند - همچون توحید او - و نبوت، امامت و معاد مورد بحث قرار می‌گیرد. این دانش، به علم کلام معروف شد؛ زیرا یکی از مباحث مهم آن، بحث درباره کلام خداوند بوده که در قالب قرآن به بشریت رسیده است. در میان اصحاب امامان معصوم، دانشمندان برجسته‌ای در علم کلام؛ کسانی همچون هشام بن حکم، هشام بن سالم و یونس بن عبدالرحمان پدید آمدند. در سده‌های بعد نیز از کسانی همچون ابوسهل نوبختی، شیخ مفید، سید مرتضی و خواجه نصیر طوسی می‌توان نام برد. از دانشمندان اهل سنت نیز به حسن بصری ابوالحسن اشعری، ابو حامد غزالی و شهرستانی می‌توان اشاره کرد. کتاب «اوائل المقالات» شیخ مفید و کتاب «تجريد الاعتقاد» خواجه نصیرالدین طوسی از مهم‌ترین آثار کلامی شیعی به‌شمار می‌روند.

۱. کتاب‌های چهارگانه کافی از کلینی، من لا یحضره الفقیه از شیخ صدوق، تهذیب الاحکام و الاستبصار از شیخ طوسی.



نسخه خطی اسلامی

تصوف و عرفان: از همان سدهٔ اول هجری کسانی در میان مسلمانان پیدا شدند که تمایل به زهد و ساده‌زیستی و ترک دنیا داشتند. در سده‌های بعد آثاری دربارهٔ راه و روش صوفیان و عارفان و معرفی شخصیت‌های برجستهٔ صوفی و عارف تدوین شد که می‌توان از کتاب‌های منازل السائرین از خواجه عبدالله انصاری، و تهذیب الاسرار از خرگوشی نیشابوری و کیمیای سعادت از ابو حامد غزالی و عوارف المعارف از شهاب الدین سهروردی نام برد.



کاشی‌کاری محراب مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان، دورهٔ صفوی

هنر و معماری: هنر نیز مورد توجه مسلمانان بود و هنر اسلامی به تدریج رو به تکامل نهاد. عرب‌های جاهلی، از جلوه‌های هنری، بیشتر در شعر و خطابه دست داشتند؛ اما ملت‌های مجاورشان – همچون ایران، هند، روم و یمن – دارای پیشینهٔ کهن‌تری در هنر و معماری بودند. بدین لحاظ، پس از انجام فتوحات، عرب‌های مسلمان، با جلوه‌های متنوع هنری آشنا شدند و از آن پس، مسلمانان توانستند در خلق آثار هنری، میان هنر شرقی و هنر غربی تلفیق ایجاد کنند. تلاش اصلی و دائمی هنرمندان اصیل مسلمان آن بود که هنر را وسیله‌ای برای بیان فرهنگ اسلامی قرار دهند.

هنر اسلامی، در گونه‌های متنوعی همچون: خوشنویسی، کاشی‌کاری، آینه‌کاری، گچ‌بری، نقاشی، قالی‌بافی، کوزه‌گری، خاتم‌کاری و... جلوه کرده است.

از انواع جلوه‌های هنر اسلامی، معماری نمود برجسته و ماندگارتری داشته است به گونه‌ای که بعضی از آثار زیبای معماری، پس از گذشت بیش از هزار سال، هنوز پابرجا هستند. معماری اسلامی، عمدتاً در مساجد، قصرها و بازارها، و سپس در بقعه‌ها و آرامگاه‌ها و نیز ساخت شهرهای اسلامی، خود را نشان داده است. از برجسته‌ترین نمونه‌های معماری اسلامی به این موارد می‌توان اشاره کرد: مسجد النبی در مدینه، مسجد الحرام در مکه، مسجد جامع دمشق، کاخ هشام بن عبدالملک در نزدیکی اریحا، مسجد جامع قرطبه، مدینه‌الزهراء در نزدیکی قرطبه، سوق القنادیل در قاهره، قبه الصخره در بیت المقدس، مسجد جامع اصفهان و گنبد سلطانیه.



رحل قرآن کریم، ساختهٔ حسن بن سلیمان اصفهانی، قرن ۸ ق.



مینیا تور اصحاب کھف اثر آقارضا اصفهانی (دوره صفوی)



عودساز - ایران (قرن ۶ ق. عهد سلجوقی)



پارچ نقره کوب با تزیینات نقره بر روی برنج - ایران (قرن ۶ و ۷ ق)



شمعدان برنجی (دوره صفویه)



مسجد موتی (آگرا هندوستان، قرن ۱۵ میلادی)



قالی با نقش شکارگاه (ایران - قرن ۱۰ ق)



بخشی از یک قالی ابریشمی ایرانی (هرات - قرن ۱۰ ق)



گنبد سلطانیه در نزدیکی زنجان

خاندان بنی موسی

«بنی موسی» عنوانی است برای سه برادر با نام‌های محمد، احمد و حسن، فرزندان موسی بن شاکر خراسانی، که از آنان گاه با عنوان بنی شاکر نیز نام برده می‌شود. موسی بن شاکر جزء ملازمان مأمون بود که همراه او به بغداد آمد و به هندسه و نجوم پرداخت و از منجمان دربار مأمون شد. پس از مرگ او، فرزندان او با دانشمندان بغداد مانوس شدند. آنان ثروت سرشار خود را صرف گردآوری نسخه‌های خطی یونانی و ترجمه آنها به زبان عربی کردند. آنان همچنین، مترجمان برجسته‌ای مثل حُئین بن اسحاق و ثابت بن قُزه را در استخدام خود داشتند. این برادران، علاوه بر ترجمه آثار یونانی، تحقیقات نفیسی را در ریاضیات، نجوم و مکانیک انجام دادند، ولی از آنجا که معمولاً به صورت گروهی کار می‌کردند تشخیص آثار شخصی هر یک از آنان مقدور نیست؛ اما گفته‌اند که محمد، اطلاعات وسیعی داشته، حسن در ریاضیات و احمد در مکانیک و مسائل فنی تبخّر بیشتری داشته است. به هر حال، این سه برادر نقش بسیار مهمی در شکوفایی تمدن اسلامی در قرن سوم هجری داشته‌اند و آوازه علمی آنان به اروپا نیز رسیده است. آثار بسیاری توسط آنان، ترجمه و تألیف شد که مهم‌ترین اثر باقی مانده از آنان، کتاب الحِیَل است. در این کتاب که نخستین اثر مدوّن شناخته شده در علم مکانیک در جهان اسلام به شمار می‌رود، یک صد دستگاه شرح داده شده است که بیشتر آنها به صورت خودکار و با استفاده از خواص مکانیکی سیالات کار می‌کرده‌اند، این وسایل، شامل انواع فواره‌های خودکار، ساعت‌های آبی، انواع بالابرها، آب و چرخ‌های چاه، آفتابه‌های خودکار و وسایلی مانند اینها هستند. این برادران، پانصدسال جلوتر از اروپاییان، برای نخستین بار، میل لنگ را در حوزه دانش‌های فنی به کار برده‌اند.^۱

پرسش‌های نمونه

- ۱ پیشینه واژه خلافت در قرآن و سنت نبوی را بیان کنید.
- ۲ تبدیل خلافت به سلطنت توسط چه کسی به وقوع پیوست؟
- ۳ وزارت تفویض و وزارت تنفیذ را تعریف و تفاوت آنها را بیان کنید.
- ۴ کارکرد دیوان‌های جُند و استیفاء را شرح دهید.
- ۵ تفاوت و تمایز علوم دینی از غیر دینی را در تمدن اسلامی توضیح دهید.
- ۶ جایگاه هنر و معماری در تمدن اسلامی را به طور کوتاه توضیح دهید.

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره بنی موسی، بنگرید به: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، ص ۶۹۹ - ۶۸۶؛ دایرةالمعارف مصاحب، ج ۱، ص ۴۵۵؛ ولایتی، بویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۱، ص ۱۹۲ - ۱۸۹.

فرهنگ و تمدن اسلامی (۳)

فرهنگ و تمدن اسلامی در دوران با شکوه خود توانست به کشورهای اروپایی نفوذ کند و آنجا را تحت تأثیر قرار دهد. این پدیده، عواملی داشت که در این درس گفته خواهد شد. از دیگر موضوعات این درس، بیان علل رکود تمدن اسلامی، پس از رشد و شکوفایی است؛ همچنین عوامل رشد و خیزش مجدد تمدن اسلامی، پس از دوره رکود نیز بیان خواهد شد.

تأثیر و نفوذ تمدن اسلامی در اروپا

بی تردید، اروپاییان مدیون پیشرفت‌های تمدنی مسلمانان در سده‌های اولیه اند. آنان خود به این حقیقت انکارناپذیر، آگاه و معترف اند. این تأثیرگذاری، ناشی از زمینه‌ها و عواملی بود که عرصه را برای انتقال دستاوردهای تمدنی اسلام به اروپا آماده و مهیا می‌ساخت و عبارت‌اند از:

۱. انحطاط فرهنگی و تمدنی اروپاییان: اروپای معاصر با ظهور اسلام، به عللی، دچار انحطاط فرهنگی و عقب ماندگی تمدنی بود؛ عللی همچون: اختلافات طبقاتی و شکاف عمیق میان فقیران و ثروتمندان، وجود نظام برده‌داری و نژادپرستی، رفتارهای غیر انسانی اشراف در برخورد با بردگان و فرودستان – همچون درگیر کردن گلابیاتورها^۱ با هم، برای تفریح اشراف –، همراهی رهبران کلیسا با طبقات اشراف و نیز مقابله آنان با نوآوری‌های علمی دانشمندان، به بهانه پایبندی به تعالیم کتاب مقدس مسیحیان؛ زیرا بر اساس اعتقادات رهبران کلیسا، در صورت تعارض آموزه‌های کتاب مقدس با عقل و علم، آنچه مقدم می‌شد کتاب مقدس بود. این در حالی است که قرآن کریم، کتاب مقدس مسیحیان را تحریف شده معرفی کرده است.
۲. پویایی و اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی: از آنجا که پشتوانه فرهنگی و تمدنی مسلمانان، کتاب آسمانی قرآن و آموزه‌های دینی رسول خدا ﷺ بود و هیچ یک – بر خلاف مسیحیت – مخالفتی با عقل و علم نداشت، بنابراین، مسلمانان توانستند در مدت کوتاهی به پیشرفت‌های شگفتی دست یابند. اروپاییان نیز که محتوای آموزه‌های دین اسلام را برتر از تعالیم کلیسا می‌یافتند، به مرور، علاوه بر تأثیرپذیری دینی از مسلمانان^۲، در پیشرفت‌های تمدنی نیز به این سو روی آوردند.

۱. گلابیاتورها، بردگان و زندانیانی بودند که در آمفی تئاترها، برای تفریح طبقه اشراف، دو به دو وادار به جنگ با یکدیگر می‌شدند و معمولاً طرف مغلوب، کشته می‌شد (دایرةالمعارف مصاحب، ج ۲، ص ۲۴۰).

۲. به عنوان مثال، الیپندوس – اسقف شهر طلیطله در اسپانیا – تحت تأثیر عقاید اسلامی، خدا بودن حضرت عیسی (ع) را انکار کرد و گفت: عیسی (ع) بشر و فرزند خوانده خداست.

۳ فتح اندلس و جنگ‌های صلیبی: رخداد فتح اندلس و تشکیل حکومت مسلمانان در آنجا به مدت چند سده، و نیز حملات مسیحیان به قلمرو اسلامی در جنگ‌های صلیبی^۱، زمینه‌آشنایی هر چه بیشتر مسیحیان اروپا با مسلمانان و پیشرفت‌های علمی و تمدنی آنان را فراهم ساخت. سخن مونتگمری وات در این باره چنین است:

«از نظر فرهنگی، جنگجویان مسیحی در شرق، برخی از جنبه‌های زندگی اسلامی را تجربه و سعی کردند هنگامی که به اروپا بازگشتند از آن تبعیت نمایند و تعداد کمی از کتاب‌های عربی نیز در مناطق مسیحی نشین به لاتین ترجمه شد»^۲.

۴ مهاجرت‌ها و روابط تجاری مسلمانان و مسیحیان: مهاجرت مسلمانان به سرزمین‌های مسیحی نشین از همان آغاز ظهور اسلام، با هجرت جعفر بن ابی طالب و بیش از ۱۰۰ مسلمان به حبشه آغاز شد. با گسترش قلمرو اسلامی و فتح مناطق تحت قلمرو رومیان – همچون سرزمین شام – روابط مسلمانان و مسیحیان گسترده‌تر شد. فتح اندلس نیز بر دامنه این روابط افزود؛ و در نتیجه، این مهاجرت‌ها و روابط متقابل تجاری، زمینه خوبی را برای انتقال فرهنگ اسلامی و تجربیات تمدنی به اروپا فراهم ساخت.

۵ ترجمه آثار اسلامی به زبان‌های اروپایی: در درس‌های پیشین خواندید که در جریان نهضت ترجمه، بسیاری از آثار غربیان به عربی ترجمه شد. اما پس از گذشت چند سده، این اروپاییان بودند که خود را نیازمند ترجمه آثار مسلمانان به زبان‌های خودشان می‌دیدند؛ زیرا:

الف) پیشرفت‌های علمی و فرهنگی مسلمانان موجب رغبت اروپاییان به ترجمه این آثار شد.

ب) دانشمندان مسیحی اکنون، خود را از ترجمه آثار دانشمندان یونانی عاجز می‌دیدند؛ زیرا میان آنان و زبان اصلی این کتاب‌ها فاصله افتاده بود؛ از این رو، ناچار بودند از ترجمه‌های عربی این آثار استفاده کنند.

عرصه‌های تأثیرپذیری اروپاییان از تمدن اسلامی

تعیین دقیق میزان و چگونگی ورود و نفوذ فرهنگ و تمدن اسلامی به اروپا امکان‌پذیر نیست؛ زیرا این رخداد به صورت تدریجی، طی چند سده انجام یافته است. اما شاید بتوان بعضی از عرصه‌های علمی و تمدنی که به صورت محسوس به اروپا انتقال داشته را شناسایی کرد. این عرصه‌ها عبارت‌اند از: علوم عقلی و فلسفه، الهیات، طب، نجوم، ریاضیات، شیمی، ادبیات، جغرافیا، دریانوردی، تجارت، صنعت، مهندسی، هنرهای معماری، خوشنویسی، حجاری، منبت‌کاری و فلزکاری.

ویل دورانت – مؤلف شهرت‌یاری تمدن – در این باره چنین گفته:

«اسلام در جهان مسیحی، نفوذ گوناگون و بسیار داشت. اروپای مسیحی، غذاها، شربت‌ها، دارو و درمان، اسلحه و استفاده از نشان‌های مخصوص خانوادگی، سلیقه و ذوق هنری، ابزار و فنون، صنعت و تجارت و قوانین و راه‌های دریایی را از اسلام فراگرفت و غالباً لغات آن را نیز از مسلمانان اقتباس کرد»^۳.

مونتگمری وات نیز گفته است:

«هنوز هم نشانه‌هایی در زبان اسپانیایی وجود دارد که اشاره به این نکته است که عرب‌ها مسئولیت عمده معماری و خانه‌سازی را در اسپانیا بر عهده داشته‌اند»^۴.

۱. سلسله جنگ‌هایی که طی سده‌های ۱۲ و ۱۳ میلادی (۷۶۰ق) توسط مسیحیان اروپا بر ضد مسلمانان، به بهانه آزادسازی زادگاه حضرت مسیح ﷺ در فلسطین، ترتیب داده شد.

۲. وات، مونتگمری، تأثیر اسلام در اروپای قرون وسطی، ص ۱۰۲.

۳. دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۴۳۳.

۴. وات، مونتگمری، تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی، ص ۵۳.

رکود و کم تحرکی تمدن اسلامی

«قدر مسلم این است که پدیده‌ای درخشان و چراغی نورافشان به نام تمدن اسلامی، قرن‌ها در جهان وجود داشته و سپس این پدیده، کم فروغ و سرانجام چراغ خاموش شده است و امروز مسلمانان در مقایسه با بسیاری از ملل جهان و نسبت به گذشته پرافتخار خودشان، در حال انحطاط و وضع رقت باری به سر می‌برند. طبعاً این پرسش پیش می‌آید که چطور شد مسلمانان پس از آن همه پیشرفت و ترقی در علوم و معارف و صنایع و نظامات، به قهقرا برگشتند؟ مسئول این انحطاط و سیر قهقرایی چیست و کیست؟»^۱

چنان‌که در سخنان شهید مطهری اشاره شده، تمدن اسلامی پس از پیدایش و رسیدن به دوره شکوفایی و رشد، متأسفانه بر اثر عواملی، گرفتار ضعف، رکود و ایستایی شد. این سخن به معنای نابودی این تمدن نیست؛ زیرا مظاهر تمدن اسلامی گسترده و فراگیر بود و هرگز نابود نشد، اما در ادامه حیات خود، نه تنها آن سیر صعودی را ادامه نداد؛ بلکه در برخی عرصه‌ها دچار سیر نزولی نیز شد. درک گستره این رکود و عوامل واقعی آن چندان آسان نیست؛ زیرا میان ما و آن عصر، فاصله زیادی وجود دارد، اما در مجموع می‌توان مهم‌ترین عوامل را شناسایی کرد. نویسندگان تاریخ تمدن اسلامی معمولاً این عوامل را در دو بخش داخلی و خارجی بررسی می‌کنند. اما بر اساس آموزه‌های قرآنی، پیش از تأثیرگذاری عوامل خارجی، این خود انسان‌ها هستند که با رفتارها و خصلت‌های درونی‌شان، زمینه‌های صعود یا سقوط خود را فراهم می‌سازند:

«... همانا خداوند آنچه را که گروهی دارند [از نعمت‌ها]، دگرگون نمی‌کند تا آن‌گاه که آنچه را در خودشان است؛ یعنی صفات و اعمال خود را دگرگون کنند».^۲

عوامل رکود تمدن اسلامی

الف) عوامل داخلی رکود تمدن اسلامی

- ۱** دنیاگرایی، تجمل‌طلبی و دوری از اسلام اصیل: اسلام دارای جذابیت‌های ذاتی است و توان ایجاد تمدن بزرگ جهانی را در راستای خداپرستی و عدالت داراست، اما متأسفانه، مسلمانان و حکومت‌های آنان، پس از رحلت رسول خدا ﷺ گرفتار انحرافی تدریجی گشتند. اصول و فروع دین گرفتار تحریف شد، حکومت‌های اموی و عباسی به تجمل و عشرت‌طلبی روی آوردند و عالمان دینی نیز با حکومت‌ها همراه گشته، و مخالفان نیز به بند کشیده شدند. بدین ترتیب، نه تنها شرایط پدید آمدن تمدن فراگیر جهانی فراهم نشد؛ بلکه همان تمدن پدید آمده نیز دچار سستی و رکود شد.
- ۲** ظلم و استبداد حکومت‌ها: حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس، و نیز برخی از حاکمیت‌های کوچک، گرفتار استبداد، ظلم و خودکامگی بودند. سیاست مدارا و تحمل مخالفان وجود نداشت؛ از این رو، به مرور، نارضایتی عمومی و بی‌ثباتی حکومت‌ها و جوامع پدید آمد. در چنین فضایی، نباید انتظار تمدنی رو به پیشرفت و گسترش را داشت.
- ۳** جنگ‌های داخلی و تجزیه قلمرو اسلامی: در طول دوره حاکمیت عباسیان، ضعف و فساد آنان موجب شد نقاط مختلف قلمرو اسلامی درگیر جنگ‌ها و هرج و مرج‌های شدیدی شود که تشکیل حکومت‌های کوچک و بزرگی در نواحی گوناگون را به دنبال داشت. تجزیه قلمرو اسلامی تا اواخر قرن پنجم هجری ادامه داشت.

۱. مطهری، مرتضی، انسان و سرنوشت، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۳۵.

۲. «... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ...»؛ سوره رعد، آیه ۱۱.

ب) عوامل خارجی رکود تمدن اسلامی

- ۱ جنگ‌های صلیبی: این جنگ‌ها در طول قریب به دو قرن (۶ و ۷ هجری) از سوی مسیحیان اروپا بر مسلمانان تحمیل شد و نتیجه آن، ضعف و خسارت برای مسلمانان از سویی، و آشنایی اروپاییان با تمدن اسلامی از سوی دیگر بود.
- ۲ حملات مغولان: مغولان از اوایل سده هفتم هجری، حملات خود به سرزمین‌های اسلامی را آغاز کردند. متأسفانه، خوی وحشیگری و ضد تمدنی این مردم بیابان‌نشین سبب شد علاوه بر قتل عام گسترده ساکنان سرزمین‌های اسلامی، آثار فرهنگی و تمدنی مسلمانان را نیز به نابودی کشند. بسیاری از کتابخانه‌ها را به آتش کشیدند و آثار هنری و معماری را از بین بردند. سرانجام حکومت بنی‌عباس را نیز در سال ۶۵۶ ق. ساقط کردند.

توضیح

از آنجا که مغولان، قومی وحشی و بیابان‌گرد بوده و با فرهنگ و تمدن بیگانگی داشتند، کتابخانه‌های بسیاری را در محدوده تمدن اسلامی، نابود کردند. به یک گزارش در این باره توجه کنید:

«پس از فتح قلعه الموت مغولان داخل آشیانه اصلی حسن صباح و پیروان او شدند و آلات جنگی و منجنیق‌ها را شکستند و اموال و خزاین ایشان را به تاراج بردند، مخصوصاً بر کتابخانه بسیار نفیسی که اسماعیلیان در طی سال‌های متمادی در الموت تأسیس کرده بودند و آوازه اشتهار و اهمیت آن در عالم پیچیده بود، دست یافتند و هلاکو امر به نابود کردن آن داد. عظاملک جوینی که در این سفر همراه بود، از هلاکو اجازه گرفت که به مطالعه آن کتب بپردازد تا نفایس و کتب مفیده آن را جدا کند و بقیه را که متعلق به اصول و فروع دین اسماعیلی است بسوزاند و چنین نیز کرد!»^۱

- ۲ سقوط اندلس: اندلس، نامی است که مسلمانان به بخشی از شبه‌جزیره ایبری، واقع در جنوب اسپانیا و جنوب شرقی پرتغال و گاه به تمام آن داده‌اند. مسلمانان در اواخر سده اول هجری این منطقه را فتح کردند. حکومت مسلمانان در اندلس را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:
 - ۱- دوره حاکمیت والیان دست‌نشانده امویان (۱۳۸-۹۳ ق.)
 - ۲- دوره حاکمیت مستقیم امویان پس از سقوط خلافت امویان در دمشق و فرار بقایای آنان به اندلس (۴۲۲-۱۳۸ ق.)
 - ۳- دوره معروف به حاکمیت ملوک الطوائفی (۸۹۷-۴۲۲ ق.)
- دوره حاکمیت مسلمانان در اندلس با پیشرفت‌های شگرف علمی و تمدنی همراه بود. اما متأسفانه سقوط دولت‌های مسلمان اندلس و تصرف مجدد آن به وسیله مسیحیان اروپا، تنها خاطرات و آثار محدودی از مظاهر تمدن اسلامی را بر جای نهاد.^۲

فکر کنید و پاسخ دهید

درباره عوامل داخلی و خارجی رکود تمدن اسلامی - بر اساس آموخته‌هایتان - بیشتر فکر کنید. آیا عوامل دیگری در این رخداد مؤثر بوده‌اند؟ از این حقیقت تلخ چگونه برای وضع کنونی امت اسلامی می‌توان درس گرفت؟

۱. بیرنیا و اقبال، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه، ج ۲، ص ۴۸۶.
۲. بنگرید به: رائف، احمد، خاطره سقوط اندلس، ترجمه محمدرضا انصاری.

خیزش و رکود مجدد تمدن اسلامی

چنان‌که قبلاً اشاره شد، تمدن اسلامی پس از پیدایش و شکوفایی، هرگز نابود نشد، اما دوره‌هایی از رکود و ضعف را سپری کرد. از شواهد این مدعا آنکه مغولان هر چند خسارات زیادی به تمدن اسلامی وارد ساختند، اما پس از چندی خود آنان به اسلام گرویدند و برخی از آثار تمدنی را پدید آوردند.^۱ از سده هشتم هجری به بعد، در سه نقطه مهم از قلمرو اسلامی، سه دولت مقتدر پدید آمد که هریک، سهم بسزایی در احیای مجدد تمدن اسلامی داشت: دولت عثمانی در ترکیه امروزی و ممالک همجوار، دولت صفویه در ایران، و دولت گورکانی در هند.

اساس دولت عثمانی در اوایل سده هشتم هجری نهاده شد، اما به سبب موقعیت خاص جغرافیایی و بسیج نیروها برای جهاد و عواملی دیگر، قلمرو آن وسعت زیادی یافت و حتی تا بخش‌هایی از اروپا نیز پیش رفت. در زمان سلطان محمد فاتح - از سلاطین مقتدر عثمانی - قسطنطنیه (پایتخت امپراتوری بیزانس یا روم شرقی) فتح شد و آنجا به پایتخت اسلامی با مساجد و مدارس با شکوه تبدیل گشت که هنوز نیز آثار آن باقی است. وی کلیسای ایاصوفیه را به مسجدی با شکوه تبدیل کرد و مدرسه‌ای نیز در کنارش ساخت.

توسعه دولت عثمانی تا قرن یازدهم ادامه داشت، اما از این قرن به بعد، این دولت روبه ضعف نهاد و در نهایت در قرن بیستم میلادی (چهاردهم هجری) فرو ریخت. آثار تمدنی سلاطین عثمانی در مناطق تحت حاکمیت آنان - به ویژه در ترکیه - قابل توجه بود.

دولت شیعی صفویه نیز در سال ۹۰۷ ق در تبریز توسط شاه اسماعیل صفوی تأسیس شد و در سال ۱۱۳۵ ق با تصرف اصفهان توسط افغان‌ها سقوط کرد. از مهم‌ترین خدمات این سلسله، رسمی کردن مذهب تشیع دوازده امامی در ایران و پدید آوردن آثار فرهنگی و تمدنی بسیار بود. هر چند ضعف‌ها و نالایقی‌های برخی از سلاطین صفوی را نیز نباید نادیده گرفت. صفویه به دنبال رسمی کردن مذهب تشیع در ایران، امکان خدمات فراوان علمی و فرهنگی را برای عالمان شیعه فراهم آوردند. در این دوره، بسیاری از دانشمندان شیعه از نقاط مختلف، راهی ایران شدند و با حمایت دولت صفوی، به رشد و گسترش و اعتلای فرهنگی شیعه کمک زیادی کردند. در این دوره، مدارس زیادی ساخته شد، مجموعه‌های علمی ارزشمندی تهیه شد که مجموعه ۱۱ جلدی کتاب حدیثی بحار الانوار از علامه محمد باقر مجلسی، از جمله آنهاست. همچنین در زمینه صنعت، معماری^۲ و تسلیحات نظامی نیز پیشرفت‌های خوبی پدید آمد.



کاخ عالی‌قاپو در اصفهان (عصر صفوی)



مسجد ایاصوفیه در استانبول

۱. از نمونه‌های مثال زدنی در این باره، گنبد سلطانیه است که در زمان سلطان محمد خدابنده - از سلاطین مسلمان و شیعه شده مغولی - بنا شد.
۲. کاخ عالی قاپو و آثار دیگر در میدان امام خمینی اصفهان از نمونه شاهکارهای معماری دوره صفویه است.



قلمرو صفویان در دوران شاه عباس اول

نقش تمدنی ایرانیان

یک توضیح

هر چند ظهور اسلام در جزیره العرب بود اما این آیین پس از نفوذ به دیگر مناطق - از جمله ایران - توسط اقوام غیر عرب پذیرفته و ترویج شد. ایرانیان در این میان، نقشی انکارناپذیر داشته‌اند. بیشترین گسترش اسلام به سوی شرق بود که عمدتاً ایران بزرگ عصر ساسانی را شامل می‌شد. مردم ایران پس از آنکه به تدریج اسلام را پذیرفتند، خود به عامل مهمی در تعمیق آموزه‌های اسلامی و گسترش و ترویج آن تبدیل گشتند. بسیاری از دانشمندان حوزه تمدن اسلامی، ایرانی بودند که با تدوین آثار فراوان علمی، تمامی مسلمانان را مدیون خود ساختند. تنها به عنوان یک نمونه می‌توان به مؤلفان مهم ترین آثار حدیثی شیعه (کتب اربعه) و اهل سنت (صحاح سنّه) اشاره کرد که تمامی آنها ایرانی بوده‌اند.

دولت گورکانیان هند نیز هم‌زمان با دولت صفویه، و در سال ۹۱۰ ق. توسط ظهیرالدین بابر تأسیس شد. نسب وی به تیمور گورکانی می‌رسید که تبار مغولی داشت از این رو، از این دولت، با عنوان «مغولان هند» نیز یاد می‌کنند. پس از بابر، فرزند و نواده‌های او تا نیمه دوم قرن یازدهم هجری حکومت کردند. سپس این دولت رو به ضعف و افول نهاد. دوره گورکانیان، دوره رواج ادبیات فارسی در هند بود و شعرای معروف، آثار منظوم فراوانی پدید آوردند و حتی بعضی از شاعران ایرانی به هند مهاجرت کردند. آثار متعددی نیز در زمینه تاریخ و ادبیات تدوین شد. در این دوره همچنین تفکر عرفانی رواج یافت؛ از این رو، مشایخ صوفیه، نزد بابریان احترام زیادی داشتند. آثار هنری و معماری باقیمانده، از شکوه تمدن مسلمانان این دوره حکایت دارد که تنها به عنوان یک نمونه، می‌توان به بنای زیبا و باشکوه تاج محل اشاره کرد که در نوع خود بی‌نظیر است.

با سقوط دولت‌های صفوی و گورکانی و سپس عثمانی، تمدن اسلامی مجدداً با ضعف و رکود همراه شد و دیگر نتوانست به شکوه پیشین خود بازگردد. این رخداد ناشی از چند عامل بود:

- ۱ پیدایش دولت‌های استعمارگر غربی و دست‌اندازی آنها به کشورهای اسلامی؛
- ۲ بی‌لیاقتی حاکمان کشورهای اسلامی و مرعوب شدن آنها در برابر استعمار؛
- ۳ تجزیه قلمرو اسلامی به کشورهای کوچک و ایجاد نزاع و دشمنی بین آنها توسط استعمار.

▶ رخداد انقلاب اسلامی ایران؛ تحرکی در تمدن اسلامی

خوشبختانه رخداد انقلاب اسلامی ایران در قرن اخیر، زمینه‌های مساعدی را برای شکوفایی استعدادهای نهفته جوانان مسلمان این مرز و بوم فراهم کرد. تمدن اسلامی به برکت این انقلاب در آستانه خیزشی جدید است که مرزهای ایران را درنوردیده و به دیگر کشورهای اسلامی سرایت کرده است. این انقلاب در جهان با نام امام خمینی و کشور ایران - با اکثریت شیعی دوازده امامی - شناخته شده است و امید می‌رود که این تمدن جدید اسلامی به حکومت موعود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه متصل شود.



مقبره صلاح‌الدین ایوبی، قهرمان جنگ‌های صلیبی در دمشق

جنگ‌های صلیبی

در سده‌های ۱۲ و ۱۳ م. ۶ و ۷ ق. سلسله جنگ‌هایی با عنوان جنگ‌های صلیبی از سوی مسیحیان اروپا و با تحریک رهبران کلیسا بر ضد مسلمانان به وقوع پیوست. بهانه آنان برای این جنگ‌ها، آزادسازی زادگاه حضرت عیسی مسیح علیه السلام و رفع آزار و اذیت از زائران مسیحی بیت المقدس بود. وجود آشفستگی، هرج و مرج و فقر در اروپا از دیگر عوامل روی آوردن مسیحیان به این جنگ‌ها بود. تعداد این جنگ‌ها - که حدود دو قرن به طول انجامید - ۹ جنگ بود. اولین جنگ صلیبی در نوامبر سال ۱۰۹۵ م. با تحریک پاپ اوربانوس دوم به وقوع پیوست. وی، طی خطابه‌ای، تعدی ترکان سلجوقی نسبت به زائران مسیحی را بهانه دعوت مسیحیان به جنگ قرار داد. او به مسیحیان وعده داد که عزیمت به این جنگ، به منزله توبه و کفاره گناهان خواهد بود. در طی این جنگ و جنگ‌های بعدی، کشتارهای وسیعی صورت گرفت؛ به عنوان مثال، مسیحیان پس از تصرف بیت المقدس به پاپ چنین خبر دادند:

«اگر می‌خواهید بدانید بر سر دشمن ما چه آمد، همین بس که اسب‌های ما در ایوان سلیمان و معبد او، تا زانو در خون مسلمین شناور بود.»

گفتنی است در سومین جنگ صلیبی، صلاح الدین ایوبی موفق شد در سال ۱۱۸۷ م. / ۵۸۳ ق. بیت المقدس را از دست مسیحیان خارج سازد. در مجموع، جنگ‌های صلیبی برای اروپاییان - به لحاظ تمدنی - بسیار پر سود بود؛ زیرا از دنیای وحشیانه و پر ظلمت و جهالت اروپا توانستند با تمدن درخشان اسلامی آشنا شده و این تجربیات را با خود به اروپا ببرند.

پرسش‌های نمونه

- ۱ عوامل انتقال تمدن اسلامی به اروپا چه بود؟ آنها را نام برده و یکی را توضیح دهید.
- ۲ عوامل داخلی و خارجی رکود تمدن اسلامی را ذکر کرده و یکی از آنها را توضیح دهید.
- ۳ خیزش مجدد تمدن اسلامی در چه دوره‌ای و به وسیله چه حکومت‌هایی انجام گرفت؟ به طور کوتاه توضیح دهید.
- ۴ چرا تمدن اسلامی، پس از خیزش مجدد، گرفتار رکود مجدد شد؟
- ۵ انقلاب اسلامی چه تأثیری در ارتباط با تمدن اسلامی داشته است؟



منابع و مآخذ

- ۱ آلوسی، محمود شکری، مختصر التحفه الاثنی عشریه. قاهره، مطبعه سلفیه، کتابخانه دیجیتال نور.
- ۲ ابن اثیر، عزالدین علی، الكامل فی التاریخ، ترجمه، ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۵ ق.
- ۳ ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
- ۴ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف، حیدریه، ۱۳۷۶ ق.
- ۵ ابن شعبه حرّانی، ابو محمد حسن بن علی، تُحف العقول، تصحیح، علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
- ۶ ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، الفخری فی آداب السلطانیه و الدول الاسلامیه، بیروت، داربیروت، ۱۹۶۶ م.
- ۷ ابن هجر هیتمی، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه، کتابخانه دیجیتال نور.
- ۸ الله اکبری، محمد، عباسیان از بعثت تا خلافت.
- ۹ اربلی، ابن ابی الفتح، کشف الغمّه فی معرفه الائمة، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق.
- ۱۰ ابوزهره، محمد، الامام الصادق علیه السلام حیات و عصره و آراؤه و فقهه، قاهره، دارالفکر العربی، بی تا.
- ۱۱ ابن کثیر، عمادالدین اسماعیل، البدایه و النهایه، تحقیق، علی شیری، کتابخانه دیجیتال مکتبه الشیعه.
- ۱۲ باغستانی، اسماعیل، دانشنامه جهان اسلام، مدخل امام جواد علیه السلام.
- ۱۳ برنجکار، رضا، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، کتابخانه دیجیتال قائمیه اصفهان.
- ۱۴ بهبودی، محمدباقر، مقاله طلوع و غروب اصحاب اجماع، مجله کاوشی نو در فقه، تابستان ۱۳۷۴.
- ۱۵ پاک‌نیا، عبدالکریم، نگاهی به شیوه‌های رهبری امام هادی علیه السلام، کتابخانه دیجیتال قائمیه اصفهان.
- ۱۶ پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۷ ش.
- ۱۷ یرینیا، حسن و عباس اقبال، ایران از آغاز تا انقراض قاجار، بی جا، خیام، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۸ جباری، محمدرضا، سازمان و کالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۹ جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، قم، انصاریان، ۱۳۸۰ ش.
- ۲۰ _____، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، قم، انصاریان، ۱۳۷۹ ش.
- ۲۱ حیدر، اسد، امام صادق علیه السلام و مذاهب چهارگانه، ترجمه حسن یوسفی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۹ ش.
- ۲۲ حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، ترجمه محمد تقی آیت‌اللهی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷ ش.
- ۲۳ خضری، احمدرضا، تاریخ تشیع، تهران، سمت، ۱۳۹۱ ش.
- ۲۴ _____، تاریخ خلافت عباسی، از آغاز تا پایان آل بویه، تهران، سمت، ۱۳۷۹ ش.
- ۲۵ رائف، احمد، خاطره سقوط اندلس، ترجمه محمدرضا انصاری تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰ ش.
- ۲۶ رفیعی، علی، تحلیلی از تاریخ دهمین خورشید امامت، امام هادی علیه السلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
- ۲۷ زنجیر، محسن، نقش امام سجاد علیه السلام در رهبری شیعه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۰ ش.
- ۲۸ زرین کوب، عبدالحسین، بامداد اسلام، داستان آغاز اسلام و انتشار آن تا پایان دولت اموی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹ ش.

- ۲۹ ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، الامامة والسياسة، قم، منشورات الرضى، ۱۳۶۳ ش.
- ۳۰ ویل دورانت، تاریخ تمدن ترجمه ابوطالب صارمی و همکاران، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
- ۳۱ دریایی، محمد رسول، امام هادی علیه السلام و نهضت علویان، تهران، رسالت قلم، ۱۳۶۱ ش.
- ۳۲ سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، تاریخ الخلفاء، تحقیق صالح ابراهیم، بیروت، دارصادر، کتابخانه دیجیتال نور.
- ۳۳ شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، قم، شریف رضى، ۱۳۶۴ ش.
- ۳۴ شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- ۳۵ شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷ ش.
- ۳۶ _____، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ش.
- ۳۷ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، تحقیق شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، ۱۴۰۳ ق.
- ۳۸ طباطبایی، سید محمد کاظم، تاریخ حدیث، کتابخانه دیجیتال نور.
- ۳۹ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ترجمه بهزاد جعفری، کتابخانه دیجیتال مدرسه فقاها.
- ۴۰ _____، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۷ ق.
- ۴۱ طبسی، محمد جواد، با خورشید سامرا، تحلیلی از زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، ترجمه عباس جلالی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- ۴۲ طبسی، محمد حسن، امام رضا علیه السلام به روایت اهل سنت، قم، دلیل، ۱۳۸۸ ش.
- ۴۳ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تصحیح حسن موسوی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- ۴۴ طقوش، محمد سهیل، دولت امویان، ترجمه حجت الله جودکی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ ش.
- ۴۵ _____، دولت عباسیان، ترجمه حجت الله جودکی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ ش.
- ۴۶ طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ ق.
- ۴۷ عامل، سید جعفر مرتضی، زندگانی سیاسی هشتمین امام، ترجمه خلیل خلیلیان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۱۶ ش.
- ۴۸ _____، نگاهی به زندگانی سیاسی امام جواد علیه السلام، ترجمه محمد حسینی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۵ ش.
- ۴۹ عطاردی، عزیزالله، مسند الامام کاظم علیه السلام، مشهد، الروضة الرضویة المقدسة، کتابخانه دیجیتال مدرسه فقاها.
- ۵۰ قرشی، باقر شریف، موسوعه سیره اهل بیت علیهم السلام، جلد ۳۲، نجف، دارالمعروف مؤسسه الامام الحسن علیه السلام، ۱۴۳۳ ق.
- ۵۱ قزوینی، سید محمد کاظم، موسوعه الامام الجواد علیه السلام، قم، موسسه ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، کتابخانه دیجیتال مکتبه الشیعه.
- ۵۲ کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، به تحقیق حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.
- ۵۳ کلینی، محمد بن یعقوب، روضة الکافی، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، کتابخانه دیجیتال نور.
- ۵۴ _____، الکافی، به تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.

- ۵۵ مشکور، محمد جواد و کاظم مدیر شانه چی، فرهنگ فِرَق اسلامی، کتابخانه الکترونیکی مدرسه فقاقت.
- ۵۶ مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، کتابخانه دیجیتال نور.
- ۵۷ مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، به تحقیق اسعد داغر، قم، دارالحجره، ۱۴۰۹ ق.
- ۵۸ مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، قاهره، مکتبه مدبولی، ۱۴۱۲ ق.
- ۵۹ مصاحب، غلامحسین، دائرة المعارف فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷ ش.
- ۶۰ منتظرالقائم، اصغر، تاریخ امامت، تهران، نشر معارف، ۱۳۸۶ ش.
- ۶۱ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، ۱۳۷۸ ش.
- ۶۲ _____، الاختصاص، بی جا، دارالمفید، ۱۳۸۸ ش.
- ۶۳ حکیم سید منذر سید عبدالرحیم موسوی، پیشوایان هدایت، حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، ترجمه کاظم حاتمی طبری، تهران، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۸۴ ش.
- ۶۴ _____، پیشوایان هدایت، حضرت امام کاظم علیه السلام، ترجمه کاظم حاتمی طبری، تهران، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۸۴ ش.
- ۶۵ ناظمیان فرد، علی، معتصم و سیاست انتقال پایتخت، ش ۱۱، مجله پژوهش های تاریخ ایران و اسلام.
- ۶۶ حکیم سید منذر و سام بغدادی، پیشوایان هدایت، حضرت امام جواد علیه السلام، ترجمه سید حسین اسلامی اردکانی، تهران، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۸۴ ش.
- ۶۷ نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، مؤسسه نشر اسلامی، کتابخانه الکترونیکی مدرسه فقاقت.
- ۶۸ نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، کتابخانه الکترونیکی نور.
- ۶۹ ناشناس، اخبارالدولة العباسیه، به کوشش عبدالعزیزالدوری و عبدالجبار مطلبی، بیروت، بی تا، ۱۹۷۱ م.
- ۷۰ نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، کتابخانه الکترونیکی مکتبه الشیعه.
- ۷۱ نهج البلاغه، به تحقیق صبحی صالح، بیروت، بی تا، ۱۳۸۷ ق.
- ۷۲ یعقوبی، احمد بن واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، بیروت، دارصادر، بی تا.
- ۷۳ ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲ ش.
- ۷۴ وات، ویلیام مونتگمری، تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی، ترجمه حسین عبدالحمیدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۸ ش.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نو نگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی و دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

اسامی دبیران و هنرآموزان شرکت‌کننده در اعتبارسنجی کتاب تاریخ اسلام ۲ - کد ۱۱۱۲۳۳

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	پرشنگ بابایی	کردستان	۱۹	نیره قوامی	قزوین
۲	زینب علی زاده جورکویه	خراسان رضوی	۲۰	هدایت بهنام	لرستان
۳	خیام علیزاده اقدم	آذربایجان شرقی	۲۱	داود رضایی	شهرستان‌های تهران
۴	عصمت قلی پور شهرکی	چهارمحال و بختیاری	۲۲	شمسی شعبانی	کرمانشاه
۵	فرانک ستاری	کردستان	۲۳	مهدی کاردان	شهر تهران
۶	غلامعلی ابراهیمی	سیستان و بلوچستان	۲۴	طهماسب طالبی	قزوین
۷	مهدی بخشی	خراسان جنوبی	۲۵	زهره سلیمانی	آذربایجان غربی
۸	حیدر امیری	بوشهر	۲۶	محمدعلی شیوانسب	گلستان
۹	بهرام امدادیان	هرمزگان	۲۷	طاهره صفری فروشانی	خوزستان
۱۰	قاسم فتاحی	چهارمحال و بختیاری	۲۸	امید صادق پور	همدان
۱۱	مریم حیدری	بوشهر	۲۹	بهنام علی پور	کهگیلویه و بویراحمد
۱۲	لیلا محمدنیاکان	ایلام	۳۰	زرین شریفیان پور	اصفهان
۱۳	شهین مقصودی	فارس	۳۱	کوروش زمانی	هرمزگان
۱۴	محمد لطفی	البرز	۳۲	علی یزدی پسند	مرکزی
۱۵	ماندانا فرهمند	ایلام	۳۳	فریبا صالحی	هرمزگان
۱۶	حسین اسکندری	فارس	۳۴	معصومه سعیدی	آذربایجان غربی
۱۷	هایده صادقی اصل	شهر تهران	۳۵	حیدر احسانی	خراسان شمالی
۱۸	طیبه خسروی	خراسان جنوبی			